

وارد میشد اولیای امور آن شخص را وارد میکردند در وزارت تجارت یا سایر وزارتخانه های دیگر که هیچ بوط بلام نظام نبود و بنده در این مسئله و سایر مسائلیکه بعد باید مطرح بشود نظری دارم که مسئله سن را نباید بمناسبت سابق طرف اهمیت قرار داد که حکماً کمتر از ۳۰ سال نداشته باشد اگر ما اشخاصی داشته باشیم چنانچه داریم که دارای سن که ترازی سال باشند و لیاقت و تجربه و معلومات آنها بیشتر از اشخاص سی ساله باشد نباید آنها را از عضویت در کمیسیون تطبیق حوالجات محروم کنیم و بنده متقدم که اول سن را (۲۵) سال قرار دهمند کفایت چون در این مدت ۵ سال هم تحصیلات هم تجربه لازم را میتوان اتخاذ نمود

مقتصر السلطانی - همین قسم که فرمودید اطلاعات و تحصیلات در لیاقت شرط است باید بدانند که لیاقت تحصیلات تنها نیست پس از تحصیلات عملیات هم لازم است و هر کس که رفت و تحصیلات ف. ماله را نمود و مراجهت کرد مسلم است این شخص در سن (۲۲) الی (۲۳) سال از تحصیلات خودش آسایش پیدا کرده و وارد عملیات میشود و قتیکه بخواهد یک دوره عملیات به بیاید لا اقل سی ساله خواهد شد برای اینکه معلومات و عملیات هر دو باشد کمیسیون سن را ۳۰ سال قرار داد حالا ممکن است یک شخص (۲۵) ساله هم تحصیلات خود را کامل کرده و یک قدری اطلاعات و عمل دیده باشد این اندازه عملیات کفایت نمیکند

فایز رئیس - آقای عبدالملك مخالفین عامل الامتثال - پاس سال مخالفان کاتبه لیاقت ما را از تمام این اشکالات مستثنی خواهد کرد بواسطه اینکه هر کس که تحصیلات میکند باید حاضر بشود برای امتحان و قتیکه بکنه لیاقت مقید شد این احتمال هم مرتفع نمیشود اما ممکن است در سن ۲۵ سال جوانی پیدا شوند که بتوانند از عهده این خدمت برآیند و محروم کردن آنها را از این کار پس داشتن لیاقت بنده هیچ صحیح نمیدانم

مختصر - بنده مخالفان بنظر آقای عبدالملك موافقت ندارم - آن قستیکه رایج لیاقت است از برای طرف کردن این کسانیست که سی سال داشته و دارای اطلاع هم هستند لیاقت ندارند پس این کاتبه لیاقت تنها ما را مستثنی نمیکند که محدود میکنیم بی سی سال و قناعت کنیم به ۲۵ سال زیرا اگر درست دقت بفرمایند در وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات خواهند دید که اگر این کمیسیون خوب انتخاب شود خیلی کمک به کار دولت خواهد بود و اگر بد انتخاب شود ممکن است کار دولت را قلع کنند و بد هم ممکن است از حیث نظراخلاق و یا اینکه از مد نظر بی تجربه گی باشد پس اینجا در بی اخلاق نیست ممکن است یک آدم صریح الاخلاقی باشد و معلومات داشته باشد ولی چون هنوز تجربه اداری یا مدنی پیدا نکرده ممکن است یک چیزی که برای امور مملکتی کمال اهمیت و ضرورت را دارد رد کنند و حواله وزیر مسالیه هم وقتی که بمضاء کمیسیون نرسد آرا بخوانه نمیتواند تأثیر کند پس این اسباب قلع ماله مملکتی خواهد شد بنا بر این علاوه بر اطلاعات که بسیار لازم است تجربه هم بسیار لازم و مفید است پس مخصوصاً اعضا کمیسیون تطبیق حوالجات باید تجربه داشته باشند

تجربه حاصل نمی شود مگر بعد از مدتی کار کردن در ادارات و اقل سن متوسطی که یک شخص تحصیل کرده که چند سال در ادارات خدمت کرده باشد شی سال است حالا ممکن است یک مستثنی آنها باشد که یک شخص در سن (۲۵) سالگی تحصیلات خودش را تمام کند و چند سال هم در ادارات مشغول خدمت باشد و یک آدم باهوشی باشد و تجربیاتی حاصل بکند این استثناء است و این را نمیشود در تحت قاضیه کلی قرار داد علاوه بر این بنده باید یک نکته را عرض کنم که در آن وقت بفرمایند که اگر ما این قانون را برای کلیه مشاغل ماله می نوشتم تمام ایرادات آقایان وارد بود ولی از آن کسانی که با این قانون مخالفت می کرد من بوم که می قسم چرا باید (۲۵) ساله ها از خدمت بملکت خودشان محروم باشند و خدمت بدولت نکنند بلکه نظر بنده این بود که بیست ساله ها هم داخل در خدمت بشوند زیرا که بین اشخاص بیست ساله هم ممکن است اشخاص عالمی باشند که بتوانند از عهده خدمات ماله بخوبی برآیند ولی این نکته را فراموش نفرمایند که در میان پنج شهزاد نفر مستخدمین که ممکنست در ماله باشند پنج نفر را که کمیسیون می گوید دو باشند و بقیه ما و این پنج نفر محروم بشوند پس بنا بر این بنده تصور میکنم اگر آقایان باین سن سی سال موافقت و قناعت میکنند هر دو مقصود حاصل می شود

ملائک الشهران - اولاً نمی توانم راضی بشوم که یک قسمت همه جوانهای تحصیل کرده که خودشان را برای خدمت حاضر کرده اند آنها محروم از خدمت شوند و او در اداره پنج نفری هم باشد تا بیا بنده راضی نمی شوم که یک همچو سابقه در پارلمان بگذاریم می فرمایند مسئله لیاقت شرط است اگر مسئله لیاقت باشد که در این ماده نوشته شده است و اما لفظ تجربه لفظ غریبی است این لفظ تجربه یک حرفه برنده می شود برای دفع کردن تمام جوانان تحصیل کرده کار آزموده که هر وقت ما بخواهیم یک عده جوانان کافی تحصیل کرده را جلو بیاوریم آقایان با تجربه تجربه آنها را محروم خواهند کرد بنده نمی دانم مگر تجربه چقدر وقت می خواهد و آن کتبی که فیلسوف مجرب برای تجربه نوشته است کجاست که من هم بینم و بدانم برای تجربه چقدر مدت لازم است بنده عرض میکنم که طفل در سن پنج سالگی بمکتب میرود و تا سن هشت الی دوازده سالگی تحصیلات ابتدائی خودش را تمام می کند و تا سن پانزده و شانزده تحصیلات مقدماتی میاورد و تا سن ۲۳ سالگی مؤخرات علمش را کامل میکند و در سن ۲۳ سالگی داخل ادارات می شود و زحمت میکشد و تجربه حاصل میکند حتماً هشت سال باید زحمت بکشد و تجربه حاصل کند اگر هفت سال زحمت کشید و تجربه حاصل کرد و ۲۹ ساله شد باید او را محروم کرد بنده عرض میکنم تجربه را بدو سال میشود پیدا کرد و اگر آدمی قابل درک تجربه و مطالب اداری نباشد ممکن است بیست سال هم در یک اداره کار کند و لیاقت حاصل نکند و اگر قابل باشد مانند بسیاری از جوانان تحصیل کرده می تواند در سن ۲۲ سالگی تحصیلات خودش را بطوری کامل کند که قابلیت داخل شدن در ادارات را داشته باشد

در ظرف دو سه سالی هم آن تجربه را هم که آقای مغیر حربه قرار دادند تحصیل کند گمان میکنم اطلاعات آقای مغیر کافی باشد و بسط نباشد بخوبی مسبوژ هستند که غالب اشخاص که کارهای بزرگ کردند چه در مملکت ایران و چه در جاهای دیگر سنشان کم بوده است بنده از آن کسانی هستم که عقیده دارم روح جدیت و حرارت و فعالیت در جوانها پیدا میشود که سنشان سی سال نیست و خود آقای مغیر دلائل بزرگی از برای عرایض بنده هستند

مختصر - اولاً بطور توضیح عرض می کنم که بهیچوجه مقصود بر داشتن حربه و بریدن شاهانهاییکه برای مملکت نافع است نیست بر عکس ما میخواهیم این نهالهای مملکت را آب یاری کنیم که بار در شده برای مملکت میوه های مفید عمل آورند اما این مسئله که آقای ملك الشهران فرمودند که کدام فیلسوف این مطلب را گفته است که ما حرف او را سرمشق قرار دهیم بنده یک جواب مختصری دارم آن فیلسوف که بزرگترین فیلسوفهای دنیا است و باید حرف او را سرمشق قرار داد آن زندگانی است و چیز دیگری نیست زندگی به ما میآموزد و با یکمدهای رسائی میگوید از برای مملکت داری دو چیز لازم است علم و تجربه که یکی بدون دیگری نمی شود و ما را وادار میکند که در قانون گذاری این دو نظر را رعایت کنیم اما اینکه فرمودند تاریخ نشان میدهد اشخاصی را که سی سال نداشته و بسا کارهای بزرگ کرده اند بنده عرض میکنم برای آن اشخاص فوق العاده هیچوقت ندگی قانون را زیر پا میگذازانیم برای اینکه بقول (برمان) بلندتر شوند که میتوانند هر خطر را دورتر به بیند

نایب رئیس - پیشنهادی در این موضوع از آقای ناصر الاسلام رسیده قرائت میشود (بدین مضمون قرائت شد)

در ماده ۳۶ در فقره ۲ چنین نوشته شود (داشتن لا اقل ۲۵ سال)

ناصر الاسلام - بنده دیگر وارد نمی شوم در اثبات تعیین این پیشنهاد و یا تنقید پیشنهاد سابق (۳۰ ساله) باید همین قدر عرض کنم که این مسئله بالاخره رایج میشود بانتخاب مجلس شورای ملی در نظر دارم که در شور اول این قانون بنده اظهار کردم که یک چند نفری پیدا میشوند که سنشان کمتر از سی سال است و لیاقت این کار را دارند آقای مغیر تصدیق فرمودند و گفتند از یک گل بهار نمی شود بنده میخواهم عرض کنم اگر ما یک گلی داشته باشیم نباید آن گل را از استعفاقت محروم کنیم چنانچه چند نفر از این جوانان داشته باشیم که مجلس شورای ملی تصدیق عالم و تجربه آنها را داشته باشد دولت آنها را پیشنهاد کند نباید بعنوان اینکه سن آنها سی سال است از حق خود محروم شوند و در این موضوع بنده بیشتر توضیح نمیدهم زیرا که انتخاب این اشخاص بسته به نظر مجلس شورای ملی است در صورتیکه دولت در ضمن ۱۵ نفر که سه نفریکه سنشان کمتر از سی سال باشد پیشنهاد کند و به بیستم لیاقت و تجربه کفایت و امانت دارند آنها را تصویب میکنیم و آن جوانهاییکه تجربه ندارند رد خواهیم کرد

پس در این صورت ضروری متوجه نخواهد شد که حد اقل ۲۵ سال نوشته شود

حاج عزالممالک - بنده عرض میکنم اولاً ترتیب این اداره مربوط به ترتیب سایر ادارات نیست در این جا باید سن محدود باشد و در سایر ادارات آزاد چنانکه مغیر محترم توضیح دادند اداره ماله منحصر به پنج نفر است این کمیسیون نیست بنده خودم حاضر هستم و میگویم اشخاصیکه فرته اند تحصیل کردند حق تقدم دارند بر آن اشخاصیکه فقط تجربه دارند و علم ندارند البته همین ادارات و تشکیلات باید از اشخاص تحصیل کرده با علم تشکیل شود اما اعضا این کمیسیون که وظایف شان در مورد بنده معلوم خواهد شد باید مقاومت کند در مقابل اظهارات تمام وزارت خانه ها و تقاضا نامه ها و التماس نامه هاییکه نسبت بمخارج میشود این اشخاص باید تجربه داشته باشند تا اینکه ضروری بواسطه بی تجربه گی آنها بمالیه مملکت داده نشود و عمل کرده باشند و اطلاع داشته باشند بیوجهی هائیکه از این مملکت برداشته و گرفته میشود این اشخاص اگر علم داشته باشند در ادارات تجربه پیدا کرده باشند البته بهتر می توانند از عهده برآیند و علاوه ادارات دیگر هم هست و البته باید سعی کرد که آن اشخاص با علم را در جاهای دیگر گذاشت

نایب رئیس - آقای عبدالملك كه عضو کمیسیون قوانین ماله نیستند حق مذاکره ندارند

ناصر الاسلام - بنده ناچارم در ضمن این توضیحاتی که آقایان میدهند بعضی عرایض بکنم مگر دیده شده است اشخاص مستحق مجری که مادر نظر گرفته ایم برای اشغال یک چنین مقام محترمی یا داختر ۶۰ یا ۷۰ سال از وجود آنها جز مضرت چیزی دیده نشده امروز ما وارد میشود در تجربه که اینجا هیچ وجود خارجی ندارد بنده عرض میکنم در وزارتخانه ها و ادارات و تشکیلات اشخاص مجرب حقیقی نداریم جز یکمده خیلی کمی و بقیه که خود را اعضا کارکن ادارات دانسته و سرمایه افتخار آنها این است که ما تجربه داریم و دو سه چراغ را خوردیم این تا باین مقام رسیده ایم و از اوضاع داخله مرکز می جفرافی مرکز اطلاع ندارند تا چه رسد با اطلاع از جفرافی ایالات و ولایات و از عایدات داخله تهران اطلاع ندارند تا چه رسد بمایدات ولایات و در اینجا مانظر نداریم که اشخاص را بیاوریم (دیکناتور) قرار بدیم اگر در ضمن آن ۱۵ نفر که دولت پیشنهاد می کند چند نفر را در نظر گرفت که سن ۲۵ سال باشد و مجلس شورای ملی هم تصدیق کرده که دارای اطلاع و بصیرت هستند چون اختیار بامجلس شورای ملی است تقاضا کردم کسب حق از آن چند نفر نشود و اگر هم معرفی شدند و مجلس دیدلایق نیستند باز اختیار بامجلس است که آنها را رد کند

نایب رئیس - پیشنهاد قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - پیشنهاد قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد اشخاصیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

نایب رئیس - در خدمت سوم مخالفی نیست - اظهاری نشد

پس رای میگیریم بماده ۳۶ آقایانیکه ماده ۳۶ را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۳۷ قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۷ - اعضا مجلس شورای ملی و سنا و اشخاصیکه دارای مشاغل دولتی هستند یا متصدی معاملات دولتی میباشد نمی توانند عضو کمیسیون مزبور باشند مگر اینکه بعد از انتخاب از شغل اولی خود استعفا دهند

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهار مخالفی نشد)

اشخاصی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

(ماده ۳۸ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ - کمیسیون مزبور یک نفر رئیس و یک نفر نائب رئیس از میان خود انتخاب خواهد کرد و بقدر لزوم متشی و اجزاء خواهد داشت

نایب رئیس - مخالفی نیست

ناصر الاسلام - این کمیسیون در واقع یک اداره است و اداره هم البته یک نفر رئیس و یک نایب رئیس می خواهد ولی بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت این (بقدر لزوم) لاستیک دار و کش دار است چه لزومی دارد که ما در جزه قوانین تأسیسات ماله بنویسیم که کمیسیون تطبیق حوالجات یک نفر رئیس و یک نایب رئیس خواهد داشت خیلی مضحک است مسلم است یک کمیسیونی که تشکیل میشود رئیس و یک نایب رئیس می خواهد و این یک چیز مهمی نیست که مبادر تشکیلات اساسی ماله بنویسیم

مختصر - اگر یکماده این قانون نمی بود حق با آقای ناصر الاسلام بود بنده هم عرض میکنم لازم نیست ولی چون در ماده ۲ بنویسند ادارات و هیئت ماله در تحت است مستقیم وزیر ماله خواهد بود لازم بود که این ماده را بنویسیم اگر در این لایحه تصریح نمی کردیم که خود کمیسیون رئیس و نایب رئیس دارد ممکن بود تصور شود که کمیسیون تطبیق حوالجات بر طبق همان ماده باید جمله در تحت ریاست وزیر ماله باشد پس بنابر این تا کزیر بودیم که این مسئله را بجهت رفع اشتباه تصریح کنیم اما آن تصمیمی که رایج بعضی است مقصود این بود که رئیس از اعضا کمیسیون نیست فقط رئیس و نایب هم نمی توانند متشی گری کنند زیرا وقتشان زیاد خواهد شد بنا بر این رئیس و نایب رئیس از همان ه نفر خواهد بود و متشی غیر از آن ه نفر و این که نوشته است (اجزا بقدر لزوم) برای این بود که بدانند کمیسیون غیر از ه نفر اجزاء دیگر خواهد داشت و نگویند بر طبق تمام کمیسیونها یک نفر رئیس و یک نایب رئیس و دو نفر متشی دارد زیرا که این کمیسیون کارهای زیاد دارد و بعضی اسناد لازم است در آن جا ضبط شود باین جهت لازم بود که این ماده نوشته شود

ناصر الاسلام - آن قسمت اول را که توضیح دادند بنده قانع شدم اما در قسمت دوم بنده تصور نکردم که متشی و اجزا از اعضا کمیسیون خواهند بود بنده عرض کردم بقدر لزوم نوشته و چون معین نشوی کش بردار است ممکن است بگویند بیست

یاسی اجزاء میخواهند و چون اجزاء خارجی نباید داشته باشند لازم است صورت بدهند تا این کمیته عده زیادی اجزا برای کمیسیون معین نشود

مختصر - بلی این نظر را میخواستم عرض کنم ولی فراموش کردم - همین اجزا در قوانین اساسی نمی شود فقط در قوانین تشکیلات ممکن است متعرض داشتن یا نداشتن اجزا شد ولی تعیین عده اجزا منوط بیوجه است و چنانچه در یک موقع دیگر هم عرض کردم تا بودجه نباید بمجلس نمیشود موفق بتعیین عده اجزا شد حالا ما از مد نظر تشکیلات در این جا حرف میزنیم و داخل عمل نشده ایم کمیسیون تطبیق حوالجات هنوز دائر نشده است که ما بدانیم ۵ نفر و یا ۳ نفر و یا ۲ نفر نویسنده لازم دارد چطور ممکن است معین کنیم اگر ۵ نفر و یا ۳ نفر معین کنیم ممکن است کم یا زیاد باشد در تمام عالم قوانین و بودجه یکدیگر را تکمیل میکنند زیرا تا یکی نباشد یکی دیگر هم همیشه ناقص است بودجه همیشه این قبیل مسائل را تکمیل میکند و قوانین راجع به کلیات است

نایب رئیس - آقای حاج شیخ یوسف مخالفی ؟

حاج شیخ یوسف - سؤالی دارم - در ماده ۲ نوشته شده است که ادارات ماله در تحت ریاست مستقیم وزیر ماله خواهد بود و از برای خود کمیسیون بگزیند و یک نایب رئیس معین شده است بهناعلیهذا بموجب ماده ۲ خود کمیسیون باید در تحت ریاست وزیر باشد بنده سؤال می کنم این صحیح است یا خیر

مختصر - چون مشغول خواندن یک پیشنهادی بودم ملتفت نشدم خوبست مقصود خودشان را دوباره بفرمایند تا جواب عرض کنم

حاج عزالممالک - این مسئله متالی نیست با آن اظهاریکه آقایان فرمودند بجهت این که هم اداره رئیس مخصوص خواهد داشت در تحت ریاست عالییه وزیر خواهد بود و چون این جا راجع به کمیسیون بود لهذا تصریح شده است که باید یک رئیس داشته باشد

نایب رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۳۹ قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۹ - مدت مأموریت اعضا کمیسیون مزبور یکسال است پس از انقضای مدت مزبوره در صورت صحت عمل همان اشخاصی را میتوان مجدداً مطابق ماده ۳۵ انتخاب کرد

محمد هاشم میرزا - اینکه نوشته شده است مطابق ماده ۳۵ همان اشخاصی را انتخاب خواهد کرد یعنی چه اگر وزیر بخواهد می تواند هر کس را انتخاب و بمجلس پیشنهاد کند و مجلس رأی بدهد این مطلب یک ماده دیگری لازم دارد - اگر مقصود اینست که مجلس انتخاب کند بهتر این بود که نوشته شود در مرتبه دوم محتاج به پیشنهاد وزیر نیست و مجلس انتخاب خواهد کرد و الا گمان میکنم اگر مقصود این نباشد فائده برانده مترتب نخواهد بود

مختصر - مقصود اینست که وزیر ماله میتواند

ثابتاً آنها را پیشنهاد کند اما قسمتی که گفتند لازم نبود این مسئله نوشته شود عرض میکنم در اغلب قوانین مثلا در قانون انتخابات می نویسد ممکن است همان شخصی که اول انتخاب شده بود دوم مرتبه انتخاب کرد اینجا هم ضرر ندارد که بگویند يك شخصی که در يك دوره بوده است ممکن است دو باره انتخاب شود بجهت اینکه شاید گفته شود يك شخصی که در يك دوره بوده است در دوره دیگر نمیتواند باشد اما ایراد نمانی که فرمودند آن دیگر بکلی برخلاف اساسی این قانون است برای اینکه در ابتدا یعنی در ماده های قبل معتمد شدند که کمیسیون را باید مجلس از میان یازده نفر که وزیر پیشنهاد میکند انتخاب نماید لابد بجهت این مطلب مقصودی داشته اند همان مقصودیکه در وجه اول بود همان مقصود طبعاً و قهراً در وجه ثانی هم هست و آن مقصود این است که از يك طرف چون کمیسیون تطبیق حوالات تشکیل دیوان محاسبات قائم مقام آن است لهذا اعضاء این کمیسیون نسبت به اعضاء سایر دوائر وزارت مالیه بایست استقلال داشته باشد پس باید چه در موقع انتخاب آنها وجه در موقع اشتغال آنها کمال دقت را نمود که اشخاص صحیح العمل مجری انتخاب شوند از این نقطه نظر تصور میشود که باید مجلس شورایی را دخالت داده باعمال نظر در انتخاب آنها از طرف دیگر این اشخاص باید دو واقع نمایند مجلس باشند در موقع احوال نظارت مجلس شورایی در مالیه و همین طور از طرف دیگران و جمله اداری از آنها سلب نمیشود این هم اشاره خواهد بود در وزارت مالیه آنها یک قدری مقتدر تر و محکم تر از سایرین وقتیکه این نظریات را هم جمع میکنیم باید اولاً وزیر را در تعیین و پیشنهاد کردن اشخاص برای انتخاب آزاد کرد ولی ممکنست بگویند وزیر مالیه پنج نفر را پیشنهاد کند و مجلس هم آن پنج نفر را انتخاب کند در این صورت محدود میشود طبعاً وقتیکه محدود شد دیگر مجلس نمیتواند بیاید کدام مرجع است لهذا گفته شده است که عده ستمنازان مجلس شورا پیشنهاد شود که هم نظر وزیر ملحوظ شده باشد و هم مجلس از میان یازده نفر پنج نفر را که لایق تر باشد انتخاب کند همان فلسفه که در پیشنهاد کردن یازده نفر در سال اول منظور است همین همان قضیه در سال دوم هم هست زیرا ممکن است پس از انقضای یکسال وزیر مالیه یازده نفر دیگر را پیشنهاد کند آنوقت موافقتی با اصل اولیه نشده زیرا سال اول از میان یازده نفر انتخاب کرده است و سال دوم از میان بیست نفر **محمد هاشم میرزا** - فرمایشات آقای مخیر بنده را قانع نکرد دلیلی که آوردند نقص بود نه حلی فرمودند در قانون انتخابات هم اینطور نوشته شده است بله همین اعتراض باز در قانون انتخابات هست و اینکه در قانون انتخابات نوشته شده دلیل نمی شود که در اینجا نوشته شود بنده عرض میکنم آیا وجود این ماده برای چه چیز است .

آیا برای کسانی که سال اول انتخاب شد بودند يك حق تقدیمی فرض میشود اگر حق تقدیمی دارند پس اینقدر نوشته شود در صورتیکه صحت عمل آنها دیده شود وزیر مالیه از یازده نفری که انتخاب خواهد کرد پنج نفر آنها باشند که اقلاً این اشخاصی که یکسال

بوده اند از صحت عمل خود نتیجه بگیرند که جزو یازده نفر باشند حالا مجلس میخواهد انتخاب می کند نمیشود انتخاب نمیکند در هر صورت و همین قدر معین باشد در یازده نفر و آن فلسفه که میفرمایند حق پیشنهاد وزیر مالیه از بین می رود بنده میگویم نیامد و فرس این است که اشخاص صحیح و بصیر و باصحت عمل پیدا کنیم و از برای اینکار انتخاب کنیم اما اگر وزیر یازده نفری را که خودش میخواهد پیشنهاد کند و آن پنج نفر در میان آنها نباشند باز ما باید يك چیز مشکوک تازه انتخاب کنیم بنده عرض میکنم اگر این پنج نفر حق تقدم دارند و بخواهند از آنها انتخاب کنند خیلی خوب ولی اگر قائل باین فلسفه نباشند پس گذاشتن این ماده چه فائده دارد نوشتن اینکه سال دیگر حق دارند انتخاب شوند چه فائده دارد بنده هم حق دارم انتخاب شوم این يك فضیلتی نیست هر کس دارای شرایط آن باشد حق انتخاب دارد ممکن است انتخاب شود پس این مقدمه باین مؤخره هیچ ارتباطی با هم ندارند و با هم نمی سازند باید باقی آنها قبول بفرمایند با باین ماده را بردارند .

فایب رئیس - پس باید پیشنهاد بفرمائید .
حاج عز الملک - بنده اولاً با ماده موافقت و اینکه حضرت والا فرمودند چه فائده داشت که این ماده را نوشته اند بنده عرض میکنم چه ضرر دارد که قانون تصریح کند که ممکن است همان اشخاص را دوباره پیشنهاد کرد اما اینکه بگویند آنها حق تقدم داشته باشند در حقیقت رأی مجلس آتی بعمل نمایند گان بعد را محدود کرده ایم و ما نباید آنها را میخواهند انتخاب نمایند و اگر بگویند آنها حق تقدم دارند قبلاً ما حق نمایندگان آتی را محدود کرده ایم برای اصلاح خاطر آقایان با اجازه آقای رئیس میخواهم عرض کنم که بیست وزرا در این ماده پیشنهاد کرده بودند که مأموریت این کمیسیون دوسال باشد و کمیسیون یکسال را تصویب کرد و چون ممکن بود بعدها اسباب اشکال شود لهذا عرض کردم تا خاطر آقایان مسیون باشد البته هر رأی بنده مطاع خواهد بود .

ناصر الاسلام - بآن توضیحاتی که آقای محمد هاشم میرزا دادند بنده گمان میکنم آقای مخیر قائم میشوند يك دلیل محکمی که بنده میتوانم عرض کنم این است که اگر مقدمه کنیم که این چند نفریکه به ضرورت کمیسیون معین شده بودند دوباره در پیشنهاد وزیر باشند ممکن است که بالنسبه باین اشخاص صحیح العمل يك نظر غرضی داشته باشند و آنها هیچ پیشنهاد نکنند آنوقت خواهیم دید نتیجه این خواهد شد پنج نفریکه در ظرف یکسال بصحت عمل امتحان دادند بواسطه يك نظر خصوصی یا غرض و بایک بجهت خارجی از ضرورت کمیسیون محروم بمانند پس بطوریکه شاهزاده اظهار کردند هیچ اثری بر این قسمت مترتب نیست و اگر بطوریکه فرمودند اصلاح شود بنده خیلی مصلحت ما در آن می بینم .

معدل الدوله - عرض میکنم يك قسمت بزرگ تشکیل این کمیسیون را ابتدا بوزیر و اگر

کردیم بنده هیچ نمی توانم تصور کنم که يك وزیر باوزارتخانه در اول نظرش نظر فرضی باشد و چون بآنها خدمت رجوع کنیم فرض بخرج دهند یا هر وقت که قانون میکندونیم نظرم این خواهد بود که وزیر مسئول و آگاه و زیری که صرفه دولت و منکک را میخواهد آن وزیر را بشناسیم و معتقد باشیم آن یازده نفری که معین میکنند باید عقیده خالصی از میان چهار صد یا صد نفر اشخاصی که دارای تمام این شرایط هستند انتخاب کرده است مسلم و معقول است پس از اینکه دوره خدمت بر آمد لازم است که آنها را بر دیگران ترجیح دهد و ترجیح هم خواهد داد حالا بدون هیچ فلسفه در صورتی که در دفعه اول کتاره میخواهیم این کمیسیون تشکیل بدیم میگویم هر یازده نفر را وزیر پیشنهاد کند در دفعه ثانی میگویم پنج نفر اشخاص مخصوصی باشند در حالی که ما خصوصاً در اینجا نیستیم و از عمل و رفتار آنها اطلاعی نداریم که خوب رفتار کرده اند یا بد آن وزیری که مسئول است البته دقت خواهد کرد و هر کدام که خوب رفتار کرده باشند وصحت عمل داشته باشند و واقف از همدیگر خدمت بر آمده باشند آنها را جزو یازده نفر انتخاب خواهد کرد و اگر چنانچه بالفرض آنها خوب رفتار نکرده باشند هیچ لازم نیست که ما بطور اختصاصی يك حقیقی با آنها بدیم که مسکی خودشان را مستحق بدانند یا بایست خودشان را بروز بدهند و لایق باشند .

محمد هاشم میرزا - فرمایشی که آقای معدل الدوله فرمودند که اگر وزیر مالیه دید صحت و عمل ندارند آنها را رد خواهد کرد عرض میکنم خود قانون صحت عمل را فرض کرد اگر صحت عمل نداشته باشند نمیتوانند انتخاب شوند ولی اگر نماینده سزا می بجهت صحت عمل آنها قائل شد این ماده چه لازم کرده است و اگر باید قائل شد پس باید حقیقتاً اجری بجهت آنها منظور داشت باید فکر کرد این کمیسیون تطبیق حوالات قائم مقام دیوان محاسبات ووظائف هم برای آن معین شده وقتیکه باین مطلب قائل شدیم و بصحت عمل و درستی پنج نفر اعضاء آن اطمینان حاصل کردیم البته هر چه بتوانیم استقلالشان بدیم هم ضررتی برای ما نخواهد داشت و بواسطه این پنج نفر و این هیئت کمیسیون که قائم مقام دیوان محاسبات و جایگزین آن است جلوگیری کاملی از بی ترتیبی امور مالیه مملکت خواهد شد لهذا ضروری ندارد که پنج نفریکه صحت عمل داشته و تجربه کرده هم باشند اینقدر حق تقدم داشته باشند بر پنج نفر دیگریکه از حال آنها مسیون نیستیم و بطور قطع نمیتوانیم این وظائف را که در عهد میگیرند می توانند از روی صحت عمل اداره کنند یا نه در همان مسئله که مطرح مذاکره بود میفرمودند تجربه خیلی اهمیت دارد و حالا بطوریکه که در اینجا تجربه چندان اهمیت نمیدهند البته اشخاصیکه صحت عمل بخرج داده و تجربه هم کرده باشند با اشخاص بی تجربه مساوی نیستند و مقدم بر آنها خواهند بود

مخیر - برای اینکه بنده مکرر توضیح نداده باشم تقاضا میکنم پیشنهاد را بخواهند تا بعد توضیحات خودم را عرض کنم

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صورت صحت عمل هر کدام در دوره بعد باید جزو یازده نفر از طرف وزیر مالیه پیشنهاد مجلس مقدس شود

مخیر - اگر آقایان درست وقت نمایند در این پیشنهاد ملاحظه خواهند فرمود اولاً در این قسمت که فرمودند که چون این کمیسیون قائم مقام دیوان محاسبات است و باید حتی الامکان آنرا استقلال بدیم عرض میکنم همان ملاحظه و نظری که در وقت نوشتن قانون دیوان محاسبات و گذشتن آن از مجلس مراعات این نکته را نکردیم تا امروز هنوز مقتضی نمیدانیم که دیوان محاسبات را تشکیل کنیم و الا جهت دیگری ندارد که تاکنون تشکیل نشده زیرا اگر بخواهیم داخل عملیات بشویم می بینیم بواسطه کمترین استقلال و اقتداری که دیوان محاسبات دارد امروز بپرد ما نمیخورد پس بهمان نظر تجربه دیوان محاسبات ما را وادار میکند يك حدی سطحی را در اینجا قائل شویم که هر دو جهت در آن منظور شده باشد و اما این که مرقوم فرموده اند در صورت صحت عمل باید وزیر مالیه آنها را در جزو ۱۵ نفر پیشنهاد کند اگر درست دقت بفرمایند دو طرف قضیه با هم چندان رابطه ندارد و از یکطرف بواسطه کجایند صحت عمل در آن و وزیر مالیه را حاکم فضا بفراردانند بنده عرض میکنم آنکه بگویند این شخص صحیح العمل میباشد یا نه کیست شما که ترفته اید به بنده صحیح العمل بوده یا نه مقالات جراید را هم نخواهیم داشت به بنده نوشته است این شخص خوب بوده است نهاد هم که میشود از مردم کرد که فلان آدم خوب کار کرده باید پس ناچار در باب صحت عمل وزیر مالیه را حاکم قضیه خواهند دانست اهم از این که حکمیت وزیر مالیه در این باب از روی فرض شخصی باشد یا از روی واقع بطور می توان آن ها را از هم فرق داد اگر وزیر مالیه دلش نخواست بعنوان عدم لیاقت آنها را پیشنهاد نخواهد کرد اگر بخواهد با او اعتراض کند با چند کلمه مشتمع خواهد گفت شما شرط کرده اید لیاقت را و من پس حسب مسئولیتی که دارم آن ها را لایق نمیدانم پس چون حاکم قضیه وزیر مالیه است لهذا این موقفت برای شما حاصل خواهد شد و از طرف دیگر شما در مقدمه این ماده وزیر مالیه را در انتخاب یازده نفر آزاد کرده اید و حالا میخواهید آن آزاد را که داده اید از اوسلب بکنید و میگویند باید هر کدام از این ۱۵ نفر را در صورت صحت عمل در ضمن آن ۱۵ نفر پیشنهاد کند در این جا هم وزیر مالیه میتواند بگوید که من وزیر مالیه مسئول هستم و نظر باینکه در دنیا مقتضی است که در مقابل او يك اختیاری باشد پس قانون بن اختیاری داده است و هیچ مقتضی و صلاح نمیدانم که فلان اشخاص را پیشنهاد کنیم میخواهم ۱۵ نفر دیگری را پیشنهاد نمایم خودتان که متصدی امر مالیه نیستید بلکه متصدی آن وزیر مالیه خواهید بود و بطور میتوانی اختیار را از وزیر مالیه سلب کنید بطوریکه چنانکه عرض کردم حاکم قضیه وزیر مالیه است و هیچ يك از این مطالب جلوگیری از افراض شخصی نمی کند و در صورتیکه وزیر

بخواهد اعمال فرض کند میتواند متوسل شود بمسئله لیاقت و بگوید چون شما شرط کرده اید لیاقت را من این اشخاص را لایق نمیدانم و اشخاصی را که لیاقت دارند و بنظر من اصلحند پیشنهاد میکنم **محمد هاشم میرزا** - بنده عرض میکنم اما مسئله صحت عمل چیزی نبود که بنده انتزاع با اضافه کرده باشم بلکه در خود ماده است و بهمان طور پیشنهاد شده است اگر این مسئله حقیقتاً مصداق خارجی ندارد پس لازم نیست در قانون چیزی را بکناریم که مصداق خارجی نداشته باشد و اگر مصداق خارجی دارد در این جا هم که بنده پیشنهاد کرده ام اما اینکه میفرمایند اینطاب همیشه بسته بنظر وزیر مالیه است بنده عرض میکنم اینطور نیست زیرا که اگر وزیر مالیه بگوید فلان شخص ۳۰ سال یا کمتر دارد یا اینکه نسبت باشخصی که بصحت عمل معروفند بگوید اینها صحیح العمل نیستند ما فوراً قبول نمی کنیم و میرسیم مواردی را که اینها خیانت کرده اند کجا است اگر این قسم مطالب را نرسیم هیچوقت موفق بسالاح امور مملکتی نخواهیم شد -- البته مجلس شورای ملی اطمینان میخواهد پیدا کند و در موضوعات خارجی هم توجه نظر خواهد داشت -- اینکه میفرمایند دیوان محاسبات بواسطه استقلال زیادی که بان داده شد تاکنون موفق بشکلی آن نشده ایم بنده عرض میکنم که ما ندیده ایم دیوان محاسبات را یکجا مشغول عملیات شود تا به همین مایش چیست و گمان میکنم این يك تصویری است که فرمودند بواسطه اینکه ما هنوز دیوان محاسبات را بکار ننهادیم تا به بنده متافش چیست و عقیده ام این است که تشکیل آن برای مملکت خیلی منافع دارد و اما راجع باینکه میفرمایند این ترتیب اختیار وزیر را از میان میبرد و عرض میکنم باید دانست مقصود از کمیسیون تطبیق حوالات چه چیز است - البته مقصود از تشکیل این کمیسیون يك نظارت محکم خیلی قویست در امور مالیه و معض اینک میخواهیم استقلال وزیر را متزلزل نکنیم دست و پای خودمان را بسته و میگویم کوزیر مالیه ۱۵ نفر را بجلس پیشنهاد کند و مجلس باید از میان آنها پنج نفر را انتخاب نماید و حال آنکه در دیوان محاسبات که باید وزیر مالیه ۳۶ نفر را بجلس پیشنهاد کند و مجلس ۱۲ نفر از میان آنها انتخاب نماید باز مجلس مختار میباشد در اینکه آن هده را از میان ۳۶ نفر انتخاب نماید - عرض میکنم ما که تمام اختیارات را محدود کرده بوزیر مالیه داده ایم و میخواهیم بمقصودیکه نظارت اعضاء این کمیسیون در تطبیق حوالات و جمع و خرج مملکتی باشد برسیم و ۵ نفر اشخاص تجربه کرده هم داریم اگر نباید وقتی بحال آنها گذاشت هیچ لازم نیست که آنها را کوزیر بزنیم و بگوئیم اگر صحت عمل از شما دیدیم ممکن است شما را دوم مرتبه انتخاب کنیم در يك هیچ اداره که تاکنون در مملکت ما تأسیس نشده هر حال تجربه می کند هم که باشد باز باید اقلاً یکسال در آنجا بماند تا از اوضاع و ترتیبات آن اداره مطلع شود بلکه تمام جمع و خرج مملکت اطلاع پیدا کند و این گونه تجربیات در

هیچ يك از ادارات پیدا نمی شود و چیزی نیست که بتوان در یک مدرسه تحصیل کرد لهذا این چند نفری را که یکسال کار کرده و تجربه پیدا نموده اند نباید از دست داد و باید دولت هر يك از آنها را که صحت عمل دارند در جزو آن یازده نفر بجلس پیشنهاد کرده اند و البته مجلس شورای ملی هم اگر نخواهد آنها را انتخاب نخواهد کرد

فایب رئیس - پیشنهاد مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم .

(بمضمون سابق قرائت شد)

حاج عز الملک - بنده اولاً يك مقدار اظهار تعجب میکنم از اینکه شاهزاده در کمیسیون اظهار نکرده و باین ماده رأی دادند و حالا نمی دانم چطور شد که در این جا بکرتبه مخالفت میکنند در صورتیکه در خود ماده حتی پیشنهاد کردن این یازده نفر به اختیار وزیر و اگذار شده و این شرطی را که کرده اند که در صورت صحت عمل آن پنج نفر دوباره آنها را پیشنهاد کنند با حق پیشنهادی که بوزیر داده شده مخالف یکدیگر است و این مطلب را آقای مخیر خوب توضیح دادند اگر سوء ظن باشد که وزیر مالیه حقیقتاً تبعیض میکند و بغیال خودش پیشنهادی مینماید وی می تواند بگوید من آنرا لایق نمی دانم و باید دیگری را پیشنهاد کنم و اگر سوء میکند و اشخاص صحیح با با اطلاعی را برای عضویت این کمیسیون بجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید و اینکه میفرمایند رأی نمایندگان باینکه باید رأی بدهند محدود نخواهد بود بنده عرض میکنم محدود خواهد شد بواسطه اینکه میفرمایند اگر آن پنج نفر صحت عمل داشته باشند باید وزیر مالیه آنها را جزو یازده نفر بجلس پیشنهاد کند و مجلس از میان آنها پنج نفر انتخاب نماید در صورتیکه شاید مجلس مایل نباشد و نخواهد که از آنها انتخاب کند پس باین پیشنهاد يك ماده دیگری هم لازم میاید که وزیر مالیه یازده نفر را در صورتیکه صحت عمل داشته باشند باید پیشنهاد نماید و الا مجلس آن پیشنهاد را رد و بوزیر مالیه تکلیف خواهد کرد یازده نفری را که صحیح العمل باشند پیشنهاد کند و اگر وزیر مالیه این کار را نکرد آنوقت مجلس چه تکلیفی خواهد داشت ؟ و در خانه عرض میکنم که در این جا ما داریم بحال افرات و تفریط میرویم در موقع مذاکره در انتخاب پیشکاران مالیه باید احساساتمانی اختیارات را بوزیر مالیه دادیم و حالا در این جا میخواهیم اختیارات او را محدود کنیم آن دو فقره بکلی مخالف با یکدیگر است

فایب رئیس - در این باب توضیحات داده اند حالا باید رأی بگیریم - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند تصویب نشد)

رأی میگیریم به ماده آقایانیکه ماده ۳۹ را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد (ماده ۴۰ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۰ - در صورت قوت یا استعفا و یا انفصال دائمی یکی از اعضاء کمیسیون مجلس شورای ملی بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه عضو لازم را از میان عده که سه مساوی عده لازم باشد انتخاب میکند

فایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست

(اظهاری نشد) اشخاصیکه ماده ۴۰ را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد - ماده ۴۱ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۱ - در صورتیکه مدت مأموریت اعضاء کمیسیون در غیاب مجلس شورای ملی منقضی شود زمان انعقاد مجلس جدید همان اعضاء در مدت مأموریت خودشان باقی خواهند بود.

نایب رئیس - در این جا هم گویا مخالفی نیست آقایانیکه ماده ۴۱ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) (تصویب شد) (ماده ۴۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۲ در صورت فوت یا استعفا و یا انفصال دائمی یکی از اعضاء کمیسیون در غیبت مجلس شورای ملی از عده که از میان آن ها انتخاب شده است کسیکه اکثریت نسبی دارد بجای عضو مستعفی یا متوفی و یا منقضی مینگردد.

ناصر الاسلام - بنده در اینجا توضیحی میخواهم اینکه مریسته اشخاصی که اکثریت نسبی دارند بجای عضو مستعفی یا متوفی یا منقضی مینمیشوند آیا این اکثریت نسبی در اینجا بجهت ترتیب حاصل وجه نحو رای گرفته میشود.

مخیر - چون عده را که وزیر پیشنهاد میکند بانزده نفر است ممکن است که نماینده کان مجلس در باره پنج نفری که باید از میان آنها انتخاب شوند مستغنی نباشند و آن پنج نفر با اکثریت ۴۵ رای و ۴۴ رای و ۴۳ و ۴۲ و ۴۱ رای انتخاب شوند و پنج نفر بعد از آنها دارای ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ رای باشند و قتیکه بکنفر از اعضاء کمیسیون در غیبت مجلس شورای ملی استعفا یا فوت کرد دریا منقضی شد چون مجلس نیست که بتوان تجدید انتخاب کرد لهذا برای اینکه در تعیین آن عضو ملاحظه و اعمال غرض نشده باشد محدود باین حد کردیم که دولت بجای عضو متوفی یا مستعفی یا منقضی آنکس را که دارای اکثریت نسبی و محل توجه یک عده از نمایندگان بوده است معین نماید تا وقتیکه مجلس شورای ملی افتتاح و تجدید انتخاب شود.

نایب رئیس - گویا دیگر مخالفی نباشد رای امیکیریم اشخاصیکه ماده ۴۲ را تصویب می فرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد.

(ماده ۴۳ بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۴۳ - اعضاء کمیسیون در هیچ يك از معاملات دولتی نباید دخالت نموده و یا واسطه واقع شوند.

نایب رئیس - گویا مخالفی نباشد آقایانیکه این ماده را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند تصویب شد)

ماده ۴۴ - بمضمون ذیل قرائت شد ماده ۴۴ در کمیسیون اکثریت آراء مناط اعتبار است **ناصر الاسلام** - میخواستم عرض کنم که این ماده یکی از آن مواد است که بنده هیچ اهمیت نمی

دهم در قانون تشکیلات مالمه نوشته شود زیرا که این مسئله نیست که محل بحث باشد و اکثریت آراء نه فقط در کمیسیون مناط اعتبار است بلکه اساس بيشرفت مجلس و حکومتها مشروط با اکثریت است

و اقلیت هیچوقت حکومت نداشته است بنا بر این تصور میکنم لازم نباشد که در اینجا نوشته شود اکثریت مناط اعتبار است

مخیر - این فرمایشات را که فرمودید صبیح است ولی گمان میکنم که نوشتن آن ضروری نخواهد داشت بملاحظه اینکه چون این کمیسیون در واقع يك اداره است از وزارت مالمه ممکن است که رئیس این کمیسیون نظامات داخلی و ترتیبات رسیدگی آنرا با نظامات رسیدگی بامور اداری با هم تطبیق و مقایسه نموده بگوید چون من رئیس این اداره هستم در اداره باید حکم رئیس مجری باشد پس باین جهت حکم راجع بین است و اکثریت مناط اعتبار نیست یا آنکه قضیه برعکس شود و رئیس آن يك کسی باشد که نظر خیلی وسیعی داشته و معتقد با استقلال کمیسیون تطبیق حوالجات باشد و آنوقت بگوید برای قسمت کار باید اعضاء کمیسیون با اتفاق رای بدهند با اکثریت پس برای اینکه هیچ تصور نشده باشد در این جا نوشته شده که اکثریت مناط اعتبار است

ناصر الاسلام - راجع اینکسکه فرمودند ممکن است رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات برای خودش يك امتیاز و توفیق معتقد شود عرض میکنم اگر ترتیبات امروز مثل ترتیبات مجلس سابق بود که رئیس حق دورای داشت ممکن بود که برای رئیس کمیسیون هیچ اشتباهی حاصل شود ولی حالا گمان نمیکنم که برای رئیس کمیسیون هیچ اشتباهی حاصل شود و تصور کنید که باید از سایر اعضاء امتیازی داشته و یا دارای دو رای باشد چنانکسکه می بینیم رئیس مجلس شورای ملی این امتیاز را ندارد تا چه رسد بر رئیس يك کمیسیونی حالا برای اینکه بسره تمام و تصور نشود که این کمیسیون با اتفاق آراء باید رای بدهد و معلوم شود که اکثریت قاطع خواهد بود عرض میکنم که اگر در عده بسیار کمی بخواهد اتفاق آراء را مناط قرار دهند دچار اشکالات زیاد خواهند شد و هیچ کاری بچیریان نخواهد افتاد باین جهت گمان میکنم لازم نباشد که يك همچو مطلب اساسی واضحی در جزو قانون تشکیلات مالمه نوشته شود و نوشتن آنرا در این جا زیاد بیفادمان

مخیر - بنده بطور اختصار عرض میکنم يك مجلس یا يك بیتی که برای اجرای نظامات اداری خودش قانونی وضع میکند دلیلی ندارم که بگوئیم قوانین داخلی آن شامل حال اداره دیگر هم میشود نمی توان گفت که چون ترتیبات و نظامات داخلی مجلس شورای ملی این طور است پس جاهای دیگر هم باید همینطور باشد و نمی شود گفت نظامات داخلی مجلس شورای ملی که خود مجلس تصویب میکند شامل تمام ادارات مملکتی خواهد شد بلکه ممکن است نظامات داخلی مجلس شورا طوری باشد و نظامات داخلی يك کمیسیونی یا يك شرکت خیره طوری دیگر باشد پس برای اینکه يك همچو اشتباهی حاصل نشود ضرر ندارد در اینجا تصریح شود که در این کمیسیون اکثریت آراء مناط اعتبار است

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافیست - آقایانیکه ماده ۴۴ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) آقای و قار السلطنه از عضویت

کمیسیون قوانین مالمه و همچنین از اداره مباشرت استعفا داده اند ممکن است در پایان مجلس آقایان بکنفر وا بجای ایشان برای کمیسیون قوانین مالمه انتخاب کنند و بکنفر از برای اداره مباشرت در جلسه آتی انتخاب شود

مخیر - اما قسمت راجع با اداره مباشرت مربوط به بنده نیست ولی راجع با استعفا ایشان از کمیسیون قوانین مالمه بنده از طرف کمیسیون تنها میکنم از آقای و قار السلطنه که استعفا خودشانرا مسترد دارند و الا يك قسمت بزرگی در کارهای کمیسیون ناقص خواهد ماند و چون غرض ایشان خدمت گذاری است البته هر چاچیکه کار زیاد تر میباشد برای ایشان اصلاح خواهد بود و اگر آقای و قار السلطنه با تمای بنده موافقت فرمایند تمام اعضاء کمیسیون قوانین مالمه متشکر خواهند شد

وقار السلطنه - بنده مكمال اختصار ادا دارم از این حسن و عقیده که اظهار میفرمایند و از اینکه بتوانم در کمیسیون قوانین مالمه خدمت بکنم لکن علت عیبه استعفا بنده حالمه کسالت مزاج است و هلت سابق هم این بوده است که اغلب روزها يك ساعت قبل از همه آقایان میآمدم و اغلب اعضاء کمیسیون دیر تشریف میآوردند و دو ساعت وقت را تلف میکردند حالا بنده استعفاي خود را پس میگیم بشرط اینکه در سر موقع تشریف بیاورند

نایب رئیس - چون آقای و قار السلطنه استعفا خودشانرا پس گرفتند دیگر محتاج با انتخاب نیست آقای وزیر مالمه فرمایشی دارند؟

وزیر مالمه - در باب همین قوانین آمده ام که بعد در کمیسیون مذاکره بکنم **نایب رئیس** - اگر آقایان موافق باشند جلسه آتی را موقوف می کنیم بروز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور آنهم شور در بقیه قانون تشکیلات مالمه و انتخاب بکنفر برای اداره مباشرت خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم هیچ مانعی نباشد از اینکه فردا جلسه تشکیل شود و قانون تشکیلات مالمه زودتر از مجلس بگذرد و هر چه تویق بیفتد يك ضرر فوق العاده متوجه مالمه مملکت خواهد شد در صورتیکه فردا که روز یکشنبه است هیچ کاری ننگاریم و مانعی هم نیست بنده تقاضا میکنم جلسه موقوف بفرما شود

مخیر - بنده از طرف کمیسیون قوانین مالمه استعفا میکنم که اگر بخواهند جلسه را موقوف فردا کنند این قانون تشکیلات را دستور قرار ندهند زیرا پیشتهادمانی شده است و باید در کمیسیون رسیدگی شود که بعد با آن پیشنهاد ها بکنفر بیايد بجلسه و فردا هم بعضی کمیسیونها هستند از قبیل کمیسیون نظامنامه داخلی و بعضی کمیسیونهای دیگر که مشغول کار خواهند بود و بعد از گذشتن این قانون از مجلس باز باید بگفته و دو هفته بواسطه نداشتن چیزی در دستور بیکار بمانند بهره جته خواهش میکنم اگر جلسه را از برای فردا معین میفرمایند دستور را قانون تشکیلات مالمه قرار ندهند

معدل الدوله - بنده راجع دستور يك مسئله دیگر غیر از این میخواستم عرض کنم که

دستور جلسه آتی را راجع بیودجه قرار دهند **نایب رئیس** - آقایانیکه موافق هستند جلسه از برای فردا معین شود قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) - تصویب شد - پس جلسه آتی همان روز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور هم شور در بقیه قانون تشکیلات مالمه و تعیین تکلیف بودجه عدلیه و انتخاب بکنفر از برای اداره مباشرت خواهد بود

معدل الدوله راجع اینکسکه در بودجه عدلیه مذاکره شود بنده مخالف هستم و عرض میکنم بودجه عدلیه لازم برای نخواهد بود و لازم به تعیین تکلیف میباشد قسمت معمولش که بوقع اجرا گذارده شده است و قسمت غیر معمول آنهم همانا محتاج برای نیست زیرا موافق رائسی که سابقا داده شده است باید بودجه هائی که از کمیسیون گذشت موقتا بوقع اجرا گذارده شود تا وقتی که بودجه کل جمع و خرج بعمل بیاید آنوقت رای گرفته شود

نایب رئیس - البته این مسئله مذاکره لازم ندارد اگر هم مذاکره لازم باشد باید روز سه شنبه مذاکره شود.

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۰ صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۳۲۷

مجلس تقریبا دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن تشکیل و صورت مجلس روز شنبه هفتم قرائت گردید

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه - حاج شیخ اسدالله - امیر مؤید

رئیس - در صورت مجلس ایرادی نیست؟ **محمد شاه ششم میرزا** - آقای آقا سید فاضل نطق خودشان را که توضیح دادند و آقای مخیر متقاعد شدند استعفاي خودشانرا پس گرفتند در اینجا نوشته شده است

رئیس - همینطور اصلاح میشود - دیگر در صورت مجلس ایرادی نیست (ایرادی نشد) صورت مجلس تصویب شد

دستور امروز اولا شور دوم در بقیه قانون تشکیلات مالمه از ماده ۴۵ است (ماده ۴۵ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات بشرح ذیل است

- (۱) تطبیق حوالجات مستقیم و اعتباری بنا بودجهها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر مالمه
- (۲) رسیدگی بحساب ادارات صاحب جمع نقدی و جنسی که در حکم نقدی است
- (۳) رسیدگی بحساب وزارتخانه ها و کمیانی ها و اشخاصی که مطابق قرار داد ها باید حقی بدولت بدهند

رئیس - در ماده ۴۵ ملاحظاتی هست یا نیست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - کی باید حوالجات را بدهد

رئیس - وزیر که در اینجا نیستند که جواب بدهند آقای مخیر جواب خواهند داد

مخیر - تکلیف حوالجات در مواد قبل معین شده است مراجعه فرمایند

حاج شیخ حبیب الله - در جایی تعیین نشده است که حواله دادن از وظایف کیست

مخیر - بنده تصور میکنم خیلی ساده است حواله را ممکن است دو قسمت کرده یکی نوشتن کلمات اول کاغذ یکی اعضاء کردن بالاخره اگر يك اداره مخصوصی نداشته باشد ممکن است اداره معاسیات مالمه حواله بدهد اما آن قسمت مهم کاوول کاغذ می آورند و با اعضاء میرسد معین کردیم که یا وزیر است پس در اینصورت معلوم است که حواله قبل از رسیدن بامضای وزیر مالمه میرود بکمیسیون تطبیق حوالجات برای تعیین اینکه آیا باید بودجهها و اعتبارات مصوبه مطابق است یا خیر اگر موافق بود در حواله تصریح میشود و بامضای وزیر میرسد والا رد میشود

رئیس - فیراز این دیگر ایرادی نیست ؟ (اظهاری نشد) رای میگیریم در ماده ۴۵ آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۴۶ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۶ - کمیسیون میتواند هر نوع اطلاعات راجع بامیادات و مخارج دولتی را که لازم بدانند از ادارات و دوائر مالمه مستقیما و از ادارات دیگر بتوسط وزارت مالمه بخواهد و تمام آنها مکلف در دادن این اطلاعات هستند.

مخیر - بواسطه حذف يك ماده تمام مواد تغییر خواهد کرد.

رئیس - بله بعد مرتب خواهد شد - در ماده ۴۶ ملاحظاتی هست ؟ رای میگیریم آقایانیکه ماده ۴۶ را تصویب میفرمایند قیام کنند

(عده کثیری قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - ماده ۴۷ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۷ - اگر کمیسیون در ضمن اجراء وظایف خود نقصی در اجرای قوانین و نظامنامه های راجع بمالمه مشاهده کند راپورت آنرا بوزیر مالمه می دهد در صورتیکه از طرف وزیر مالمه اقدامی در جلوگیری نشد کمیسیون مزبور میتواند در اینباب مستقیما بجلسه شورای ملی و در غیاب مجلس بهیئت وزراء راپورت دهد.

رئیس - در این ماده ملاحظاتی هست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - در اینجا مینویسد

که اگر از طرف وزیر مالمه اقدامی در جلوگیری نشود کمیسیون مزبور میتواند در این باب مستقیما چون در اینجا برای کمیسیون تکلیف میشود باید بنویسند که (باید در این باب) اینکه مینویسد (میتواند) اگر نکرد تقصیر کار نخواهد بود و اما اگر (باید) نوشته شود تکلیف برای اومعین میشود و مکلف خواهد بود.

مخیر - در دفعه اول کمیسیون را مجبور کردند که وقتی که در اهرای قوانین تخلفی مشاهده کرد باید بر رئیس مستقیم خودش که وزیر مالمه است راپورت بدهد و بهیئت درجه هم کافی بود بجهت اینکه کمیسیون بوظیفه خودش عمل کرده است و راپورت خود را بر رئیس خودش داده است حالا برای تاکید نوشته ایم که اگر در موقتی وزیر مسامحه کرد کمیسیون میتواند راپورت آنرا بهیئت دولت و مجلس بدهد اینطور بهتر است و این قبیل مواقع را خوبست بنظر خود کمیسیون واگذار کنیم.

ناصر الاسلام - بنده با این اعتراض آقای حاج شیخ حبیب الله موافقم زیرا در وظایف این کمیسیون معین میشود در صورتیکه يك خلاف ترتیبی مشاهده کند میتواند بوزیر مالمه راپورت دهد (می تواند) او را ملزم با اطلاع دادن بمجلس بکند اگر در نظر داریم که این کمیسیون باید از خلاف کاری جلوگیری کند اینکسکه (میتواند) او را بجلوگیری وادار میکند زیرا ممکن است در آن موقع که کمیسیون نخواهد یا از وظایف خودش نماند که بوزیر یا به مجلس اطلاع بدهد اگر در این قانون آن کمیسیون را ملزم کنیم و اینرا یکی از وظایف او قرار بدهیم که اگر تخلف کند در مقابل مجلس شورای ملی مشمول است بهتر است و بعقیده بنده خوبست (باید) نوشته شود.

مخیر - اگر در اینجا يك قدری دقیق شویم این ماده راجع با اینجا نیست زیرا وظایف این کمیسیون راجع بحوالجات است و این برای این است که اگر در ضمن يك خلاف قانون مشاهده کنند این خلاف قانون بکلی مسترد نماند باشد اگر در قسمت اول این ماده درست ملاحظه فرمایند می بینند که (میتواند) ندارد میگوید اگر خلاف قانونی در اجرای قوانین و نظامنامهها مشاهده کرد باید بوزیر مالمه راپورت بدهد با وجودیکه این يك مسئله فرضی است مهذا مکلف است که عمل کند و بوزیر مالمه اخطار سکند حالا ممکن است يك قرض باشد که وزیر مالمه بهیئتی جلوگیری از تنس قانونیکه در اینصورت اگر این حق داریم و نخواستیم این استقلال را با بدهیم لهذا تعیین این موافق را بخود کمیسیون واگذار کردیم اگر کمیسیون دید که مسئله خیلی بزرگ است و وزیر مالمه بدون هیچ جهتی تعقیب نکرده است و قابل این هست که بهیئت وزراء یا بمجلس شورای ملی راپورت بدهد و آنچه در نظر داریم و تقصیر وزیر مالمه بیک نظر جهت صبیحی بوده است اطلاع لازم نیست پس در شق اول که اطلاع دادن است بوزیر مالمه مجبور است اطلاع دهد (میتواند) نیست (میتواند) در شق تانی است و گمان میکنم که اشکالی هم در اینجا باشد

ناصر الاسلام - توضیحات آقای مخیر بنده را قانع نکرد زیرا در يك قسمت توضیحاتشان اظهار فرمودند که این وظیفه کمیسیون نیست وراثت است اگر وظیفه کمیسیون نیست اینشاه در اینجا نوشته شود همینطور که فرمودند کمیسیون در موقتی که خلاف قانون مشاهده کرد باید بوزیر مالمه اطلاع

بدهد و آنچه در نظر داریم و تقصیر وزیر مالمه بیک نظر جهت صبیحی بوده است اطلاع لازم نیست پس در شق اول که اطلاع دادن است بوزیر مالمه مجبور است اطلاع دهد (میتواند) نیست (میتواند) در شق تانی است و گمان میکنم که اشکالی هم در اینجا باشد

دهد چون میدانم در وقتی که مجلس شورای ملی نباشد هیئت دولت یک مقام عالی را داراست و در غیاب مجلس نظراتش دو مقام مسئولیت مشترک بر وزیر ممالیه حکومت دارد اگر وزیر ممالیه یک خلافی کرد و بوظیفه خودش عمل نکرد کمیسیون حق دارد که راپورت آنرا به هیئت وزراء بدهد پس بنا بر این اگر یک همچو حقیرا مجرای کمیسیون قرار بدهیم خود را مکلف خواهد دانست و از بعضی بی ترتیبیها جلو گیری خواهد کرد والا (می تواند) یک چیز بسیار لئوی است هر کس میتواند یک اظهاری بکنند بنده هم میتوانم در آن موقع اظهاری بکنم بنده یک پیشنهادی میکنم در قابل توجه شدنش رأی بگیریم

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم بعد از توضیح آقای مخبر دیگر اشکالی باقی نماند برای اینکه وظیفه مستقیمی برای کمیسیون نیست وظیفه اصلی این کمیسیون تطبیق حوالجات است برای خاطر اینکه بشاه همین بظان نامه داده شود که مأمورین ممالیه جزئی و کلی بتوانند در آن نظامات تخلف کنند در اینجا این تکلیف معلوم شد که باید کمیسیون راپورتش را بمقام وزارت بدهد و مخالفت کردن با نظامات اداری آن دارد یکی مخالفتی است راجع بضرر اساسی که بدولت یا بیایر مردم وارد باید که اهمیت دارد در اینصورت مسلماً کمیسیون باید به مجلس شورای ملی یا به هیئت دولت راپورت بدهد اما بعضی مطالب جزئی است ولو مخالفت نظامات هم شده باشد و یک ماده هم از این قانون مخالفت و نقض شده باشد ولی آنقدر اهمیت نداشته باشد در اینجا نباید کمیسیون را مکلف کرده که تمام جزئیات را راپورت بدهد اینجا مطابق نیست که بیشتر کمیسیون تطبیق حوالجات وقتی که چیزی مخالف نظامنامه مشاوره کرده که راجع بفلان شخص یا فلان مورد خلاف روی رفتار شده باشه مجبور باشد راپورت بدهد اینجا مطالب اساسی نیست باید کمیسیون را مطابق همین ماده مختار بنظر خود گذاشت که موارد مهم را به مجلس یا به هیئت دولت راپورت دهد اگر مخالفت اساسی نباشد اینقدر اهمیت ندارد راپورت دادن به وزیر ممالیه کفایت میکند عرض کرده این وظیفه اساسی کمیسیون تطبیق حوالجات نیست فقط برای این است که دقت شود که نظام نامهها کاملاً بموقع اجراء گذاشته شود یک نظارتی برای کمیسیون گذاشته اند که راپورت خودش را بدهد

وحید الملک - اگر چه بنده با روح این ماده مخالفی ندارم که کمیسیون میتواند راپورتی به مجلس شورای ملی بدهد ولی آقایان میدانند که در این ماده قانون یک اختیار و استقلال نام و تمامی به وزیر ممالیه داده و در حقیقت تمام تشکیلات جزء در تحت ریاست مستقیم وزیر ممالیه خواهد بود برای اینکه این کمیسیون هم یکی از ادارات جزء ممالیه است و در تحت ریاست مستقیم وزیر ممالیه خواهد بود و اگر از این یک استقلال باو داده شود منافی با نظامات (بزرگش) وزارت خانه میباشد که یک اداره که در تحت ریاست ممالیه و مستقیم یک وزیری است دارای یک حیات مستقلی باشد و میتواند بر آنگاه فوق راپورت بدهد این مسئله در عملیات اسباب اشکال می شود بنده با روح این ماده مخالفت ندارم چنانچه آقای ناصر الاسلام فرمودند باید راپورت ها بمقامات عالی بدهد با وجود این قانون و این

تشکیلات بنده میدانم بطور این مسئله در عملیات فراهم خواهد شد که یک اداره جزئی بتواند دائماً راپورت مافوق و رئیس مستقیم خود را بهر آکر عالی تر بدهد این با قانون تشکیلات مخالف میشود و بهتر این است که اینها برداشته شود اگر آقایان این ماده را تصویب کنند یک وظیفه اصلی و اساسی برای این کمیسیون میشود و آنوقت باید آنرا در ماده ۴۸ هم کوظایف کمیسیون معین میشود گنجانند و وظیفه اول قرار داد برای اینکه این یک وظیفه مهمی است که حیات مستقل و خارجی بکمیسیون میدهد و در این ماده اول باید آن را گذاشت و بنده سه فقره دیگر

رئیس - پیشنهاد کنی برای بگیریم در این قسمت اخیر که میفرمایند باید حذف شود

حاج شیخ حبیب الله - بنده عرض میکنم که علت و حکمت دایر کردن کمیسیون تطبیق حوالجات حفظ ممالیه مملکت است و رسیدگی بحساب ادارات از وظیفه او شمرده اند بعد از آنکه کمیسیون در موقعی که خلاف و خیانتی در اجراء قانون شده است باید بوزیر اطلاع بدهد اگر وزیر اعتنا نکرد لابد است برای حفظ ممالیه مملکت به مجلس یا به هیئت وزراء اطلاع دهد

رئیس - گویا مذاکرات در این باب کافی است پیشنهاد آقای ناصر الاسلام قرائت میشود توضیح بدهند بعد رأی بگیریم

(پیشنهاد بیضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۷ در عرض کلمه میتواند که باید نوشته شود

ناصر الاسلام در یک قسمت بیان آقای وحید الملک همچو تصور شد که این کمیسیون مثل سایر دوائر در تحت اختیار وزیر ممالیه است اما نباید از نظر دور کنیم که این کمیسیون یک اختیاراتی دارد که هیچ یک از کمیسیونها ندارد بهمان اینکه ۵ نفر اعضای این کمیسیون را مجلس از میان ۱۵ نفر که وزیر ممالیه پیشنهاد مینماید انتخاب میکند اعضاء این کمیسیون تقریباً منتخب مجلس شورای ملی است و از آنطرف هم میدانم که این کمیسیون قائم مقام دیوان محاسبات است و معتقدیم که دیوان محاسبات دارای یک مقام عالی است باید همان نظری را که دیوان محاسبات داریم باین کمیسیون هم داشته باشیم و باید او را مکلف بدانیم که اگر خلاف نظمی در اجراء نظامنامه های اداری از وزیر ممالیه و به (که ممکن است مکرر اتفاق بیفتد) به مجلس شورای ملی و در غیاب او به هیئت وزراء راپورت بدهد و باید این کمیسیون خیلی دارای اقتدار باشد که بتواند از بعضی بی ترتیبیها جلوگیری کند چنانچه در ماده اخیر قید شده است مادامی که این کمیسیون خواهد بود که دیوان محاسبات تأسیس شد این کمیسیون متعین می شود یعنی این قائم مقام او است و باید همان اقتداری را که برای دیوان محاسبات معتقدیم برای این کمیسیون هم معتقد باشیم پس اطلاع دادن از خلاف نظم اداری به مجلس شورای ملی و هیئت وزراء یکی از وظایف اولیه این کمیسیون است

رئیس - رأی بگیریم در قابل توجه بودن

این پیشنهاد آقای ناصر الاسلام - آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - در پیشنهاد آقای وحید الملک

وحید الملک - چون زائد است بنده پس می گیرم

رئیس - نمیتوانیم رأی بگیریم - ماده ۴۸ قرائت میشود بیضون ذیل قرائت شد

ماده ۴۸ - هر گاه کمیسیون در ضمن رسیدگی بحساب نقب یا خیانتی مشاهده کند بوزیر ممالیه اطلاع میدهد و اقدام در مجازات مرتکب میکند

رئیس - در این ماده مذاکرات هست یا نیست؟

وحید الملک - بنده عرض میکنم مطابق نظریات آقایان خوب است در این یک چیزی ضمیمه شود که اگر نقاب و خیانتی مشاهده شود می تواند راپورت خودش را بدهد برای اینکه در صورتی که کمیسیون یک خیانتی داشته باشد وظایف مهم اداری او این است که اگر یک تخلف بزرگ در دوائر ممالیه مشاهده کند می تواند مستقیماً راپورت خود را بوزیر ممالیه بدهد

مخبر - اگر چه متأسفانه میدانم و در این باب هم اکثریت حاصل خواهد شد وقتیکه مجلس معتقد است اصلی میشود باید تمام موارد آن معتقد شود شما اگر میل داشتید کمیسیون تطبیق حوالجات را مستقل کنید خوب بود ماده دوم را مرقوم نموده بودید که آنرا مستقیماً در تحت ریاست وزیر ممالیه قرار بدهد بجز در اینک این شرط در ماده ۲ قرار دادیم معلوم میشود که برای این کمیسیون علاوه بر استقلال که برای دیوان محاسبات قائل شده ایم یک وجه اداری هم قائل شد باید که برای دیوان محاسبات قائل شده ایم ولی وقتی که این کمیسیون را یکی از ادارات وزارت ممالیه قرار دادیم باید یک تناسلی هم مابین این اداره و رئیسش ملاحظه شود بنده شخصاً معتقد بودم که وقتی که کمیسیون تطبیق حوالجات از مد نظر اداری چیزی می بینید بوزیر ممالیه اطلاع بدهد اگر وزیر ممالیه عمل کرد کار خوبی کرده و بوظیفه خود عمل نموده و اگر نکرد یک قصوری است که وزیر ممالیه کرده است در هر صورت کمیسیون وقتی که راپورت داد وظیفه خودش را تمام کرده است و جلوگیری از تصویبات وزیر ممالیه باید یک مقامات دیگری مجلس شورای ملی یا هیئت وزراء یا غیر از این در است که از تخطیات وزیر ممالیه از قوانین موضوعه باید جلوگیری کند و نظر بجهانی که در ماده قبل عرض کردم خواستیم استقلال این کمیسیون قدری زیادت از سایر ادارات باشد لهذا در تعیین اعضاء این کمیسیون نظر مجلس شورای ملی را شرط قرار دادیم اینهم یک نظر محدودی که مجلس حق نداده از خارج آنها را انتخاب کند و باید از میان اینها نفریکه وزیر ممالیه پیشنهاد میکند پنج نفر را انتخاب کند پس در اینصورت در آن ماده اول اکثریت کمیسیون قوانین ممالیه معتقد شده بود که اگر یک وزیر ممالیه جلوگیری از تخلف از قوانین کرد کمیسیون را بحدان راپورت مختار کند ولی در این ماده استدعا میکنم این مسئله را مقرر فرمائید که آنچه اگر تقلبی مشاهده کرد وزیر ممالیه جلوگیری نکند مجبور

نفرمانند حتماً به مجلس یا به هیئت وزراء راپورت بدهد و اگر این نظر را در اینجا داریم بنده صلاح میدانم که نظر اداری را اصلاح فرمائید یعنی با این ماده نمیشود استقلال زیاد بکمیسیون تطبیق حوالجات داد

ناصر الاسلام - برای این که اهمیت کمیسیون تطبیق حوالجات فراموش نشود بنده مجدداً داخل در آن می شوم و شرایط آن را می خوانم که پیشین در سایر کمیسیونها و دوائری که معین شده در هیچیک آن شرایط نشده است مثلاً در اینجا معین شده است (برای عضویت این کمیسیون شرایط ذیل لازم است داشتن لااقل سی سال تابعیت ایران و لیاقت) اینجا در هیچیک از ادارات و دوائر دیگر شرط نکرده است و باز هم تکراراً عرض میکنم این کمیسیون فوق العاده اهمیت دارد و انتخاب اجزایش به مجلس شورای ملی واگذار شده است اگر در ماده ۲ هم تجدید نظر لازم باشد بنده مخالف نیستم و معتقدم که این کمیسیون باید یک اقتدار و اختیاری داشته باشد باین معنی که اگر خلاف قانون و نظمی در امور ممالیه ببیند باید بوزیر ممالیه بگوید و اگر او جلوگیری نکرد به مجلس و هیئت وزراء اطلاع دهد بنده در این موضوع التزام را بیشتر لازم میدانم که وقتیکه کمیسیون خلافی دید مسلماً باید بوزیر ممالیه یا به هیئت دولت و مجلس شورای ملی اطلاع دهد و البته اگر این مسئله بعنوان در تحت ریاست وزیر ممالیه بودن بآن نحوی که لازم است قائم مقام دیوان محاسبات بوده و قدرتی نداشته باشد بنده او را لغو میدانم همان اختیاراتی که برای دیوان محاسبات است باید برای کمیسیون هم معتقد شد تا دیوان محاسبات تأسیس شود

حاج عزالملک - بنده تعجب میکنم همین قدر که اسم کمیسیون تطبیق حوالجات برده شد گمان میکنم که این تأسیس نازه ایست در این قانون و میخواهم تمام اعتبارات را باو بدهیم همانطوریکه مثلاً یک خزانه داری که تشکیل شد میخواهم تمام اختیارات را باو بدهیم حالا هم که یک کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل میشود تمام اختیارات وزیر را در این کمیسیون میخواهم جمع کنیم بنده میدانم این مسئله از چه نقطه نظر است اینجا گفته میشود دیوان محاسبات همچو وقت دیوان محاسبات یک همچو تکلیفی نداشته که اینطور در امور ممالیه دخالت کند و گفته میشود اگر در حساب خیانتی دید باید بوزیر اطلاع دهد اگر وزیر تعجب نکرد به مجلس اطلاع بدهد این یک چیز غریبی است نمایندگان خودشان میتوانند سؤال کنند استیضاح کنند اختیار دادن بکمیسیون که در هر موقع راپورت بدهد بقیه بنده طوری خواهد بود که راپورت های اساسی کمیسیون در دادن صورت حساب هم لغو میشود وقتی که فرضاً کمیسیون دید یک مأمور ممالیه در یک جایی خضانی کرده و بوزیر ممالیه راپورت داد برای ضایع کردن یک وزیری بوجوب این استقلال فوق العاده که دارد فوراً مجلس پیشنهاد میکند و اذعان و کسلا را نسبت بآن وزیر مشوب میکند بقیه بنده این برخلاف مسئولیت وزیر ممالیه در مقابل مجلس شورای ملی است ما میخواهیم در وزارت ممالیه یک کمیسیون داشته باشیم که آن کمیسیون اختیار مطلق داشته باشد با این ترتیب هیچ نمیشود قانون نوشت اینک اسرار میشود ما

میخواهیم برای کمیسیونی که جدیداً تأسیس است این همه اختیارات بدهیم در صورتیکه نمایانم بنده ما چه خواهد کرد بقیه بنده خلاف ترتیب اداری است

حاج شیخ اسدالله - اگر چه بنده در این ماده عرض کردم که کمیسیون تطبیق حوالجات نباید مستقل باشد و به مجلس راپورت بدهد ولیکن بعد از قابل توجه شدن پیشنهاد آقای ناصر الاسلام مجلس یک اختیاری بکمیسیون داد که راپورت مسامحه کاری وزیر ممالیه را به مجلس بدهد این اختیار تمام نیست و اختیارات وزیر را سلب نمیکند برای آن که اختیارات وزیر بجای خودش باقی است و وظایف کمیسیون که معین است و علاوه بر آن وظایف مجلس هم بخلاف عقیده بنده تصویب نمیشود که کمیسیون تطبیق حوالجات در این موقع هدایت وزیر را باید به مجلس راپورت بدهد اگر چه آن کمیسیون تطبیق حوالجات نباشد و یکی از افراد ملت باشد و ملتفت شود که خیانتی شده وزیر هم مطلع شده ولی در مقام جلوگیری برانگیزه آن یک نفر هم از نقطه نظر ملت حق دارد راپورت آنرا بدهد بعد از این که در ماده قبل در موقع مشاهده تخلف از نظامات این اختیار را مجلس باو داد دیگر نمیشود گفت اگر نقاب و خیانتی دید راپورت ندهد این بنظر خیلی بعید است و کار مشکل میشود که در موقع خلاف نظامات راپورت بدهد و در موقع خیانت راپورت ندهد و عرض میکنم بعد از این که آن پیشنهاد قابل توجه شد بطریق اولی آنرا هم نباید محل توجه قرار داد و باید بکمیسیون اختیار داد که اگر خیانتی مشاهده کرد و بوزیر راپورت داد وزیر ترتیب اداری بآن راپورت نداد بتواند به مجلس یا به هیئت وزراء راپورت بدهد که آنها وزیر را موقع سؤال استیضاح قرار بدهند

مخبر - چنانچه عرض کردم تمام این دلایل رفع اشکال آنستیکه در ماده اول هم عرض نمیکند کار خوبی شد بسیار بد شد ولی چون اسناد مسئله نفس قوانین بوده اینقدر بود که میشد گفته شود که بتواند به مجلس شورای ملی راپورت بدهد اما در مقام مجازات افراد نباید به مجلس شورای ملی راپورت داده شود بالاخره تصور میکنم که در موقع گذشتن این قانون لازم بود یک نفر از طرف دولت حاضر میشد و نظریات دولت را دفاع میکرد مخصوصاً در گذشتن این دو ماده که مستقیماً باختیارات وزارت ممالیه بر می خورد و خویشت ایشانرا هم حاضر کنیم شاید نظری داشته باشند والا ما نداریم بدون حضور ایشان وظایفشان را معین می کنیم که شاید فرادیده اینها برخلاف مسئولیت من است و نمیتوانم بپذیرم

رئیس - گویا در این خصوص مذاکرات کافی است

وحید الملک - بنده یک پیشنهادی دارم

رئیس - در پیشنهاد آقای وحید الملک نمیشود رأی گرفت

مخبر - بنده شخصاً این ماده را مسترد میکنم تا وزیر ممالیه به مجلس بیاید

رئیس - شخصاً نمیتواند مگر اینکه از طرف کمیسیون مسترد بفرمائید

مخبر - از طرف کمیسیون مسترد میکنم

رئیس - دیگری حق پیشنهاد دارد مخبر از طرف کمیسیون ماده را مسترد میکند

وحید الملک - بنده نمی توانم پیشنهاد کنم

رئیس - دیگری پیشنهاد می کند پس است

ناصر الاسلام - بنده پیشنهاد میکنم

رئیس - ماده ۴۹ قرائت میشود (بیضون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۹ - تصدیق و تصویب کمیسیون رفع مسئولیت از وزیر ممالیه نمی کند

رئیس - در این ماده ملاحظاتی است

حاج شیخ اسدالله - بنده میخواستم توضیح بدهم که تصدیق کمیسیون رفع مسئولیت از وزیر ممالیه را نمی کند یعنی چه این اختیاراتی که این کمیسیون راجع بوظایف خود دارد وزیر ممالیه هم نمیتواند داخل در عملیات آن بشود و نظارتی نداشته باشد دیگر چگونگی میتواند مشغول باشند

مخبر - مجبور هستم مثلی عرض کنم فرض بفرمایند میخواهند یک خرج صد هزار تومانی بکنند کمیسیون تطبیق حوالجات که بارت از اینجنفر است و اکثریت آن ۳ نفر حاصل میشود متقاعد میشود و وزیر ممالیه هم متقاعد میشود و تصویب میکنند این صد هزار تومان که خارج از موضوع است خرج شود آن وقت پس فردا جناب مستطاب عالی بوجوب قانون اساسی که مصرح است که هیچ خرجی نباید بشود مگر به تصویب مجلس از وزیر ممالیه استیضاح بفرمائید که شما چه حق داشتید این صد هزار تومان را خرج کنید بوجه این ماده وزیر ممالیه نمیتواند بگوید که چون کمیسیون تطبیق حوالجات تصدیق کرده بود من دادم لهذا مخصوصاً این ماده اینجا نوشته شده است که تصدیق و تصویب کمیسیون رفع مسئولیت از وزیر ممالیه نمیتواند و این نکته را هم باید عرض کنم که ذکر این ماده وقتی لازم بود که کمیسیون یک جنبه اداری داشته باشد ولی بنده میدانم یک کمیسیون تطبیق حوالجاتیکه هیچ ربطه با وزیر ممالیه ندارد تصدیق و تصویب او رفع مسئولیت از وزیر ممالیه می کند می کند

رئیس - دیگر ایرادی نیست - رأی بگیریم

بنده ۴۹ اگر آقایان تصویب بفرمائید قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۵۰ قرائت میشود (بیضون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۰ - تصدیقات اداری اعضاء کمیسیون مزبور در مجلس مشاوره عالی رسیده می شود ولی راپورت مجلس مشاوره عالی در صورت محکومیت اعضاء کمیسیون بقرارات ۳ و ۵ و ۶ ماده ۶۲ پس از تصویب مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس پس از تصویب هیئت وزراء بموقع اجراء گذاشته می شود

رئیس - در این ماده مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رأی بگیریم در ماده ۵۰ آقایانیکه این ماده را تصویب بفرمائید قیام

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بند پیشنهاد میکنم که بودجه نسبت بتاسیسات قدیم موقتاً بوقف اجرا گذارده شود و بودجه تأسیسات جدید موقوف الاجرا بماند تا از تصویب مجلس بگذرد

معاون وزارت عدلیه - عرض می کنم

در این مسئله میخواستم مذاکراتی که میشود یک مطلبی روشن شود ولی باز آنطوریکه تصور میکردم روشن نشد آقای مدرس و آقای سردار معظم فرمودند که مجلس حق سلب رأی دادن در بودجه را از خودش ندارد و این رأی را که کمیسیون میدهد برای انتقال بکمیسیون نمیدهد و هیچ چیزی حرفی نزداد دولت هم همچون نظری ندارد ما بخوبی خودمان میدانیم که مجلس هم وظائفش نظارت در بودجه و مالیه مملکت است و نمیتواند از این حق خودش صرف نظر بکند ولی چنانکه بند عرض کردم نسبت با اجرای موقتی آقای سردار معظم این مطلب را از دو نقطه نظر تفکیک کردند نظر حقوقی و نظر علمی از نقطه نظر علمی یک ایرادی کردند چنانچه آقای رئیس مجلس هم توضیح دادند که مطلب راجع بتاسیسات جدید و قدیمه است بنده تصدیق می کنم اگر این تأسیسات جدیدیکه میشود مجلس تمام آنها را در موقع مراجعه ببودجه حذف کند البته یک اشکال فوق العاده از برای وزارت عدلیه و دولت و تمام مردم پیدا میشود وزارت عدلیه مجبور میشود یک تأسیساتی را که چندین مدت در آن بانظریات کمیسیون زحمت کشیده و یک عده اشخاص را بدقت معین کرده پس از سه ماه آن اشخاص را منحل و بیکار کنند ولیکن اساساً گمان نمیکنم مجلس لازم بداند این بودجه را که در کمیسیون تصویب شده و باینجا آمده تغییرات کلی بدهد زیرا که تمام نظریات اقتصادی در آن ملاحظه شده است و آقای مغیر هم شرح دادند که قبل از آمدن این بودجه به مجلس در یک کمیسیون مخصوصی این مسئله رعایت شده و در کمیسیون بودجه مجلس هم سخت گیریهای فوق العاده کرده اند حتی بکروزی وزیر عدلیه اوقاتی که هنوز داخل در وزارت عدلیه نشده بودند فرمودند که بودجه عدلیه اولین بودجه است که بکمیسیون آمده و در تمام سختیهای که کمیسیون سزاوار میدانند نسبت ببودجه عدلیه شده حقیقتاً در اینصورت سابقه صلی که ما در وزارتخانه نسبت ببودجه عدلیه داشتیم و اغلب آقایان هم میفرمودند بنده تصور میکنم یک تغییرات فوق العاده لازم باشد اگر داخل در عده اخصائیه بشویم بیستم یا سی سال در مرکز وزارت عدلیه هشتاد و پنج هزار تومان عمل کرده است در صورتیکه بودجه دولتی یکصد و ده هزار تومان بود تفاوت آن فقط ۲۰ هزار تومان است و در ولایات سابقاً عدلیه داشته ایم نه اینکه داشته ایم منتها تأسیساتی بوده است که بودجه دولتی نداشته و عمل کردی داشته و همان عمل کرد را تومان شمار با جراه میدادند بآنهام که رجوع می کنیم می بینیم وقتی که با این بودجه مطابق کنیم می بینیم خیلی کم نقطه میشود که عدلیه کمتر از سه ربع حقوق خودش را عمل نکند پس در اینصورت این مسئله مهم را باید در نظر

از نصف این مبلغ باشد همیشه از عایدات عمومی مملکت برای عدلیه داده شود بنده نمیدانم تا وقتی که تمام عایدات مملکت را قبول کنیم حقیقتاً وجدان من بن این ایزه نمیدهد این مبلغ را تصویب کنیم قبل از اینکه بدانیم کدام یک از مخارج مملکتی مقدم تر است آیا تأسیسات یک محکمه بلایاتی در سزوار مقدم تر است یا اینکه خرج کردن این مبلغ ۶۰ هزار یا ۷۰ هزار تومان برای یک مسائل مهمتری که شاید ببرد احتیاجات امروزه مملکت زیاد تر بخورد فرض کنیم بنده از این قضیه صرف نظر کردم و رأی دادم آنوقت ممکن است بعضی اشکالات فراهم شود مثلاً دولت بر حسب رأی کمیسیون را بآن ۱۴۰ هزار تومان که برای تأسیسات جدیدی که اتخاذ شده نوشته شده و ده هزار تومان هم که برای مرکز اضافه شده است این بودجه را موقوف اجراء گذاشت آنوقت این تأسیسات جدید هم البته باز باید بمجلس بیاید بمجلس رأی بدهد البته مجلس در دادن رأی خویش مختار است اگر چنانچه بانظر کمیسیون بوده در بعضی تأسیسات موافقت نکرد آنوقت تکلیف دولت از برای آن تأسیسات جدید چه خواهد شد البته تولید یک اشکالاتی خواهد شد پس بنابر این نظر بنده نیست و دوباره تکرار میکنم که مجلس نمیتواند این حق را از خودش سلب کند و اگر دولت یک تأسیسات جدیدی را لازم بداند و پولی برای آنها خرج کند در واقع بسبب اولت خود یک پولهای را خرج کرده است هائی که در خارج تهیه شود برای تقلیل مخارج بوده نه تکثیر مخارج و نسبت بتاسیسات قدیمه چون تقلیل در مخارج شده است ممکن است بودجه همانها را اجراء ندهد ولی تأسیسات جدید را اجراء ندهد بنده تصور میکنم مجلس میتواند با بودن خودش این حق معزز شود خودش را باین سهولت واگذار بهیت دیگری بکند پس مجلس باید بگوید بتاسیسات قدیمه را دولت حق دارد بوقف اجرا گذارد و اما در باب تأسیسات جدید در ضمن بودجه باید بمجلس و غیر از مجلس دیگر هیچ هیئتی حق ندارد تصرفاتی در امر بودجه بکند و اگر هم تصویب کند برخلاف قوانین مقرر خواهد بود

رئیس - اینمطلب را بنده در حانه گذشته عرض کردم ولی از قرار پیشنهادی که آقای حاج شیخ اسدالله کرده اند گویا مطلب درست واضح نباشد پیشنهاد ایشان قرائت میشود بعد عیبی که دارد عرض میکنم (پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بودجه هائی که از کمیسیون مجلس میگردد هر بودجه که نسبت بسابق کسر شده موقتاً بوقف اجرا گذارده شود و هر بودجه که نسبت بسابق زیاد شده موقوف برای مجلس باشد که بودجه ها بمجلس آمده و در مجلس رأی داده شود

رئیس - اینمطلب راجع بکسر یا از زیاد نیست راجع بتاسیسات قدیم جدید است مثلاً بتاسیسات قدیم در مرکز یک محکمه بوده است که عالی شش هزار تومان مخارج داشته حالیه هفت هزار تومان شده میفرمایند این موقوف الاجرا بماند هیچ چیزی که میشود صحبت در سر تأسیسات قدیم و جدید است در اینخصوص آقای سردار معظم یک پیشنهاد کرده اند قرائت میشود و در زمینه آن پیشنهاد مذاکره میشود

قوه قضائیه را فراموش نکنند و از هر نقطه نظر که میخواهند باین مسئله یک اهیتی بدهند و قطع مجلس نباید نظریات خودش را بیعضی نظریاتی که اگر می توانیم مختصر میگردم که این نظریات خیلی نازک است و منحصر کنند و باید نظریات مهم دیگری را هم با نظریات اقتصادی در ترازو بگذارند و بسنجند و گمان میکنم اگر با نظریه دولت همراهی کنند و بودجه عدلیه را که از کمیسیون گذشته تصویب فرمایند و موقتاً اجراء شود یقیناً وقتی که داخل در جزئیات شود چه محتاج نخواهید بود آنرا رد کنید و دیگر اینکه عدلیه ۴۰۰ هزار دیگر مدن خواهد کرد آنوقت مجلس میتواند مقایسه کند اگر دید ۳۰۰ میلیون را عمل نمیکنند ممکن است بودجه را کم بکنند و ما هم عودت بکنیم بهمان ترتیب سابق اما اگر امروز این مسئله را تصدیق بفرمائید و باز بخواهند بودجه عدلیه و تأسیسات عدلیه را معطل کنند تا تمام بودجهها نوشته شود و بمجلس بیاید سه ماه چهار ماه طول میکشد پس باید بخواهند که چون وزیر عدلیه آنوقت نمیدانست مجلس یک همچو توضیحی در رأی قدیم خود خواهد داد این نظرها که گذاشت موافق همان رأی که سابقاً داده شده تأسیسات خود را شروع کرد و الان ما در این اقلاب ولایات معین شده و بعضی در شرف حرکت هستند مبلغی هم بطور مساعد به بعضی از آنها داده شده است اینجا چه خواهد شد آیا همین طور بحال تعویق خواهد ماند و تمام عدلیه ولایات باید مختل بماند و تمام مردم دچار اشکالات باشند استعدا دارم در این مسئله با دقت غور و تأمل بفرمایند بعد رأی بدهند

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد خودشان را تجدید کرده اند و مفصل تر نوشته اند قرائت می شود

(بعضیون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که بودجه ها نسبت به تأسیسات قدیم از آنچه از کمیسیون بودجه شورای ملی میگردد موقتاً بوقف اجرا گذارده شود بودجه تأسیسات جدید موقوف الاجرا بماند تا از تصویب مجلس بگذرد

رئیس - آقای ناصر الاسلام مخالفید

ناصر الاسلام - بنده پیشنهاد آقای سردار معظم تعبیر شده است به تأسیسات جدید اولاً تشکیل عدلیه در ایالات و ولایات تازه تاسیس شده است در تمام ایالات و در قسمت مهم از ولایات عدلیه بوده و جریان داشته است و عدلیه هائی بوده است که تقریباً بنده معتقدم که اگر نبود بهتر بود برای اینکه یک اداره که از مرکز ایالات و ولایات مبرود و دستور آن اداره هم رسماً این باشد که برود یک عایداتی برای خودش تحصیل کند و بفرخور زبردستی آن اشخاص آن عایدی را تحصیل کنند و ببارت آخری چنانچه در اصطلاح عوام معروف است بعضی خودگرد و خورد باین ترتیب یک ماسور رسمی دولت در ولایات و ایالات معرفی شود بنده کاملاً معتقدم اگر این نحو تأسیسات در ولایات نباشد بهتر است تا باشد بنده هیچ وارد پیشوم در فلسفه و اهمیت قوه قضائیه زیرا محل تردید نیست که قوه قضائیه یکی از ارکان قوای ملل حبه است و یک ملتی که میخواهد خودش را متدین و عدالت خواهد

زندگی معرفی کند البته این ملت مهمترین قوه خودش را صرف قوه قضائیه میکند بخوبی در نظر دارم که در همین مرکز مکرر مذاکره میشد که بواسطه نبودن مجازات نزدیک است رشته نظم از هم گسیخته بشود و مکرر در مکرر اظهار میشد که باید مجازات را تعقیب کرد و اشرار را که مرتکب شرارت میشوند مجازات داد در صورتیکه خیلی اشخاص را میدیدم که مرتکب قتل شدند بواسطه نبودن مجازات یا در نظمی توقیف شدند و یا بعضیها به یار و مواسیل امروزه زندگانی میکنند پس امروزه قوه قضائیه یان نحو که مقتضی است نمیتواند آن منظورات را بعمل آورد و این بواسطه نواقصی است که دارد از بعضی آقایان شنیدم که میگفتند عدلیه مرکز از برای ما چه کرد که عدلیه ولایات و ایالات بکنند این مثل این است یک کسی با اصول مشروعیت عمل نکند و بگوید مشروطه از برای ما چه فایده دارد که تا بآن اعتقاد داشته باشیم مثل اینکه یک قسمتی از مردمان نادان این اظهارات را میکنند بنده عرض میکنم که مشروطیت یک لوازمی دارد و عدلیه هم یک لوازمی دارد اگر بلوازش عمل کردیم منتفع میشویم موضوع بحث ما این است که به پیشیم که بودجه که در کمیسیون تصویب میشود ولو اینکه مربوط بتاسیسات جدید باشد (کمین مسئله عدلیه را از تأسیسات جدید مستثنی میدانم) آیا کمیسیون اینحق را دارد یا ندارد بهمان دلیل که آقای مساوین فرمودند و آقای مغیر هم توضیح کامل دادند ما این حق را در آن جلسه بکمیسیون بودجه دادیم اینکه آقای سردار معظم فرمودند این نحو حق دادن بکمیسیون بودجه مثل این است که ما نظرات را از خودمان سلب کرده ایم اینطور نیست ما نظرات را از خودمان سلب نکرده ایم و با کمال بینائی و آگاهی حق دادیم یک کمیسیون که امروزه درباره اصلاحات که مملکت ما احتیاج دارد وارد شود و یک قسمتی از آن اصلاحات مربوط بحذف کردن بعضی مخارج است از بودجهها و کمیسیون بودجه مکلف است آن زوائد را حذف کند و باقی بوقف اجرا گذارده شود تا موقتی که بودجه کل بمجلس بیاید یک قسمتی از آن هم مربوط میشود بتاسیسات جدید بنده آنروز که رأی دادم باین نظر رأی دادم که اگر دولت محتاج باز زیاد بودجه شد یعنی یک قسمتی از مخارج ضروری برای اولایات شد اگر بخواهد بنظر مجلس برساند طول میکشد برای اینکه این مسئله بطول نیاچامد بنده در اینموقع رأی داده کمیسیون این مطالب را تصویب میکند و معمول می شود تا بودجه کل را بنظر مجلس برساند فعلاً هم راجع بتاسیسات عدلیه کمیسیون بودجه حق دارد که این بودجه را تصویب کند تا اینکه بودجه کل بمجلس بیاید زیرا در ایالات و ایالات که عدلیه دارد و آقایانی که از ولایات و ایالات آمده اند و بخواهند که عدلیه ولایات چه حال دارد و در اغلب ولایات عدلیه شما محکوم بحکم حکومت است و واقعاً وجودشان کالعدم است بنده عقیده ام این است که اگر این عدلیه ها نبودند بهتر بود چرا بجهت اینکه عدلیه که محکوم بحکم حکومت وقت است از چه راه این محکومیت را قبول میکنند درین موضوعت را پیدا میکنند برای آنکه بودجه ندارد و مجبور است از حکومت وقت و یا از دیگران

تعلق بگوید و از برای اینکه بکلی عایدات مشروع یا غیر مشروع پیدا کند و زندگانی خود و اجرائش را اداره کند مجری کار حکومت بشود اگر این مأمور دولت این نماینده عدلیه یا یک بودجه منظمی به ولایات یا ایالات برود هیچوقت اشکالات حاضره را پیدا نخواهد کرد بنده معتقدم مسئولیت خواستن از این مأمورین مثل اینست که من باینکه از آقایان یک مستخدمی بگیریم و یوا بگوئیم جیره و مواجی داده نمی شود خودتان هر چه توانستید دست و پا کنید و از نظارتی که دارید یک تحصیل ماش بکنید بنده عقیده ام این است یا باید مجلس این بودجه را موقتاً تصویب بکند تا بودجه کل بمجلس بیاید یا اینکه اگر این بودجه را تصویب نمی کند بوزارت عدلیه اخطار کند که آن عدلیه هارا لغو کند و هیچ نماینده نفرستد تا بودجه کل از مجلس بگذرد

رئیس - بنده مجبورم عرض کنم که از موضوع خارج شده ایم و صحبت از بودجه عدلیه بود مطلب راجع است ببودجه کل از باب بودجه کل باید تکلیف دولت را معین کرد

ناصر الاسلام - بنده از موضوع خارج نشدم سوه تفاهمی شده است

رئیس - اینجا تمام از محسنات قوه قضائیه و لوازم مذاکره میشود موضوع مذاکره در تأسیسات جدید و قدیم است منتهی چون بودجه عدلیه قبل از سایر بودجهها بمجلس آمده است و از کمیسیون گذشته است وزیر عدلیه هم منتظر است باید تکلیف بودجه کل را معین کرد و وقتیکه معین گردید البته تکلیف بودجه عدلیه معلوم هست

میرزا قاسم خان - نظریات بنده را کاملاً آقایان و کلاً شرح دادند و برای اینکه از آن پیشنهاد که در ۸ ربیع الاول شد و آن رأی که در آن پیشنهاد داده شد مدافعه کرده باشم عرض میکنم آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن بیانات خودشان فرمودند که امروز که ما رأی دادیم نظرمان این بود که مخارجی که در کمیسیون بودجه دولتی تقلیل یابد در کمیسیون بودجه مجلس آنرا تصویب بکنند و مراجعه بهیئت دولت شود و موقتاً بوقف اجرا بگذارند و همچنین در ضمن اظهارات خودشان فرمودند نظر پیشنهاد کننده و نظر رأی دهند این بوده است بنده عرض میکنم نظر بنده هیچ این نبوده است و بتاسیسات جدید نظر نداشته ام و عقیده ام این نبود که اگر دولت محتاج یک تأسیسات جدیدی باشد لازم بداند یک بودجه برای آن بنویسد در کمیسیون بودجه دولتی تصویب نشود و بکمیسیون بودجه مجلس بیاید راجع ببودجه عدلیه هم آقای ناصر الاسلام گفتند اینها تأسیسات جدیدی نیست و از قدیم بود منتها یک ترتیب بر معنی ناقصی داشته حالا معاون وزارت عدلیه میخواهد بودجه کاملی برای آن بگذراند و آنرا بصورت قانونی در آورد البته مردم هم باید از لفظ عدالت استفاده نکنند اما اگر قائل شدیم بر اینکه مقصود از آن رأی تأسیسات جدیدی نیست بنده عرض میکنم اگر قانون تشکیلات ما از مجلس بگذرد باید منتظر شویم تا بودجه کل بمجلس بیاید و دولت بودجه کل را از جیب جیب و خرج خرج بمجلس پیشنهاد کند چرا بعلم اینکه ما قائل بتشکیلات قدیم شدیم و در اینجا

قائل شدیم محاکمات و کمیسیون تطبیق حوالجات که بهیچوجه از تأسیسات قدیم وزارت عدلیه نیست پس بنده که آن پیشنهاد را کردم نظرم این بود آن بودجه را که کمیسیون بودجه دولتی تصویب کرد بیاید بکمیسیون بودجه مجلس و نظری در آن بشود و موافقت بودجه اجرا بیاید باین ترتیب که آقای سردار معظم بفرمایند صحبت در بودجه عدلیه نبود و باید بودجه کل مجلس بیاید و جمع و خرج را تطبیق بکنم بنده عرض میکنم اقلاً باید مامورانه بآن رایی شده در جلسه ۸ ربیع الاول داده ایم بکنیم یعنی اول آن رای را حذف کنیم بهیچوجه در وقت کمیسیون و یک رای جدیدی اتخاذ کنیم و باید قائل شویم که عجلاناً همین طور که فعلاً ما در ولایات عدلیه بگذاریم تا بودجه کل مجلس بیاید از خودشان انصاف میجویم آیا باین روی که تصور میکنند بودجه کل مملکت از حیت جمع و خرج مجلس خواهد آمد اگر تصور میکنند در ظرف پنجروز یا شش روز دیگر قانون تشکیلات از مجلس میگذرد و بودجه ها هم مجلس خواهد آمد بنده حرفی ندارم و اگر اینطور تصور میفرمایند و تصدیق خواهند فرمود که تا چند ماه دیگر موفقیت حاصل نخواهند کرد بنده در اینصورت مخالفم و عرض میکنم همانطور که سابقاً آگاهی داده شده است بودجه اجرا گذاشته شود یعنی این اجازه را بدهند که چیزی در کمیسیون بودجه تجدید نظر میشود موافقت بودجه اجرا گذاشته شود

رئیس - آقای نظام السلطان با پیشنهاد آقای سردار معظم موافقت

نظام السلطان - خیر مخالف

سلیمان مبرز - آنطوریکه آقای رئیس فرمودند صحبت در بودجه عدلیه نیست صحبت از بودجه کل مملکت است و فعلاً آقایان راجع بودجه عدلیه مذاکرات میفرمایند بعضی مسائل اظهار میدارند که بخوبی قابل حل است که در هفتم فلان ماه مجلس چنین رای داده است مجلس هر رایی که داده باشد خودش می تواند رای خودش را تفسیر کند و امشب که داخل در عملیات میشود بشرایین میبندد و مسئله حل می شود هیچ اشکالی باقی نمی ماند اما راجع عدلیه که صحبت میفرمایند قوای قضائیه اهمیت دارد باید بدانند ژاندارمری و نظایر هم همان اهمیت را دارند هر کدام از یک نظری در کمال درجه اهمیت است و هیچکس نمی تواند بگوید که قوای تأسیسه اهمیت ندارد و از دیاد قوای ژاندارمری را که وسائل تأسیسه منحصراً است منکر شود و بلکه میتوان گفت قوای نظمی و ژاندارمری از قوه قضائیه اهمیتش زیادت است زیرا عدلیه هر حکمی که بدهد در دفتر هامرماند چنانچه ملاحظه میفرمایند که وقتی دو قوای تأسیسه و اجرایی نداشته باشیم هر حکم که از ابتدائی یا استیضائی یا نیز صادر شود آن حکم که آن حکم را اجرا کنند کیست حکم یک کتابی است که در دوسه های عدلیه می شود که فلان آدم مجق است ولی اجرایش چه باید بشود معلوم نیست وقتی که احقاق حق او نشود چه فایده دارد بلکه یک ضرری شامل حال او می شود که باید هر چه را تعمیر کند یسور استیضاف را بدهد حق و تکلیف را بدهد بعد از آن که این خسارت ها را متحمل شد و حکم گرفت تازه بودجه اجرا نمی آید پس وقتیکه

بموقع اجرا نرسیده تمام این زحمات لغو می شود پس در واقع ژاندارمری و نظمی خیلی مهمتر از دیگران است همین نظری را وقتی بیمار بیندازیم بیبینیم اساس مملکت بر معارف است کسی میتواند مخالفت کند همینطور وقتی نظام مطرح مذاکره می شود ممکن است که یک شرح مفصلی گفت که همه دنیا بگویند که هر چه هست در سرانجام است کسی میتواند بگوید نظام لازم نیست در آن موقع خواهند گفت که از عدلیه باید صرف نظر کنیم و سرباز و توپچی بگیریم پس هر چیز در جای خودش لازم است و البته ما خیلی خوب می دانیم که یکی از قوای مملکت قوه قضائیه است البته شایان تجرد و تعین است که ایشان بقوه قضائیه اهمیت میدهند ما خواهیم دید که فردا وزیر معارف یک شرح مفصل در خصوص اهمیت معارف می فرمایند و یک قسمت از بودجه معارف و عدلیه را میگذاریم و پس فردا وزیر جنگ هم در خصوص نظام مملکت صحبتی اظهار می دارند بودجه آنها هم بگذاریم همچنین سایر وزارتخانه ها نسبت با ادارات خودشان همین اظهارات را می نمایند راست است همه آنها اهمیت دارند اگر اهمیت نداشت تأسیس نمیشد ولی اینکه در مابین خرج خودشان می افزاییم که نتیجه برعکس میگیریم بعبارة آخری بنده از اینکه این بودجه را را بگذاریم و نتوانیم بپردازیم هر روز گرفتار بچرانهای بی دردی میشویم آقای معاون در ضمن بیانات خودشان تمام و کلا ولایات را در نظر گرفته خواستند که اکثریت تامی حاصل کنند راست است طهران بیش از دوازده نفر و کابل ندارد و اکثریت با آقایان و کلاهای ولایات است و اگر آقایان و کلاهای ولایات این معارج را تصویب نکنند آنوقت همین آقایان خواهند دید که بواسطه نرسیدن حقوق ولایات تمام گرو صکرتند و کافله بی دردی توسط همین آقایان و کلا بیست دولت میرسد که عدلیه لایحه بواسطه نرسیدن حقوق گرو کرده است و کار نمیکند و متصل همین آقایان و کلاهای اطراف گرفتار مذاکرات میشوند بنده عرض میکنم تا بول نداشته باشیم نمیتوانیم تشکیلات بدهیم و اگر تشکیلات بدهیم برعکس آن مقصود نتیجه میریم بنده از یکی از اجراء کمیسیون بودجه دولتی میگویند تا یک ماه دیگر بودجه کل مملکت تمام میشود و گمان اینست که بودجه ها تماماً یک ماه دیگر بپایان می آید در صورتیکه اینکه دیگر بودجه مجلس بیاید پس چرا مادر گذرانند بودجه ها نظر به تأسیسات نداشته باشیم تا بر آن اساس خرج را معین کنیم و بعد بیبینیم جمع نداریم آنوقت هر روز گرفتار بچرانهای بی دردی بشویم مثل اینکه امروز که اول سال است بچرانهای مالی گرفتار شدیم که محتاج بذكر بنده نیست و همه آقایان از آن بچرانهای بخوبی مسبقاً در ادارات مامورانه اندازه گرفتار فشار مالی است و آن اداراتیکه فعلاً داریم تهیه کنیم معارج آنها را برسانیم چه رسد بآنکه ما بخواهیم شعبه ابتدائی با استنبافی در فلان محل اضافه کنیم حقوق آنها را از حکام محل خواهیم برداخت همین طور وزارت داخله و سایر وزارتخانه ها پس بنظر بنده هر چه تأسیسات کمتر داشته باشیم مرتب تر بهتر است که زیاد داشته باشیم و نتوانیم آنها را مرتب کنیم باید ادارات را طوری تأسیس کنیم که در

موقع عمل عاجز نمایم نه اینکه آرزو و آمل و مرام تعقیب کنیم البته خیلی بودجه و آرزوی بنده هم همین است که در انتهای سیستان و تمام نقاط سرحدی مردم طوری احقاق حقتشان بشود که در مرکز بشود اما اینطور نخواهد شد زیرا پول نداریم باید اول از مرکز شروع کنیم.

هر وقت که تهیه بودجه کردیم تمام این تأسیسات را از قبیل تأسیسات عدلیه و نظام و معارف و غیره باجان و دل در ولایات تأسیسات می کنیم و خیلی خوشوقتی دارد که ما بیبینیم بودجه برای این تأسیسات کفایت می کند ولی فعلاً اگر این تأسیسات را بکنیم در موقع عمل خواهیم دید بر خلاف مقصود دچار اشکالات شدیم یعنی فرضاً امروز تصدیق کردیم که یکصد و چهل هزار تومان بر بودجه عدلیه اضافه شود بعد وزارت مالی بگوید که پول نداریم و گندم و جو کفایت نمی کند آنوقت عوض این که سبب رفاه و احقاق مردم شده باشد هر روز ادارات گرومی کنند و کار مردم معطل و گرفتار می شوند پول تبر و حق و کال و سایر عملیات که در عدلیه لازم الاجرا است میدهند و احقاق حقتشان نمی شود بنابراین بنده کاملاً با پیشنهاد آقای سردار معظم موافق هستم که آن تشکیلاتی که داریم تا ۳ ماه دیگر از حیت بودجه ها همانها را تصویب کنیم که موافقت همانطور رفتار شود و الا عدلیه ولایات که باختلاف مواقع دویا ۳ سال است تشکیل شده اند و با آنها یکی که جدیداً تشکیل می شوند بهمان ترتیبی که تا امروز رفتار کرده اند تا ۳ ماه دیگر هم همانطور رفتار نمایند تا ماها کاین مشورت بزرگ را که بر دوش گرفتیم که جمع و خرج مملکت را تقریباً کنیم نتوانیم از روی بصیرت جمع و خرج را نگاه کنیم و بیبینیم که مملکت چه دارد و مطابق قیاسی مملکت خرج کنیم والا آخر سال مجبور می شویم باسرفرازی بایک ترتیبیاتی خیلی موحشی که هر روز گرفتار رو شویم

معاون وزارت عدلیه - اولاً بنده از مجلس یک سوالی میجویم بکنم نسبت بنده کرده که در باب رای سابق فرمودند که مجلس وقتی که یک رای دادمی تواند آنرا توضیح یا تقصیر کند بنده هم ابتدا مخالف نیستم اما یک سوالی دارم که اگر مجلس یک رای اتخاذ نمود و بعد از ۲ ماه یا ۳ ماه دیگر توضیحی داد که مغایرت با آن رای اولی داشت بعبارة آخری نفس آن رای اولی بود لیکن اثراتی از آن رای اولی ظاهر شد تکلیف آن اثرات چیست حالا توضیح این مطلب را استدعا می کنم جواب بفرمایند دیگر اینکه آقای رئیس فرمودند مذاکره بودجه تشکیلات و مطالب که گفته شد خارج از موضوع است باین جهت بنده در این موضوع عرض نمیکنم ولیکن چون شاهزاده در جواب بنده بعضی چیزها اظهار فرمودند اجازه میجویم که این مسئله را تعقیب بکنم بنده خیلی منتظر بودم که یکی از آقایان و کلا فوراً در مقابل اهمیتش کم از برای قوه قضائیه بملکت قائل میشوم برای قوه تأسیسه یا سایر قوای دیگر همان اهمیت را قابل شوند مذاکره در قوای تأسیسه و نظامی مملکت را بکنند و آنرا هم میدانم که کامل بودن قوا منحصر به کامل بودن یک فردی از قوای مملکت نیست باید تمام قوای مملکت کامل باشد تا بتوان گفت مملکت دارای قوای کامل است ولیکن آن نوعی که آقا فرمودند یک دور و تسلسلی لازم می آید بنده میجویم عرض کنم که باید یک مسئله را در نظر گرفت که تمام امورات تدریجی -

الوصول است و اگر عرض کنم همه امورات تدریجی - الوصول است این مسئله شاید اساساً مخالف باشد با عقیده آقای سلیمان میرزا ولیکن اگر قائل شدیم که تمام امورات تدریجی الوصول است باید تصدیق بفرمایند وقتیکه یک اساسی ریخته شود یک ترتیبی فراهم شد آنرا نباید برای اینکه سی هزار تومان یا چهل هزار تومان بر مزارع افزوده یا کاسته میشود بکلی خراب کرده یک عرض دیگر دارم اینست که فرمودند بنده و کلاهای ولایات را مخاطب کرده ام که یک اکثریت تامی پیدا کرده باشم اینطور نیست بنده این عقیده را نداشته ام و نمیخواستم یک اکثریت تامی پیدا کرده باشم و بهترین علامتش اینست که حالا پیشنهادی خواهم کرد که عقیده بنده را ثابت میکند و اینکه و کلاهای ولایات را مخاطب کردم برای این بود که شما در مرکز یک عدلیه منظم با بودجه که چهار پنجاه کار کرده اید و اگر شما در تمام ایران یک اداره که دم از قانون زند اگر چه ناقص است و بنده نمیگویم کامل است داشته باشیم همان عدلیه است باین ملاحظه بنده مخاطب خودم را و کلاهای ولایات قرار دادم چون آنها عدلیه هائی دیدند که شاید نسبت به عدلیه مرکز ناقص بود

رئیس - آقای نظام السلطان مخالف هستم

نظام السلطان - با پیشنهاد آقای سردار معظم مخالف بودم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفه؟

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم راجع به پیشنهادیکه از طرف نمایندگان شد است مذاکره میشود معاون یک وزارت خانه نمی تواند دفاع کتبه بجهت این که راجع بخود مجلس و نظامنامه داخلی مجلس است اما راجع به اصل مطلب گمان نمیکنم از اول تا بحال یعنی از ابتداء مجلس نظریات تمام و کلا بکسر بودجه بوده است اساساً اگر چه آقای میرزا قاسمخان میگویند این مقصود را نداشتیم اگر رجوع ببنده امورات امروز بکنیم مطلب درست مکتوف میشود که مقصود کسر بودجه بود نه اضافات و تأسیسات تازه که ما کنیم همین که در کمیسیون بودجه گذشت فوراً بودجه اجرا گذاشته میشود حالا که میفرمایند من اینست پیشنهاد نکردم معلوم میشود که مقصود ایشان اینست بود که استاماز آنروزیکه این پیشنهاد شد و مجلس رای داد نسبت بکسر بودجه که مقصود اصلی نمایندگان بود هیچ نتیجه گرفته نشد مخصوصاً در بودجه انبار که آن روز یک شرح مفصلی آقای میرزا قاسمخان فرمودند که این بودجه که در کمیسیون بودجه نوشته شد باید فوراً بودجه اجرا گذاشته شود و تمام نظریات در آن قسمتی بوده است که کمیسیون بودجه دولتی کسر کرده ولی متأسفانه گویا تا امروز بودجه اجرا گذاشته نشده باشد و اگر هم بودجه اجرا بیاید در همین دو روزه است ولی در موقع از دیاد بودجه که میشود در مجلس با یک بیانات مشتملی و با یک فرمایشات خیلی شیرین و متبنی اهمیت از دیاد بودجه میدهند که مجلس باز تصویب کند آن وقت برای این کلمات با یک بیانات و فرمایشات مشتملی می خواهند از مجلس یک رای بگیرند که مجلس صد

هزار تومان یا دویست هزار تومان از برای عدلیه با وجود این که میزان جمع را نمیدانند و هیچ میزان در دست مجلس نیست تصویب کنند و بنده عرض میکنم آنچه تا بحال بود بود زیاد بود حالا در عرض این که از بودجه های سابق کسر کنند میجویم بفرمایند بآن بودجه ها بیفزایند و این منافی است با آن نظریاتی که مجلس از اول تا بحال داشته و فعلاً ۶ ماه از عمر مجلس میگذرد و موفق بکسر یکدینار از معارج نشدیم سهل است که بپایان اظهار می آید که یکصد و سی هزار تومان یا یکصد و چهل هزار تومان بر بودجه عدلیه اضافه کنند کلا عرض میکنم که این فرمایشات که راجع به عدلیه شد خارج از موضوع بود نظر اساسی نبود و نظر اساسی این است که کلیه بودجه ها باید بپایان بیاید و مجلس در جمع و خرج نظری بکنند که جمع و خرج تطبیق شود که چیزی بر خرج زیاد نشده باشد که در مقابل جمع آن باشد و آن رایی هم که داده شده است موافقت بود بود اجرا گذاشته شود آن رای راجع بکسر و تخفیف در معارج است و راجع به تأسیساتی است که قبلاً بوده است و اگر در همان تأسیسات که قبلاً بوده است کمیسیون چیزی اضافه نماید باید مجلس بیاید بازم عرض میکنم هر چه راجع بکسر بودجه است مجلس باید تصدیق کند و اما از دیاد را بنده هیچ صلاح نمیدانم که مجلس رای بدهد

رئیس - بعد از اظهارات آقای نظام السلطان رای میگیریم

نظام السلطان - گمان میکنم در اینجا اشتباه شده است برای اینکه مجلس حق خودش را یکسوی نمیدهد برای اینکه مملکت دارای یک بودجه باشد وقتاً تا یک مدتی که بودجه کل بپایان اجازه میدهد که آن بودجه که کمیسیون تصویب کرده موافقت بودجه اجرا گذاشته شود اگر چنانچه بعد از آمدن بودجه کل یک توافق در آن بودجه دیده شد باز مجلس میتواند آنرا رد کند ولی چیزی که فعلاً در نظراین بنده میباید اینست فریب هشت ماه است که مجلس افتتاح شده و کمال سعی و مواظبت را در انجام دادن بودجه داشته اند که بودجه ها با کمال سرعت بپایان بیاید و این چند بودجه هم که تا بحال به مجلس آمده آقای مشیرالدوله کمال سعی را فرمودند ما این چند بودجه را که بیبینیم بواسطه واهی نام و کتک ایشان بود و بنده تا این اندازه برای خودمان موفقیت نمی بینیم که باین زودی بودجه ها بپایان بیاید و عقیده ام این است که آن بودجه را از مجلس تصویب کنند که دولت بودجه اجرا بگذارند ثابت نخواهد بود و موافقتی است و مجلس هم میتواند در این مدت نظریات خودش را نماید

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند که این مذاکرات بماند برای جلسه دیگر یعنی مذاکرات ختم شده است پیشنهادها جلسه دیگر قرائت میشود رای میگیریم

سردار معظم - بنده با پیشنهاد آقای ناصر الاسلام در آن زمینه موافقت ندارم بجهت اینکه قسمت اعظم اینکار که مذاکرات باشد شده است و اثرات آن مذاکرات موجود است و اگر برای جلسه بعد بگذاریم باید یک مذاکرات دیگری بکنیم و با

اینست که شاید آرزوی این مذاکرات اثری باقی نمانده ملاحظه اینکه یک قسمت بزرگ کارها مذاکرات باشد شده است و فقط امر دائر است بکفره بکنن برای رأی بقیام و نمود آن هم اگر امروز بشود چه ضرری خواهد داشت

معاون وزارت عدلیه - بنده هم با این مسئله موافقت ندارم و عقیده دارم که باید در این مجلس ترتیب این پیشنهادها معین شود

ناصر الاسلام - بنده خوب در نظر دارم که آقای سردار معظم مکرر میفرمودند که بعضی رایها را خوب است با تمام بدهیم و اینست که امشب در این موضوع بحث ما واقع شده است بنده یکی از آن موضوعها میدانم که باید با تمام رای بدهند و همانطور که آقای میرزا قاسمخان اظهار کردند که پیشنهاد آن جلسه را راجع به تأسیسات جدید بود در این پیشنهاد آقای سردار معظم هم راجع به تأسیسات جدید باز دچار اشکالات میشود و معتقد خواهم شد که در این موضوع هر نظر خصوصی بوده و مذاکرات کافی هم در این خصوص شده بود اگر یک جلسه عقب بماند هیچ ضرری ندارد بلکه خواهیم گفت یک تبادل نظری شده و با یک نظر مبنی بر رأی می دهم و بیشتر از این هم مذاکرات نمی کنیم

رئیس - رأی میگیریم در اینکه پیشنهادها امشب رای بگیریم یا با جلسه دیگر آقایانیکه معتقد هستند که امشب رای بگیریم قیام نمایند

م - (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - همه ویب نشد بماند برای جلسه دیگر آقای ارباب کیخسرو راجع بماده ۳۹ قانون تشکیلات پیشنهادی کرده اند و میگویند گویا کمیسیون قبول کرده است

مخبر - بنده دیده ام اگر راجع بدتی است که برای کمیسیون تطبیق حوالجات معین میشود بنده قبول دارم

(پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این جمله در آخر ماده ۳۹ قانون تشکیلات مالی که تصویب شده افزوده شود

تصمیم تجدید انتخاب اعضاء کمیسیون مزبور را دولت در ظرف یکماه قبلاً از انقضاء مدت ۲ سال بپایان بپوشاند و تا از طرف مجلس انتخاب اعضاء جدید بعمل نیامده است بسان اعضاء منتخب سابق که هنوز اشتغال باموریت خود دارند مشغول خواهند بود

رئیس - راجع میشود بکمیسیون آقای حاج شیخ اسدالله راجع بیکه تکلیف آقای وزیر داخله سؤالات داشته باشند تا با بود امروز تشریف بیاورند و جواب سؤالات را بدهند ولی امروز برای یک کاری لازم میجویند تشریف ببرند تا اگر افغانه مابرای خصوصی و جلسه بماند بماند و جواب میدهند یکی از مطالب دستور تعیین بکنند بجهت اداره میا رت است چون وقت نداریم بجایه دیگر بماند

ارباب کیخسرو - چون در جلسه گذشته آقای وقار السلطنه استغای خودشان را تقدیم نمودند بنده مسبقاً شده و بعد با ایشان مذاکره کردم قرار شد ایشان استغای خودشان را علی المجاله پس بگیرند تا تکلیف هر درمان معین شود

رئیس - آقای وقار السلطنه اظهار شما هم همین بود

وقار السلطنه در موضوعیکه از باب فرمودند بنده استغفار خود را پس میگیرم تا تکلیف هر دو مان معلوم شود

رئیس آقای آقا میر زاسید محمد صادق از کمیسیون خارجه و مالیه بواسطه کسانیکه داشتند استعفا کرده اند در جلسه آتیه قبل از آنکه به مجلس تشریف بیاورند باید دو نفر برای کمیسیون خارجه و کمیسیون مالیه تعیین کنند نظر دارا حاله همین بفرمایند و قبل از جلسه آتیه انتخابات بعمل میاید

وقار السلطنه در دو جلسه قبل سوالی از آقای وزیر داخله راجع بشکایات اهالی کردستان کرده بودم جواب ادا دادند

رئیس عرض کردم که در جلسه آتیه میاید برای جواب تمام سوالات و آقای نصرت الدوله هم تشریف دارند بایشان یاد آوری میکنند که جوابش را حاضر میکنند که در جلسه آتیه جواب بدهند جلسه آتیه پنجشنبه سه ساعت بفروب مانده دستور بقیه قانون تشکیلات مالیه در آن باب معالی نیست (گفته شد خیر)

(مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۱

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۲۷

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در جهت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت خلاصه مجلس روز سه شنبه دهم قرائت گردید .

غالبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه - حاج شیخ اسمعیل - شریعتدار .

غالبین با اجازه - آقای صدر الملک .

رئیس - آقای معتمد الدوله در صورت مجلس اظهاری دارید ؟

معتمد الدوله - در آن موضوعی که نوشته شده بنده در فقره از مجازات مأمورین مالیه را موکول کردم بقانون استخدام بنده هیچ نظری نداشتم مقصود این بود که عیناً در این قانون باشد تا تاسیس (کنشی دتا)

رئیس - همینطور اصلاح میشود -- دیگر آزادی نیست (اظهاری شد) صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز شور در قانون تشکیلات مالیه و بقیه مذاکرات در پیشگاههای راجع باجراه بودجه ها قبلاً چون بعضی از آقایان نمایندگان از آقای وزیر داخله سوالاتی دارند سوالات میشود بعد داخل در دستور می شوم آقای آقا شیخ بعضی نماینده کرمان راجع بتضام اهالی کرمان از وزیر داخله سوالی داشتید ؟

آقا شیخ یحیی - در مسئله شکایات قصابه اهالی کرمان خصوصاً اهالی رفسنجان و زرنده از حکام خاطر مبارک وزارت داخله از تعذبات فوق العاده که با اهالی کرمان شده است حضرت است و گویا مأموریتی هم برای رسیدگی از طرف وزارت داخله به افخم السلطان داده شده و او را فرستاده اند او هم تصدیق کرده است از آقای وزیر داخله سوالی مینمایم در صورتیکه صحیح است برای احقاق حق اهالی بیچاره چه اقدامی فرموده اند ؟

وزیر داخله - در مسئله شکایات اهالی کرمان وزارت داخله خودش تا یک اندازه ای بی سابقه نیست ولی خانرا نمایندگان معتمد مسبق است که مانا از

داخل در کار شده ایم و پنج شش روز است پیر گرام ما مجلس آمده است و از آن روزیکه پیر گرام ما تصویب شده است داخل دو کار شده ایم و مشغول رسیدگی هستیم که از چه راه و از چه طریق داخل در عملیات و رسیدگی شویم و تا حال چند تلگراف هم در این خصوص سردار ظفر شده است ولی در شهر نیست باقطناع و افشار رفته است از طرف وزارت داخله باو نوشته شده است که زودتر بشهر بیاید البته پس از آمدن بشهر تحقیقات لازمه و احقاق حق متظلمین را خواهد نمود و هر گاه درست رسیدگی ننمود دولت حاضر است خود او را عزل نماید .

آقا شیخ یحیی - بله مأمورین بختیاری که در آنجا هستند ماهی هشت هزار تومان از دولت حقوق میگیرند و علاوه حق حکومتی هم بآنها داده میشود معذرت از اهالی بیچاره آنجا سپورسات و جریمه بزور می گیرند در این خصوص بوزارت داخله هم عرض کرده بودم استعفا دارم اقدامات خودشان را هم در این خصوص بفرمایند .

وزیر داخله - در تمام این فقرات از طرف وزارت داخله کتباً و تلگرافاً تعلیمات لازمه سردار ظفر داده شده است و منتهی بر اطلاعاتی که خود وزارت داخله دارد حق میبدهم که با اهالی ظلم شده است و سردار ظفر تأکید شده رفع این اشکالات را بنمایند و حقیقت امر را اطلاع بدهد و سردار ظفر هم وعده داده است که بعد از ورود اقدامات خودش را اطلاع بدهد حاکم رفسنجان را هم تغییر داده و منتظم الدوله را هم تغییر میدهی از ورود بشهر رفع این منتهات را خواهد نمود و هر گاه ننمود البته احضار بطهران شده و رجوع به عدلیه میشود و پس از اثبات در عدلیه از حکومت معزول خواهد شد البته دولت مسئول است در رفع ظلم را از وصیت بیچاره مینماید .

رئیس - آقای حاج میرزا حسین ار آقای وزیر داخله استیضاح داشته بعد تبدیل به سؤال نمودید .

حاج میرزا حسین - بله از بدو ورود سردار معینی تا امروز اهالی کردستان لایق اطلاع تلگراف تنظیم و شکایات بوزارت داخله میرسد و هنوز منتج نتیجه نشده است تا اینکه علماء و اعیان آنجا در تلگرافخانه متحصن شده باز هم منتج نتیجه نشد تا اینکه تمام کسبه تعطیل کرده اند و قلاً چهارده پانزده روز است که در آنجا تعطیل عمومی است و آقای وزیر داخله مسبقاً متعبد خواستم بدانم در این مسئله چه اقداماتی کرده اند اگر اشکالاتی هم دارند هر چه هست بفرمایند تا تکلیف خودمان را بدانیم .

وزیر داخله - در خصوص کارهای سردار معینی شکایاتی زیاد همینطوریکه میفرمائید رسیده است راست است هیئت دولت هم در اینند مشغول بعضی تحقیقات بوده ولی نه اینکه تمام اهالی شکایت داشته باشند بعضی ها هم اظهار رضایت کرده اند معذرت دولت فرموده رسیدگی است بالاخره تصمیمی که اخیراً دولت کرده است اینست که سردار معینی بکما در طهران بماند و از طرف وزارت داخله و چند نفر و کلاکه برای مذاکره با آن کسانیکه متحصنند در تلگرافخانه رفته بودند تلگراف شد که از این تاریخ تا یکماه دیگر یا خودشان یا وکیل

مسلم خودشان رامین کنند بیایند بطهران و در عدلیه جزء جزء شکایات خود را اظهار نمایند نه شکایات علی العموم چون بشکایت علی العموم که نمی شود سردار معینی اعزل نمود باید شکایات را جزء جزء معین نمود که مواد شکایات چیست اگر واقعت دارد در واقع عدلیه معلوم و ثابت خواهد شد پس از ثبوت البته سردار معینی عزل خواهد شد و احقاق حق آنها بعمل خواهد آمد و الا چنانچه بی ما نخواهد سردار معینی را که سالها در مشروطیت زحمت کشیده و در جزء سردارهای مشروطه ما بوده است نمیتوان بی ما خنجر زد کرد دولت در عوض همه آن جان فشانها کار بزرگی نکرده است نهایت حکومت کردستان را باو داده است در صورتیکه خدمات او بروکلا و ملت پوشیده نیست و دولت بایستی در حق این نوع خدمتگاران همراهی کند .

حاج میرزا حسین - راجع این که فرمودند که تلگرافات رضایت و شکایت هر دو رسیده است صحیح است اما وقتیکه ما ملاحظه کنیم بین کسانیکه شکایات بارضایت داشته اند بینیم که از دو نفر گذشته تمام اهالی کردستان شکایت داشته اند فقط از دو نفر رضایت رسیده است و فقره شخصی است که از اهالی گروس است و یکی دیگر هم از اهالی کردستان است شخص آخوندی بوده که سه هزار تومان از او گرفته اند و لقب شیخ الاسلامی باو داده اند یکی هم آن شخص است که کاغذ رضایت نوشته است اینکه میفرمائید در مدت یکماه حق دارند وکیل معین کنند بطور میشود بعد از این شکایات حالبه وکیل معین کنند و بیایند در طهران معاکه کنند اهالی آنجا هیچ وجه اطمینان ندارند که بیایند در اینجا شکایات خودشان را بکنند زیرا ممکن است باز سردار معینی حاکم باشد و آنوقت در صدد لاقی بر آید بدتر از سابق با آنها رفتار کند خوب است اگر دولت مقتضی بداند اول سردار معینی را عزل کند تا اینکه اهالی بتوانند با کمال جرئت شکایات خودشان را بکنند .

وزیر داخله - اولاً در خصوص اینکه میفرمائید رضایت از یکی دو نفر بوده بنده عرض میکنم شاید بیشتر از دو نفر بوده و اما در خصوص اینکه میگوئید از یک آخوندی سه هزار تومان پول گرفته شده است بنده عرض میکنم برای لقب شیخ الاسلامی هیچکس سه هزار تومان پول نمیدهد بنده که در مجلس شورای ملی نمیتوانم این مسئله را تصدیق کنم اگر اینطور میگفتند نمی فهمیدم و معین میشد دهنده که نمیگوید گیرند هم که نمیکوید شاید مفرضین این حرف را زده اند و اما اینکه میفرمائید سردار معینی از حالا عزل شود بنده تصور میکنم صحیح نباشد زیرا از برای دولت هیچ وقتی باقی نمی ماند بواسطه اینکه ممکن است هر حاکمی را که دولت بخواهد يك ولايتی بفرستد بمجرد اینکه چند نفر با تحریک یا بدون تحریک شکایت بکنند یا راضی نباشند فلان آدم حاکم باشد دوری دولت او را عزل کند اگر اینطور باشد دولت نمیتواند هیچ کجا مأمور بماند داشته باشد فرق نمیکند همین شکایات هم از کرمان رسیده است البته همه اینها باید تعقیب شود و رسیدگی شود در بار اول حرف میزنیم اگر واقعا شکایات آنها صحیح است نمیتواند

آزادانه شکایت کنند این مسائل چیزی است که در روزنامه ها درج میشود و همه جا خواننده می شود هر کس که حرفی دارد بیاید آزادانه بگوید دیگر از این پارلمان مقام بزرگتریکه نمیشود اگر اهالی در شکایات خودشان ذی حقتند و در عدلیه ثابت شد مسلماً دولت سردار معینی را علاوه بر عزل مجازات هم خواهد نمود و اگر چنانچه غیر از این باشد البته دولت نمیتواند از سردار معینی که مدت های مدید نوکری و خانقشانی دولت و ملت را کرده است و در مشروطیت جزء سردارهای ملی بوده است چشم ببوشد و نمیشود بچهارتا کاغذ یا دو تا تلگراف که معلوم نیست از روی فرض است یا از روی صحت یا بواسطه تحریکات يك خدمتگزار دولت و ملت را خلع کرد گمان میکنم این تصمیمی را که دولت حاضر کرده است تصمیم صحیحی است که از حالا تا یکماه مدت معین شده در صورتیکه ده روز وکیل آنها میتوانند بیاید اگر چنانچه دو تا یا چهارتا خلاف او را ثابت کردند علاوه بر عزل مجازات هم خواهد شد و اگر خلاف کار نیست بکار خودش برقرار خواهد بود .

وقار السلطنه - بنده میفرمادم عرض کنم اینطوریکه فرمودند که در ظرف یکماه وقت داده اند بیایند در عدلیه و رسیدگی بشکایات آنها بشود شاید در مدت یکماه ممکن نشد رسیدگی بشکایات آنها بشود خوب است مقرر فرمایند رسیدگی محلی یعنی در همانجا رسیدگی نمایند تصور میکنم تحقیقات محلی اهمیتش زیاده تر باشد زیرا ممکن است و کلاهی که از طرف اهالی آنجا می آیند چیزی درست نداشته باشد که مدلل دارند وضع عدلیه ماهم که معلوم است همه خوب میشناسیم و همه و کلاعه دیده اند پس همانطور که عرض کردم خوب است مقرر فرمایند این رسیدگی و تحقیق در محل شود .

وزیر داخله - حضور ممکن است تحقیقات محلی کرد در صورتیکه میفرمائید اگر بخواهند در اینجا بیایند میترسند اینجا که پایتخت است شاه دارد پارلمان دارد مرکز معاملات است میترسند در این صورت چگونه ممکن است تحقیقات محلی بشود پس تصمیمی که هیئت دولت گرفته خیلی خوب است و بنده هم همین تصمیم را اصلاح میدانم بواسطه اینکه رسماً اعلان میشود و در روزنامه ها درج میشود اگر واقعاً اشخاصی هستند که با ایشان تعدی شده است ده روزه می آیند در اینجا تحقیقات و رسیدگی میشود و میروند اگر برخلاف هم شکایت کرده اند معلوم میشود والا پیش از رسیدگی نمیتوان حیثیات يك آزادخواه را از میان برد .

رئیس - آقای وقار السلطنه فرمایند فرمودید که وضع عدلیه را میباشم توضیح بدهید که مقصودتان چه بوده است

وقار السلطنه - وضع محاکم آن را تمام آقایان می دانند عرض میکنم که محاکم بنویسید اقلان آن هر بیه راه خواسته باشند رسیدگی نمایند در سه روز طون میکشد باین نظر بنده عرض کردم تا آن کسی که معین میشود بخواهد بطهران بیاید و هر بیه راه شد این مدت منقضی خواهد شد و سردار معینی حرکت خواهد کرد مقصود این بود

وزیر داخله - بنده این حرف را تصدیق میکنم

لیکن برای خاطر آقا میتوانم قول بدهم که وقتی که عارضین بطهران آمدند برای جلسات اولیه وزارت داخله از وزارت عدلیه خواهش میکنند که معاکمات آنها را جلو بیندازند یعنی از روی نوبت نباشد و استثناء باشد کزودتر این کار تمام شود

معاون وزارت مالیه - اینجا تصور میکنم يك سوء تفاهمی در نطق حضرت والا وزیر داخله شده است تصریح نشد در عدلیه دو نوع معاکمه هست یکی جزائی و یکی حقوقی معاکمه عدلیه در مسائل حقوقی که رسیدگی میکنند البته در مسائل حقوقی همین طور است که نماینده محترم اظهار داشته و این وحشت از تأخیر رسیدگی در مسائل حقوقی که ممکن است واقع شود ولی در این مورد احتمال قوی بلکه حتمی میرود که از مسائل حقوقی صرف نیست مسائل جزائی هم دو شکل است یا صرف جزائی است یا اداری اگر اداری است باید در وزارت داخله يك معاکمه تشکیل شود و خود وزارت داخله بموجب قانونی که دارد رسیدگی نماید و اگر حقوقی است البته بیش از ده روز وقت لازم ندارد و عدلیه در مسائل جزائی با کمال سرعت رسیدگی میکند و میگذرد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله راجع بسکه های تکبیل سوالی داشته اید

حاج شیخ اسدالله - بنده در باب سکه نیکل دو سؤال دارم یکی از وزارت مالیه و یکی از وزارت داخله سوالی که از وزارت مالیه دارم اینست که در سنه ۱۳۲۲ آنچه بنده شنیده ام و اطلاع دارم که يك قرار دادی از طرف دولت با بانک شاهنشاهی بسته شده است که ۱۵۰ هزار تومان سکه نیکل وارد کنند بعد از آن هم ۱۵۰ هزار تومان دیگر به از یکی دوسال دیگر قرار داد کرده اند و امتیاز داده اند و حالا اگر يك قرار داد دیگر با بانک شاهنشاهی بسته اند یا امتیازی داده اند صورت آنها که با داده نشده که اطلاع داشته باشیم به جهت حالا می بینم که از سنه ۱۳۲۲ تا حال که ۱۳۲۳ است سه ساله با تاریخ سکه نیکل وارد کرده اند و مقدار ورود اورا صحیحاً نمی دانم چقدر است و قرار داد هائیکه در این باب با بانک شاهنشاهی شده است چه قرار داد هائی است نمیدانم میفرمادم از آقای وزیر مالیه سؤال نمایم که آیا میتوانند اطلاعات خودشان را در این باب به مجلس شورای ملی اظهار کنند که بانک شاهنشاهی امتیازی که دارد چقدر بوده و تاکنون چقدر سکه نیکل باین ملک وارد شده و مأمور تقبیل این سکه نیکل کی بوده زیرا اگر همین منوال بگذرد تصور میکنم يك مقدار سکه زیادی که شاید چند کروار خواهد شد در میان مردم بدون تقبیل و بدون اطلاع منتشر شود و يك وقتی این مسئله معلوم شود که فائده نداشته باشد مصرفی هم که از برای آن نیست و چون خارج از موضوع سؤال است اگر بخواهم داخل در مذاکرات دیگر بشوم عنوان دیگری پیدا میکند باین جهت داخل در عنوان دیگر نمیشوم فقط عرض میکنم آقای وزیر مالیه خوب است اطلاعات خودشان را بفرمایند که چقدر سکه نیکل وارد شده است و بانک شاهنشاهی چقدر امتیاز دارد و تاکنون چقدر سکه نیکل در میان مردم منتشر

و متفرق کرده است

وزیر مالیه - چون این اظهار را قبلاً فرموده بودید برای اینکه بعضی جوابها را هم بتوانم عرض کنم جواب را موکول بجلسه بعد میکنم

رئیس - از وزارت داخله هم این سؤال را داشتید ؟

حاج شیخ اسدالله - از وزارت مالیه هم بود چندی است که بنده این سؤال را داشتم و متأسفانه امروز بشنیدن جواب موقف نشدم و لیکن خواهش میکنم که تا جلسه دیگر جواب را حاضر نموده بفرمایند سوالی از وزارت داخله دارم این است بانک شاهنشاهی بر حسب امتیازی که دارد باید در مقابل اسکناسهای خودش که در میان مردم منتشر کرده است سکه طلا و نقره بدهد در این اوقات که مردم در مقابل این اسکناسها مطالبه پول میکنند اطلاع کاملی دارم کیسه های ۲۵ تومانی سکه های نیکل در مقابل اسکناس میداده است حتی با ادارات دولتی و همچنین بجای دیگر مبادله اسکناس را با سکه نیکل میکردند است و این ترتیب خلاف اصل و مواد قرار دادی است که دارد باید مطابق آن اصول و مواد امتیازی که دارد رفتار کنند و میدانید که مردم بر حسب رضایت و میل خود شان سکه نیکل را قبول نمیکردند اند چون سکه نقره با آنها نمیدادند مجبوراً این سکه های نیکل را قبول میکردند چون این طریق مخالف با اصل قرارداد بانک است بنده تصور میکنم که امتیازش باید باطل باشد و چون این مسئله راجع بوزارت داخله است این است که سؤال میکنم که از برای جلوگیری از این مطلب وزارت داخله چه اقدامی کرده است و چرا تاکنون جلوگیری نشده است

وزیر داخله - در باب سکه نیکل يك تحقیقات بطور اجمالی شده ولی تحقیقات عمیقی هنوز نشده است بواسطه آنکه رشته عکار وزارت مالیه و خزانه داری درست مرتب نشده چیزیکه هست این است که بانک امتیاز قرار دادی در باب سکه نیکل دارد که در سه هزار و هشتصد و نود و نه مسبعی بسته شده است علاوه قرار داد دیگر هم گویا با خزانه داری بسته امی ای حال مشغول تحقیق و رسیدگی هستیم و مواد آن قرار دادها را تماماً از وزارت خارجه و خزانه داری خواسته ایم چون در خزانه يك شمه حسابی با بانک هست صورت آنها را خواسته ایم که بفرستیم بجنس که همین طور در مجلس بماند و مانعش هم در مجلس ضرر ندارد و اینکه میفرمائید بانک شاهنشاهی عوض نقره سکه نیکل را کرده است آتم صحیح است و این برای این بوده است که مسکوک نقره کم بوده ولی بانک هم تمهید کرده است که عوض پول نیکل را هم نقره بدهد همانطوریکه عوض اسکناس را مجبور است طلا نقره بدهد بنیکا را هم باید نقره بدهد اما این کمی گویند با ادارات دولتی پول نیکل داده است صحیح است به استغناء تلگرافخانه داده است خصوصاً پست خانه که محتاج به پول نیکل است و پیش از این واقعه هم پول نیکل برای داد و ستد از بانک می گرفت مثلاً ده تومان می بردند بانک ۹ تومان آنرا بانک مسکوک نقره و يك تومان آن را سکه نیکل تأدیبه می کرد و این مسئله محل تکرانی نیست زیرا

میدانند این رواج بوده است ولیکن در اساس اینکار همانطوریکه برای مرض بانک مسئولیت دارد صورت آن را میخوانم و بعد بمجلس میفرستم صورت محاسبه آن و قراردادای که شده است در خزانه ضبط است و دولت هم از این باب يك فائده میبرد اینها يك تحقیقاتی است که از بانک شده ولی هنوز از خزانه تعقیق نکرده ایم همانطوریکه وزیر مالیه فرمودند تحقیقات که ملی می کنیم و در جلسات دیگر مشروحاً عرض می کنیم پس اینجادیگر اشکالی نیست و چنانچه عرض کردم همانطوریکه بانک باید در مقابل بیخطای خودش طلا و نقره بدهد نیکن را هم مجبور است وقتی که میبرند بیانات مطابق آن قرار داد طلا و نقره بدهد و بانک باید موازنه پول نیکن خود را نگاه دارد .

حاج شیخ اسدالله - در این که میفرمایند که به دستگاه و تلگرافخانه سکه نیکن داده شده است و دستگاه مخصوصاً مجبور است پول نیکن داشته باشد بنده خبر دارم که بیمل و اراده خود ادارات نبوده چنانچه يك روزی که بنده در تحویل خانه تلگرافخانه بودم می گفتند که حاضر هستیم تومانی يك تفران کسر کنیم و قران بگیریم اما اینکه میفرمایند بانک ضامن است در مقابل همین سکه نیکن هر وقت مردم خواسته باشند نقره و طلا بدهد دولت هم از این باب منافی میبرد این راجع بسؤال بنده نیست منافع دولت همیشه بجای خودش محفوظ خواهد ماند نظر بنده در این سؤال فقط حفظ حقوق ملت است بانک مطابق امتیازی که دارد مجبور است در مقابل کافلهها و اسکناسهای خودش سکه طلا و نقره بدهد و مردم آزاد هستند که اگر بخواهند اسکناس را تبدیل بکنند نیکن بکنند ولی وقتی که بنده اسکناس را میبرم در بانک بانک مجبور است مطابق امتیازی که دارد در عوض آن پول طلا و نقره بدهد و باید وزارت داخله از این ترتیبات جلوگیری کند و برای این که داخل در استیضاح نشده باشد فعلاً زیاد ترازی این وارد در سؤال نمی شوم .

وزیر داخله - باز مسئله را تکرار نموده عرض میکنم وقتی که بانک فمده دار شد که سکه های نیکن را هم مقدار که باشد هر وقت در بانک بزنند آنها را تبدیل بطلا و نقره نماید گمان میکنم دیگر حرفی برای نفع عامه باقی نماند و در صورتی برای نفع عامه خطری تصور می شود که در هر روز یا بیست گزور پول نیکن بدهند و بلاعوض بماند اولاً پول نیکن باین درجه و مقدار نیامده است و اگر آمده بود البته معلوم میشد آنگاه که سندان زیادتر است در خاطر دارند که سابقاً پول سبانه چقدر فراوان بوده و مسلماً پول نیکن بقدر پول مس سکه نشده است و چنانکه عرض کردم خود بانک تقبل کرده است که در مقابل آنها طلا و نقره بدهد بنا بر این از برای منافع عمومی هیچ ضرر نخواهد بود مثل مسئله نوت و اسکناس که در خود مجلس قرار دادند دو ماهه بپردازند و اسکناسها را تبدیل بنقره و طلا نمایند این ترتیبات تماماً موقتی بوده و بانک شاهنشاهی طوری نیست که بتواند از عهده پول نوت و سکه های نیکن خود که منتشر کرده است برآید بلکه بواسطه وقوع جنگ نتوانسته است نقره وارد کند با آنکه پولش در ولایات

بوده چنانکه بعد برور آمده و همه کس مشاهده میکنند که امروز رواج نوت در بازار خیلی بهتر از روز اول میباشد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا راجع بزائداری سؤالی داشته ؟

سلیمان میرزا - اهمیت مسئله زائداری میسر است محتاج بتکرار نیست بنده سابقاً هم در همین موضوع اظهاراتی کردم و از قرار فراری که اخیراً شنیده شده گویا بواسطه نرسیدن حقوق زائداری و معطل ماندن آنها از جهت مالیه کافندی از طرف اداره زائداری بوزارت داخله نوشته شده که اگر قرار فراری در باب چهار صد و سی هزار تومان طلب و بقیه حساب زائداری تا اول جوزا داده نشود رؤسای آنها نمی توانند اداره زائداری را بعهده بگیرند و در صورتیکه این مسئله صدق باشد که صاحب منصبان زائداری بواسطه نرسیدن حقوق نتوانند مسئولیت اداره کردن زائداری را در عهده بگیرند معلوم است بسیار بد خواهد شد این است که از وزارت داخله سؤال میکنم آیا این مطلب صحیح است و چنین کافندی بوزارت داخله رسیده است یا خیر و اگر رسیده چه فکری از برای حساب زائداری کرده اند که چنین بحرانی روی نهد .

وزیر داخله - در موضوع زائداری باید اساساً این مسئله را عرض کنم که آقایان بدانند یکی از اول کسانی که معتقد باز دیاد و صحت و استحکام اداره زائداری میباشد بنده هستم با هزاران دلایلی که دارم و یکی از آن دلایل آن است که از اول نشو و نما داخل سر بازی بوده و فن من این است و این مسئله زائداری يك چیز اساسی است و درین موقع که نائل بوزارت شده ام یکی از سعادت های خود مرا این مطلب تصور کرده که میتوانم بزائداری يك خدمتی بکنم و آنرا توسعه بدهم و بهر وسیله که باشد باین اداره کمکی بنمایم که اساس نظم آن بهم نخورد و این کافندی را که میفرمایند از طرف ماز و در اول رسیده است صحیح است و این اظهارات هم از طرف اوشده است ولی بنده و سایر آقایان وزراء در این باب نهایت اهتمام را داریم و از تاریخیکه بنده داخل در وزارت داخله شده ام دنبال این کار را گرفته ام و آقای رئیس الوزراه هم يك اهتمام فوق العاده دارند و وزیر مالیه نیز همینطور چنانکه در مورد تلگرافخانه رفته بودیم و خود شاهزاده سلیمان میرزا هم تشریف داشتند که با مخیر السلطنه مشغول مخایره در خصوص ترتیب حقوق زائداری فارس بودیم و در باب طلب زائداری دوست و پنجاه هزار تومان از بابت بقایای مالیات فارس را حواله کردیم چون وزیر مالیه تصور میکرد از این مبلغ افزایکصد و بیست و پنجاه قنات نکرده ایم و يك ۳۰ هزار تومان دیگر هم حواله شد که از مجلهای سریع الوصول که دو روزه و يك روزه وصول میشود بداره زائداری بدهند که افلا یکماه بتواند خودش را نگاهداری بکنند تا بتوانیم در این مدت يك تصمیم قطعی اتخاذ کنیم و ترتیب اساسی در کتب حقوق زائداری بدهیم حضرت وزیر مالیه در این باب يك تصمیم خیلی عالی نموده و بنایان بر این است که از هر کاری مهمتر کار زائداری و بیلباس است و بودجه حقوق زائداری

وزیر مالیه - بنده اکتفا میکنم به تقریرات حضرت والا وزیر داخله که هیئت دولت عموماً بر بنا و بلکه توسعه زائداری و رسیدن حقوق آنها نهایت اهتمام دارند و در خصوص حقوق عقب افتاده آنها هم که تا بجا مل مرتب نکرده و نرسیده است آنهم دلایلی دارد که فعلاً لازم نمیدانم در مجلس عرض کنم و خود شاهزاده سلیمان میرزا بهترین گواه هستند که در روز قبل از ظهر با حضرت والا وزیر داخله

در تلگرافخانه حاضر شدیم و ناظر مشغول اینکار بودیم که حقوق زائداری فارس را طوری ترتیب بدهیم که مطمئن و آسوده شوند و این ترتیب را هم که آقای وزیر داخله مذاکره فرمودند راجع به همین موضوع بوده و بنده صحیح ندانم که حقوق زائداری عقب بیفتد و يك سی هزار تومان یا پنجاه هزار تومان راهم که بدهیم باز بعد از چند روز زائداری در مقام مطالبه حقوق بر میآید این بود که خیال کردیم بهتر اینست در باب حقوق عقب افتاده آنها هم يك قرار قطعی بدهیم و برای آتیه آنها يك ترتیبی بدهیم که از حالا تا آخر سال آسوده شوند و محتاج به بعضی اظهارات نشوند و هیئت دولت هم در زحمت این سؤال وجواب نباشند و اگر فرضاً در آخر هر برجی ده هزار یا پنجاه هزار تومان کسری در حقوق آنها پیدا شد ممکن است سهولت آنرا رفع کرد شویم که هیئت دولت نمایندگان محترم و اهالی مملکت هم آسوده شوند .

رئیس - آقای ناصر الاسلام هم که گویا از وزیر داخله سؤالی داشتند .

ناصر الاسلام - سؤال بنده از وزیر داخله در باب نایب حسین و پسرهای اوست که شرارت آنها بر هیچکس پوشیده نیست یعنی در باب یکمده اشرار که سابقه آنها در ایران معروف است سؤال میکنم نایب حسین يك قسمت از تجریرات داخلی مملکت ما يك قسمت از هیئت دولت را غالباً بخودش مشغول داشته و بالاخره میخواهم داخل شوم در مظالمی که نایب حسین و پسرهای او بروز کرده است و اگر نایب حسین و پسرهای او مدعی اثبات مظالم آنها حاشرم و میتوانم اثبات بکنم متأسفانه مدتی است اهالی کاشان و اطراف آن بلکه یزد و توابع آن و بلکه تمام اهالی ایران گرفتار شرارت نایب حسین و پسرهای او میباشد و برای توضیح اینکه چرا تمام اهالی ایران گرفتار شرارت آنها هستند عرض میکنم وقتیکه يك همچو بد کاری را که مدت متدیدی است مشغول شرارت است مجازات نمهند و رفع شر او نشود بالطبع موجب تجریر اشرار میشود مجدداً عرض میکنم که میخواهم در مظالم و قبایح اعمال آنها داخل شوم زیرا که اگر کتابهای بزرگ نوشته شود و بنده هزاران روز وقت داشته باشم برای گفتن مظالم و شرارت نایب حسین و پسرهای او باز هم تصور میکنم کم باشد اینست که از وزیر داخله سؤال میکنم که برای این بیچاره هایی که دچار نایب حسین و پسران او هستند و از وطن و خانههای خودشان متواری شده و يك قسمت آنها در تهران همه روزه در خانه مهاجر و انصار میروند و يك قسمت زیاد آنها هم در قم و جاهای دیگر رفته و از وطن آواره و پریشان شده اند و میتوان گفت حیات آنها قطع شده است آیا راجع باین بدبختیها و پریشان روز گارها چه اقدامی فرموده اند و چه اقدامی در نظر دارند ؟

وزیر داخله - بنده با يك تأسف متاثرانه

اظهارات آقای ناصر الاسلام را مصدق و ایداً رد نمیکند تا در یک محکمه محتاج اثبات باشد و خود نیز قبل از دخول در کابینه در خصوص شرارت آنها بی اطلاع نبودم اما اینکه سؤال میکنند خیلی از ایشان متشکرم که فقط بسؤال قنات فرمودند و در جواب سؤال ایشان عرض میکنم که هیئت دولت حاضره يك هفته است بر گرام آن از مجلس گذشته و مسلم است که در این يك هفته نمی توانست باین کارها رسیدگی کند و این پراکنده گی امور راجع آوری کند و اگر خدا نفضل کند و بنده در خدمت دولت و ملت باقی باشم گمان میکنم که خیلی زود يك تصمیمی در کار نایب حسین و متظلمین آنها بگیریم که اسباب آسودگی آنها فراهم شود

ناصر الاسلام - این جمله را که عرض کردم که در خصوص این نسبت هایی که بنایب حسین و پسرانش داده شده حاضرم اثبات کنم خوشبختانه شاهزاده وزیر داخله مدعی بنده را تصدیق فرمودند و نظرم از این جمله این بود که اگر نایب حسین و پسرهای او يك سابقه خدمتی برای خودش فرض کنند و معتقد شوند و بگویند يك کفر نماینده در پارلمان ما را متهم نموده و مرا جلب بدلیه نمایند از برای اثبات آن حاضرم و حالا که حضرت والا وزیر داخله وعده میدهند بنده هم تصدیق میکنم که در ظرف يك هفته چون مدت کم بوده نتوانسته اند در این باب اقدامی نمایند اما باید اهمیت این امر را از نظر دور ندارند و مثل سایر مسائل باین اهمیت بدهند و بنده در حالت انتظار خواهم بود تا وقتی که دولت بتواند موجبات راحت متظلمین و اسباب قنوع و رفع اشرار را فراهم بکنند و تا يك مدتی را که بنده در نظر دارم و برای اینکار لازم میدانم اگر دیدم هیئت دولت اقدامات جدی در این باب نکرده ناچار در آن موقع سؤال بنده مبدل ب استیضاح خواهد شد

وزیر داخله - گمان میکنم که برای این کاربرد از آنکه بنده با کمال تأسف و تأثر تصدیق کرده اظهارات آقای ناصر الاسلام را دیگر جای تردید باقی نخواهد ماند که يك هیئت دولت در مجلس باین عظمت تصدیق بکنند اعمال آنها را البته دلت برور و بطوریکه بتواند و در معظور نباشد و دچار اشکالات مهمتری نشود اقدامات خودش را خواهد کرد و اینکه آقای ناصر الاسلام فرمودند اگر مرا بعدیله جلب کنند برای اثبات شرارت آنها حاضرم عرض میکنم اگر بنا باشد که ایشانرا بعدیله جلب نمایند باید بنده را نیز برای شرافت نایب حسین جلب بعدیله نمایند .

رئیس - آقای سردار سمید راجع بقروض ارباب جمشید سؤالی دارید ؟

سردار سمید - بنده میخواستم عرض کنم که امروز نمیتوانیم داخل فلسفه قروض ارباب جمشید بادولت بشویم زیرا که این مسئله در کمیسیون بودجه دولتی مطرح است و تا مذاکرات آن کمیسیون تمام نشود و راپورت آنرا نتوانند نمیتوان در آن مذاکره نموده ولی فرض از سؤال بنده این بود از قراریکه از خارج شنیده میشود و بطوریکه رونق الدوله در عریضه خود بمجلس راپورت داده است پنجاه و نه هزار تومان و کسری منافع ارباب جمشید است و نیز از قراریکه از خارج شنیده ام دوسال است قسط

قروض ارباب جمشید را دولت میپردازد و معلوم نیست که منافع املاک ارچه میشود و آنرا کی میبرد و باز شنیده میشود که اجاره نامه میسازند بمت چند ساله و بعد در مقابل آن سند میدهند که پول اجاره آن تمام و کمال رسیده است برای آنکه اگر دوات بخواهد اقدامی بکند دوچار بعضی مشکلات نشود این است که از وزیر مالیه خواهش می کنم اطلاعاتیکه در این باب دارند و اقداماتی که کرده اند بفرمایند .

وزیر مالیه - بطوریکه آقای سردار سمید بیان فرمودند چون این مسئله در کمیسیون مطرح مذاکره است هیچ لازم نمیدانم که فعلاً داخل در جزئیات آن بشوم و اما در باب منافع املاک ارباب جمشید فقط این مختصر را عرض میکنم که املاک او دو فقره است يك فقره بیست و سه هزار و یکصد و بیست و سه یارچه ملک است راجع به بانک استقراضی که باید منافع و حاصل آنها بدولت برسد و آنچه در وزارت مالیه معین شده است عایدی آنها در سال تقریباً بیست و هفت هزار تومان می شود ولی سال گذشته این عایدی بدولت نرسیده و از برای عایدی امسال آن چند روز است بنده مشغول هستم مأموری معین بکنم که عایدات این املاک بدولت برسد يك فقره دیگر هم راجع ببانک شاهنشاهی است و آنهم یازده یارچه خانه و بعضی دکاکنین و مستغلات طهران است پنج یارچه آنرا ۱۲۶۰ تومان اجاره داده اند آنها یارسال وصول نشده است و چند روز است فرستاده ایم آنها را تصرف کرده اند و بستاجرین فسخ کرده ایم که عایدی آنها را بدولت بدهند و پنج یارچه دیگر ۶۹۸ تومان کسر دارد باین معنی که اینها يك مخارجی دارند که آن مخارج باید باشد و از آنجمله هم بکنی ملک سلامی خراسان است و این ملک چون تاکنون بتصرف دولت نیامده است معلوم نیست که عایدی آن چقدر است و در این باب هم بخراسان تلگراف شده که بروند تصرف و ضبط نمایند و عایدی آن بدولت برسد و در این باب جدا مشغول کار هستیم و اقداماتی که باید بشود از چند روز قبل کرده و خواهیم کرد

سردار سمید - يك جمله از فرمایشات آقای وزیر مالیه که فرمودند اقدامات کرده اند بنده را قانع کرد و البته باید قانع شد آن قسمی را که فرمودند عایدی آن املاک یارسال بدولت نرسیده بنده را اقتناع نمیکند در صورتیکه یارسال قسطنطنیه فرضاً اهم از صحت یا عدمی که فعلاً کاری بآن نداریم دولت پرداخته و از کبیسه دولت رفته است و باید فهمید منافع این املاک چه شده است و در هر نقطه که هست باید بهر قوه که باشد آنرا بگیرند و بخزانه دولت وارد کنند و نباید گذاشت باین دست تنگی که امروز از حیث عایدات داریم اینقدر ارکی در جانی بجاند

وزیر مالیه - تحقیقات این چند روزه بنده فقط راجع بمالیه بوده است و از قرار تحقیقاتی که از خزانه کرده ام معلوم شده است که منافع این املاک بمالیه و خزانه دولت نرسیده اما اینکه آن عایدات را کسی برده معلوم نیست شاید يك قسمت آنرا خود ارباب جمشید و يك قسمت دیگر هم راجع بستاجرین باشد بنده هنوز در این کار اقدامی نکرده ام فقط نقطه نظر بنده این بود که این املاک کجاست و منافعش را کی برده و در تصرف دولت هست یا نیست

انشاءالله در این باب اقدام نموده آنرا خاتمه بدهیم
رئیس - شروع میکنیم در شور قانون تشکیلات
 ماله از ماده ۶۳
 (ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۶۳ - محکومین بانفصال موقتی برای مدت
 انفصال حق اخذ حقوق ندارند .
حاج شیخ حبیب الله - علت اینکه در اینجا
 موقتی را قید کرده باید بگویم مدت انفصال کافی در
 این مطلب هست چه چیز است بنده تصور میکنم
 باید اینطور نوشته شود که محکومین بانفصال در
 مدت انفصال حق اخذ حقوق را ندارند و دیگر
 اینکه در این عبارت که نوشته شده برای مدت انفصال
 حق اخذ حقوق ندارند معلوم است مأمورین ماله
 از برای خدمت حق حق دارند نه از برای انفصال
 پس باید نوشته شود در مدت انفصال حق اخذ
 حقوق ندارند

سردار معظم - این دلیل قنلی را که
 آقا فرمودند بنده میخواهم دلیل برد حرف ایشان
 بیآورم بهمان دلیل که تصدیق فرمودند برای مدت
 انفصال حق اخذ حقوق ندارند چون انفصال بر دو
 قسم است موقتی و دائمی اما در باب انفصال دائمی
 که مطلب واضح و محتاج بذكر نیست ولی در باب
 انفصال موقتی که شش هفته ملامت مأموری از کار منفسل
 شود البته او نمیتواند بیاورد بگوید که شش هفته مرا
 از کار منفسل نموده اند و این انفصال حق اخذ حقوق
 را از من سلب نمیکند این است که برای اینکه یک
 همچه اشتباهی نشود در قانون نوشته شده
 است که برای مدت انفصال موقتی حق اخذ
 حقوق ندارند

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم این
 فرمایش آقا مرا قانع نکرد زیرا محکوم بانفصال
 حق ندارد که با مواجبی داده شود بجهت اینکه
 مواجبه باو داده میشود برای خدمت است وقتی
 که شخصی محکوم بانفصال شد و دولت از امانت
 کرد حق اخذ حقوق ندارد چه آن انفصال موقتی
 باشد چه دائمی فرقی ندارد در صورت انفصال دائمی
 واضح بود و محتاج بسؤال نبود و در انفصال موقتی
 اینکه فرمودند وقتیکه موقتاً منفسل شد میتواند
 بگوید که این صدمه شرفی است که بمن وارد شده
 است در اینصورت دیگر ماحق نداریم که حقوق او
 را ندهیم عرض میکنم چنین کسی که تقلب میکند
 دارای شرافت نیست فرضاً که مالز برای او قائل
 بشرف شایع باید معین شود که برای مدت
 انفصال حق اخذ حقوق ندارد و راجع باین مسئله
 پیشنهادی کرده ام

رئیس - پیشنهادی دارید؟
حاج شیخ حبیب الله - بل
 (پیشنهاد حاج شیخ حبیب الله بمضمون ذیل
 قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶۳ این قسم
 نوشته شود (محکومین بانفصال در مدت انفصال حق اخذ
 حقوق را ندارند)
رئیس - توضیحی دارید؟
حاج شیخ حبیب الله - توضیحی که باید بدهم
 قلاً دادام
رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای حاج

شیخ حبیب الله آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه
 میدانند قیام نمایند
 (ماده قبلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم بخود
 ماده آقایانیکه ماده ۶۳ را تصویب میکنند
 قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 (ماده ۶۴ بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۶۴ - مفاد ماده ۶۳ راجع بمستخدمین
 خارجه تا اندازه اجراء خواهد شد که مخالف مدلول
 کتبرات آنها نباشد .
رئیس در اینجا ایرادی هست ؟ آقای شیخ حاج
 حبیب الله در اینجا هم اظهاری دارید ؟

حاج شیخ حبیب الله - میفرماید مفاد ماده
 ۶۳ راجع بمستخدمین خارجه تا اندازه اجراء خواهد
 شد که مخالف مدلول کتبرات آنها نباشد مقصود از
 این عبارت این است که آیا از برای آنها مجازاتی
 هست و یا اینکه به چه مجازاتی نیست این را بفرمائید
 تا بعرض کنم .
محمد هاشم میرزا - این معلوم است که
 مجازات هست و در ماده دیگر تصریح شده است که
 کتبرات آنهایکه بسته خواهد شد موافق مدلول این
 قانون خواهد بود بنا براین این مجازاتی که در
 قانون معین شده است البته شامل حال آنها خواهد
 بود آقا آن قسمی که در قانون معین نشده است و
 در خارجه معین میکنند مثلا دو هزار تومان یا هزار
 تومان یا پانصد تومان بتوان جریبه بگیرند اینهم
 عمومی است و لابد روی هم رفته آنها هم مثل سایر
 محکومین خواهند بود

رئیس - آقا فراموش گردید که تشریف بیآورید
 پای کرسی نطق
حاج شیخ حبیب الله - اینکه فرمودند این
 مجازاتها که معین میشود از برای مستخدمین خارجه
 هم موافق این قانون خواهد بود میدانستم ولی
 مقصود این بود که این مطلب راجع بمستخدمین
 است که بعد از وضع این قانون از خارجه خواهند
 آمد و یا آن کتبرات ها که قبلاً بوده است بانها هم
 تعلق خواهد گرفت چیزیکه هست باید معین شود که
 مفاد این ماده ۶۳ راجع بکتبرات مستخدمین خارجه
 است که بعد از این قانون تشکیلات بسته
 خواهد شد نه قبل اگر مقصود این باشد
 این عبارت نمرساند و باید عبارت را تغییر داده اگر
 اینطور نباشد باید پیشنهاد کنم .
رئیس - آقا باز هم پیشنهاد دارید .
حاج شیخ حبیب الله - بل پیشنهاد
 می کنم .

د ماده ۶۵ بمضمون ذیل قرائت شد
 ماده ۶۵ - برای عضویت مجلس مشاوره عالی
 حقوقی داده نخواهد شد .
رئیس - در این ماده مخالفی نیست ؟
 (اظهاری نشد) .
رای میگیریم بماده ۶۵ آقایانیکه ماده ۶۵ را
 تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد آقای حاج شیخ حبیب الله
 راجع بماده ۶۴ پیشنهادی کردند که قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶۴ این قسم نوشته
 شود (مفاد ماده ۶۳)
 بمستخدمین خارجه که قبل از این تشکیلات کتبرات
 شده اند راجع نخواهد بود .
رئیس - توضیحی دارید .
حاج شیخ حبیب الله - نوشته شده است
 که وظائفیکه در این قانون مقرر است شامل حال
 مستخدمین خارجه خواهد بود و در کتبرات های
 آنها باید قید شود والا از درجه اعتبار ساقط است
 دیگر محتاج باین عبارت نیست و باید این عبارت
 حذف شود .
رئیس - که بیسوی قبول نمیکند .
مخبر - خیر .
رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج
 شیخ حبیب الله آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه
 میدانند قیام نمایند .
 (هیچیک از نمایندگان قیام نفرمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم
 بماده ۶۴ آقایانیکه ماده ۶۴ را تصویب میکنند قیام نمایند
 (عده کثیری قیام نمودند) .
رئیس - تصویب شد .
 (ماده ۶۶ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۶ - وظائف اداره پرسنل و ملازومات
 وزارت ماله مطابق نظامنامه مخصوص وزارت خانه
 معین میشود .
رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟
 (اظهاری نشد) .
رای میگیریم بماده ۶۶ آقایانیکه این ماده را
 تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
 (ماده ۶۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۷ - ریاست اداره ماله هر يك از ایالات
 و ولایات بر هدهه بکنفر بيشكار ماله یا امین ماله
 خواهد بود .
رئیس - در این ماده مخالفی نیست - (اظهاری
 نشد) رای میگیریم بماده ۶۷ آقایانیکه این ماده را
 تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
 (ماده ۶۸ بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۶۸ - بيشكاران ماله بتصویب وزیر ماله و
 فرمان هایبونی و امانه ماله مطابق حکم وزیر ماله
 معین میشوند .
رئیس - آقای وقار السلطنه مخالفید ؟
وقار السلطنه - در لایحه آقای مشیرالدوله
 پیشنهاد بجلس کرده بودند در آنجا نوشته بود که
 بيشكاران ماله ماله به پیشنهاد اداره خزانه داری و
 فرمان هایبونی یا حکم وزارتی منصوب میشوند و در
 مجلس هم بعضی از آقایان در این موضوع پیشنهادهایی
 کردند که رفت در کمیسیون و حالا کمیسیون باین طور
 تصویب کرد و در اینجا مخالف شد باین نظر است
 که بعد از آنکه ما در ماده یازدهم جمع آوری و
 تمرکز تمام عایدات دولت را در عهده خزانه دار گذاشتیم
 مأمورینی که بولایات میروند باید خزانه دار در آنها

نظری داشته باشد و الا در صورتیکه مأمورینی که
 میروند بولایات هیچچیز خزانه دار در نصب آنها
 نظری نداشته باشد که چه اشخاص هستند و لیاقت
 دارند گمان میکنم که این موافق نباشد باوظیفه جمع
 آوری و تمرکز تمام عایدات که بعهد خزانه داری
 قرار دادیم در این صورت خزانه داری نمی تواند
 مسئولیتی بعهد بگیرد این است که بنده یک پیشنهادی
 خواهم کرد و اگر چه گمان نمیکنم اکثریت حاصل
 شود ولی گمان میکنم که رعایت صرفه و صلاح مملکت
 مقدم در باشد تا رعایت افکار عامه .
مخبر - آقای وقار السلطنه کاملاً بیسوی هستند
 که عقیده کمیسیون موافقت کامل با عقیده ایشان داشت
 و حالا هم که کمیسیون اینطور تصویب کرد نه این
 است که عقیده سابق خودش به نظرش بد آمده است
 بلکه کمیسیون آن عقیده خودش را خیلی خوب میدانند
 و بنده از این ماده چون عقیده واقعی کمیسیون نیست
 نمی توانم مدافعه کنم و نظر کمیسیون مطابق است
 با پیشنهادیکه در کابینه مشیرالدوله شده بود یعنی
 بيشكاران و امانه ماله بر حسب فرمان هایبونی و حکم
 وزیر ماله و پیشنهاد آن اداره که مأمور جمع
 آوری و تمرکز عایدات است معین شوند ولی
 چیزیکه هست این است که بعضی پیشنهاد های
 قانونی از طرف دولت شد و اساساتی
 در مجلس دیده شد که کمیسیون را مجبور کرد که
 از آن نظریه اول خودش صرف نظر کند و عرض
 میکنم که کمیسیون خیلی وقت در اطراف سکار
 داشته و بهترین ترتیبات را اتخاذ کرده بود و بنده
 در شور اول شرح میجوید که در آن پیشنهاد
 عرض کردم باین ملاحظه بوده است و حالیه هم صرف
 نظر از آن عقیده اولی خودم نکرده ام لهذا بنده
 شخصاً ایرادی در پیشنهاد آقای وقار السلطنه ندارم

حاج شیخ اسد الله - در این پیشنهادی که
 فرمودند حالا داخل مذاکره آن نباید شد و اینکه
 میفرماید از طرف کابینه آقای مشیرالدوله پیشنهاد
 شد که مأمورین بر حسب پیشنهاد خزانه داری فرمان
 هایبونی حکم وزارتی معین شوند لیکن دولت جدید
 آن نظریاتی را که کابینه آقای مشیرالدوله داشتند
 تغییر داده پیشنهاد دولت این شد که تعیین بيشكاران
 و امانه ماله بر حسب تعیین وزیر ماله و فرمان
 هایبونی یا حکم وزارتی برقرار خواهند شد پس آن
 پیشنهادیکه آقای مشیرالدوله کرده بودند بکلی
 موضوعش از میان رفت و این کابینه جدید اینطور
 پیشنهاد کردند و آنوقت که از طرف کابینه آقای
 مشیرالدوله اینطور پیشنهاد شد کمیسیون مطابق
 نظریات ایشان اینطور تصویب نمود که بر حسب
 پیشنهاد خزانه داری و حکم وزارتی تعیین شوند
 منتهی چیزی تغییر و در آنجا نوشته شده بود که
 وزیر ماله میتواند پیشنهاد خزانه داری را رد کند
 ولی بالمآل پیشنهاد باید از طرف خزانه داری
 بشود و بنده و جمعی از آقایان که پیشنهاد سکردیم
 نظریاتمان این بود که جمع بین نظریه کابینه قدیم
 و جدید و کمیسیون کرده باشیم باین معنی پیشنهاد
 کردیم که بک اشخاص را برای بيشكار یا امین ماله
 اداره پرسنل بمقام وزارت معرفی میکند وزیر بر حسب
 وظیفه که اداره هیئت مشاوره عالی را تشکیل میدهد
 که اعضاء آن مطابق این قانون مرکب هستند از
 روسای ادارات که یکی رئیس اداره

خزانه باشد و یکی رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات
 و یکی رئیس اداره تشخیص عایدات و دیگری رئیس
 اداره محاسبات که در تحت ریاست وزیر ماله یا
 معاون او این هیئت تشکیل می شود و آن هیئت
 این اشخاص را که از اداره پرسنل سابق آنها
 در این اداره محفوظ است رایورث اعمال اشخاص
 را در آنجا ضبط کرده تمام رایورث ها باز هیئت
 مشاوره عالی میفرستد و آن هیئت مشاوره عالی هم
 در تعیین آن اشخاص نظری خواهد نمود و نظر
 خزانه داری هم که مأمور جمع آوری و تمرکز
 عایدات است در آنجا ملحوظ شده و هم نظر اداره تشخیص
 عایدات که باید او هم قدری در تعیین مأمورین
 نظری داشته باشد ملحوظ میشود و چون آن هیئت
 در تحت ریاست عالی وزیر متعقد میشود نظر وزیر
 که در آن ملحوظ شده آنوقت آن هیئت هر کس
 را که برای مأموریت یک ایالت یا يك ولایتی تصویب
 بکند بعد از تصویب آن هیئت فرمان هایبونی یا
 حکم وزارتی در حق آن شخص صادر میگردد و آن
 پیشنهاد که ما کردیم مطابق بوده است با نظریات
 وزیر و نظریات کمیسیون و در این جا کمیسیون
 تعیین بيشكاران و امانه ماله را کلیتاً باختیار وزیر
 واگذار کرده است و نظر هیچکس را در این
 باب دخالت نداده است بنده همانطوریکه در آن
 پیشنهاد سابق که تعیین بيشكاران و امانه ماله به
 پیشنهاد خزانه داری داده بود و روح آن پیشنهاد
 این بود که تعیین بيشكاران و امانه ماله بتصویب
 خزانه دار باشد مخالف بودم بهمان نظر در همین
 مورد هم مخالفت میکنم که تعیین بيشكاران و امانه
 ماله را کلیتاً باختیار وزیر بگذاریم اگر چه در باب
 تعیین بيشكاران و امانه ماله که پیشنهاد خزانه داری
 بود يك نظریاتی داشتم در این مورد نمی توانم
 تصدیق کنم که کاملاً آن نظریات را دارم
 لیکن بعضی نظریاتی که در آنجا بود این بود
 که بکنفر نمی تواند مختار باشد بسبل و اراده
 شخصی خودش هر کس را بهتر نقطه میجوید بفرستد
 از همان نقطه نظر که در پیشنهاد خزانه داری مخالفت
 داشتم باختیار مطلق وزیر هم مخالفت دارم و از
 همین نقطه نظریکه عرض سکردم پیشنهادی بمقام
 ریاست تقدیم کردم که باید تعیین رؤسا و بيشكاران
 و امانه ماله از این مجری سیر کند اینطور که اداره
 پرسنل اشخاص را معرفی کند و اسامی آنها بمشاوره
 عالی برسد و آن شکلی که آقای وقار السلطنه فرمودند
 که نظر خزانه داری باید ملحوظ شود زیرا نمیتوان
 مسئولیت جمع آوری و تمرکز عایدات را بیک نفر
 خزانه دار داد و باو گفت که نظر در تعیین بيشكاران
 و مأمورین ماله نداشته باش در این پیشنهاد این ایراد
 هم دیگر وارد نیست برای اینکه شخص خزانه دار
 خودش داخل در هیئت مشاوره عالی است و در تعیین
 آن اشخاص نظر دارد و اگر بخواهید بکلی تمام
 اختیارات را بخزانه داری واگذار کنیم شاید بعضی
 مضرات داشته باشد و اگر بخواهیم آن مضرات را
 عرض کنم شاید یک قدری خارج از نزاکت باشد
 و عرض میکنم که تجربیات این دوسه سال شاید قدری
 ما را متنبه کرده باشد که بکنفر خزانه دار اقتدر
 اختیارات ندهیم که مجبور باشیم باین حرارت و تندگی
 که در این مجلس اختیارات را از خزانه دار گرفتیم که

باز پس بگیریم و مطابق آن پیشنهادی که بنده کرده ام
 نظریات را از هیچیک از ادارات سلب نکرده است
 و تمام ادارات در تعیین آنها دخالت نظر دارند و بیک
 شخص بخصوص اختیاراتی داده نشده است که خود
 آن شخص آنها هم که دارای اختیار است اگر بخواهد
 يك عمل خوبی هم بکند دچار محظور میشود مثلا
 وقتی که تمام اختیار را مطابق باپورتی که از کمیسیون
 گذشت بیکسفر وزیر دادیم فشارهایی باو وارد
 خواهد شد که ممکن است از عهده وظایف وزیر
 خارج باشد و مجبور شود که يك اشخاص نا قابل
 را بیک تقاضی بفرستد که هیچ صلاح و صرفه دولت
 نباشد و خارج از قدرت وزیر باشد کدهوت و خواهش
 بعضی اشخاص را بپذیرد مثل اینکه در مملکت ماه میشه
 باب وساطت باز بوده ؛ هنوز هم مسدود نشده است
 و الان هم اکثر اشخاص متعذبن مایبشرفت مقاصد
 خودشان را بطریق وساطت قرار داده اند و تازه مانیکه
 این باب مسدود نشده است نباید اختیار را بیک نفر
 بدهیم و باید راه فراری از برای وزیر گذاشت که
 اگر من که یکی از نمایندگان هستم بآن وزیر رفتار
 بیآورم که شما باید فلان شخص را برای فلان محل
 معین کنی و اگر معین نکنی مورد سؤال واستیضاح
 میشوی وزیر راه قرار داشته باشد و بمن بگوید
 که اختیار با من نیست با هیئت مشاوره عالی است و
 این را هم میدانید که يك نفر را زودتر می شود
 ساکت و قانع کرد که مطابق میل شخص رفتار
 کند ولی يك عده را دیرتر می توان قانع و
 ساکت کرد و وقتیکه کار دست چهار پنج نفر از
 رؤسای ادارات افتاد این پنج نفر را دیرتر میشود
 متقاعد کرد این است که عرض میکنم پنج نفر را نمیتوان
 متقاعد کرد ولی کمتر میشود آن طوریکه بکنفر
 را میتوان تهدید و تطبیع و بهر وسیله که ممکن
 شود متقاعد کرد بکنفر را بان زودی نمیشود ساکت
 و قانع یا تهدید و یا تطبیع نمود و مطابق این
 پیشنهاد که بنظر هیئت مشاوره عالی تعیین شود
 سلب مسئولیت از وزیر ماله نمیکند زیرا وقتیکه
 بنظر هیئت مشاوره عالی معین شد چون این هیئت
 در تحت ریاست عالی وزیر تشکیل میشود و نظریات
 وزیر هم ملحوظ میشود سلب مسئولیت از وزیر
 نمیکند و آن ایراد آقای وقار السلطنه هم وارد
 نیست زیرا خزانه دار هم در آن نظر دارد و آقای
 وقار السلطنه را هم قانع نمیکند و بخوبی میدانم که
 آقای مخبر خواهند فرمود این مطلب مشکل میشود
 و برای خاطر اینکه معاکمه مأمورین ماله بالاخره
 راجع به معین حکم است و این هیئت مشاوره عالی که خودش
 مأمورین را نصب میکند خودش نمی تواند معاکمه نماید
 عرض میکنم درست است يك هیئتی که مأمور
 معاکمه يك اشخاص است آن هیئت نمیتواند آن
 اشخاص را نصب بکند و خودش هم معاکمه بکند
 هیئت اشخاصیکه يك کسی را نصب کردند نظر طرفدار
 آن شخص خواهند بود از آنجا که این جواب را
 خواهند فرمود بنده عرض میکنم که در این قانون
 اختیار نصب و عزل را مستقماً بوزیر ماله داده اند
 باین معنی که اختیار نصب را بوزیر داده و اختیار
 انفصال را هم بوزیر ولی وقتیکه بنا باشد مأمورین
 ماله را مجلس مشاوره عالی نصب کند آن وقت
 مجلس مشاوره عالی می تواند مفارقت در مقابل بعضی
 اظهارات بکند و مسلم است بکنفر وزیر را زودتر

نظری داشته باشد و الا در صورتیکه مأمورینی که
 میروند بولایات هیچچیز خزانه دار در نصب آنها
 نظری نداشته باشد که چه اشخاص هستند و لیاقت
 دارند گمان میکنم که این موافق نباشد باوظیفه جمع
 آوری و تمرکز تمام عایدات که بعهد خزانه داری
 قرار دادیم در این صورت خزانه داری نمی تواند
 مسئولیتی بعهد بگیرد این است که بنده یک پیشنهادی
 خواهم کرد و اگر چه گمان نمیکنم اکثریت حاصل
 شود ولی گمان میکنم که رعایت صرفه و صلاح مملکت
 مقدم در باشد تا رعایت افکار عامه .
مخبر - آقای وقار السلطنه کاملاً بیسوی هستند
 که عقیده کمیسیون موافقت کامل با عقیده ایشان داشت
 و حالا هم که کمیسیون اینطور تصویب کرد نه این
 است که عقیده سابق خودش به نظرش بد آمده است
 بلکه کمیسیون آن عقیده خودش را خیلی خوب میدانند
 و بنده از این ماده چون عقیده واقعی کمیسیون نیست
 نمی توانم مدافعه کنم و نظر کمیسیون مطابق است
 با پیشنهادیکه در کابینه مشیرالدوله شده بود یعنی
 بيشكاران و امانه ماله بر حسب فرمان هایبونی و حکم
 وزیر ماله و پیشنهاد آن اداره که مأمور جمع
 آوری و تمرکز عایدات است معین شوند ولی
 چیزیکه هست این است که بعضی پیشنهاد های
 قانونی از طرف دولت شد و اساساتی
 در مجلس دیده شد که کمیسیون را مجبور کرد که
 از آن نظریه اول خودش صرف نظر کند و عرض
 میکنم که کمیسیون خیلی وقت در اطراف سکار
 داشته و بهترین ترتیبات را اتخاذ کرده بود و بنده
 در شور اول شرح میجوید که در آن پیشنهاد
 عرض کردم باین ملاحظه بوده است و حالیه هم صرف
 نظر از آن عقیده اولی خودم نکرده ام لهذا بنده
 شخصاً ایرادی در پیشنهاد آقای وقار السلطنه ندارم

میشود متقاعد کرد تا يك هيئتى پس در واقع اختيار نصب و عزل را بيك هيئت داند البته بهتر است از دادن بيك وزير است بله در اينصورت اختيار نصب و معاكه با هيئت مشاوره عالي شده وليكن وقتى كه معاكه اش در اين هيئت آمد باز از نظر پنج نفر صاحب نظر باشد آنوقت حقيقه وظايفى را كه باو معاكه ميشود و اين بهتر از اين است كه اختياراوت را بدست يك نفر وزير بدهيم كه هر چه دلش ميخواهد بگذرد و هر كس را ميخواهد مأموريت بدهد و يا منفضل كند اين عقیده بنده است در پیشنهاد مى كند.

رئيس - آقاى حاج شيخ اسدالله از سؤال و استيضاح تفسير فريرى فرمودند يك مرتبه خيالات زيادى از ايشان طلوع ميكند و بلائامن ميگويند خيالات از هم تشخيص نميدهند

حاج شيخ اسدالله - بنده گمان نميكنم همچو چيزى گفته باشم بفرمائيد تا توضيح بدهيم سردار معظم محبور - اگر چه آقاى وزير ماليه در اينجا شريف دارند و نظري هم كه كميسيون اتخاذ كرده است همان نظر هيئت دولت است و خودشان بيان فرمودند ولى چون در اينجا تنفيذى از آراى كميسيون شد لازم است كه جهت اين تغيير راي و اعراض كنم.

در شور اول چنانكه خاطر آقاىان مستعضر است بنده در همين جا بيك شرح مبسوطى در باب اختيار داشتن وزير و نظر داشتن خزانه دار در تعيين پيشكاران و امناه ماليه عرض كردم كه چون در تشكيلات مركزى كه وظيفه بخزانه دارى داده شده است يعنى از يكطرف جمع آورى و نمرگز هيات از طرف ديگر نظارت در مخارج با توجه مأموريتى كه تصدى اين شغل خواهند شد از اينكه كاملا وظيفه خودشان عمل كنند بايد خزانه دارى در تعيين آن مأمورين نظر داشته باشد و آنروز در اين موضوع خيلى مذاكرات شده كاساساً كميسيون را قانع نكرد ولى چون اكثريت كه قاطع است در پيشنهاده حاصل شده و مراجع بكميسيون شده كميسيون مجبوراً تغيير عقیده داد ولى اينكه مى فرمائيد حكما بايد پيشكاران و امناه ماليه در تحت مجلس مشاوره عالي تعيين شوند تا اينكه ضمناً نظر خزانه دار هم در آن باشد بنده تصور ميكنم اين از هيچ نقطه نظرى صحيح نباشد زيرا امروز دوشك خارج نيست يا بايد در تعيين پيشكاران و امناه ماليه نظر خزانه داوى شرط شود

همانطور كه نظر كابينه سابق و نظر كميسيون قوانين ماليه بود كه بايد تعيين پيشكاران و امناه ماليه بر حسب حكم وزير ماليه معين شوند ولى قبل از صدور حكم بايد آن اداره كه تصدى جمع هيات و تصدى خرج است نظرياتى داشته باشو يا بايد نقطه نظر ديگر را اتخاذ نمود و گفتن وزير ماليه بر حسب مسئوليتى كه دارد داراى اختيارات تام باشد اما جهت اينكه حد و سطر اگر فقه باشيم دل خودمان را خوش كنيم و بگوئيم اداره يرسل مأمورين ماليه را پيشنهاده كند آيا اداره يرسل مى تواند خودش امعان نظري بكنند آيا مى تواند بارى يك وزيرى مخالفت كند اداره يرسل يك وظائف ادارى محدودى دارد كه هيچ مربوط بصحت و سقم انتخابات وزير نيست اينستله از نقطه نظر هيچ قاعده نفعى ندارد و مقصودى را حاصل نمى كند

ميانند و مجلس مشاوره عالي كمر كب است از رئيس كميسيون تطبيق حوالجات و رئيس شزانه و رئيس محاسبات و رئيس محاكات و رئيس تشخيص عايدات و ميفرمايند بغير آنكه بجنس مشاوره عالي رجوع كردند آنوقت ممكن است رئيس خزانه هم در آن صاحب نظر باشد آنوقت حقيقه وظايفى را كه باو واگذار كرده ايم بايد اجرا كند ولى در اين مجلس اكثريت آراء صانط اعتبار است و ممكن است اكثريت از رئيس كميسيون تطبيق حوالجات و محاكات يك اداره ديگرى كه در جمع و نه در خرج دخالت دارد حاصل شود و رئيس خزانه هم مخالف باشد در اينصورت يك پيشكار ماليه معين شده است نظر از او اينكه هيچ مربوط با آنها نيست و برخلاف نظر خزانه دواينجا بايد يك چيزى را هم عرض كنم كه تصور بفرمائيد هر چيزى را نشود بطور (ثئورى) و در روى كغذوبول كرد بايد رجوع كرد بزندگانى ادارى و حقيقه مضحك است كه ما در يك قانون بنويسيم كه براى تعيين امين ماليه فلان ولايات اختيار وزير ماليه كافي نيست و بايد يك مجلس مشاوره عالي كه يك محكه جزائى است براى اين كار تشكيل شود و رؤساي ادارات جمع شوند و تبادل نظر كنند يك نفر مأمور ماليه را معين كنند بطور ميشود و همچو چيزى را در زندگانى ادارى بايد هر كس كه مسئول كار است بهر شكل كه صلاح ميداند آن را بوقع اجرا بگذارد و اگر ما براى هر كار جزئى قائل بيك هيئت مشاوره و جمع كردن مدير ها بشويم اين دو عمل يك چيز فريرى خواهد شد كه بالا خرم بواسطه نايبجه كه از براى هرج و مرج ادارى حاصل خواهد شد تصديق خواهند فرمود كه بدترين پيشنهاده هيئت پيشنهاده است حالا بنده آن ايرادها هم كه خودشان فرمودند تكرار ميكنم كه يكى از وظائف مجلس مشاوره عالي معاكه امناه و پيشكاران ماليه است و قبليه امناه و پيشكاران ماليه از طرف مجلس مشاوره عالي معين شوند ممكن است همان اكثريتى كه اينها را معين كرده همان اكثريت آنها را حفظ كند و آن امناه و پيشكاران ماليه را در تحت حمايت خود قرار دهد و قبليه اين اكثريت عالي مبدل مى شود بيك محكه جزائى نظري يعطرى كه لازمه محكه است منظور نميشود بالاخره يك چيز فريرى ميشود مثلا رئيس خزانه و رئيس تشخيص عايدات با لامل قوه صلاح بدانند كه فلان امين ماليه از براى فلان محل معين شود و رئيس محاكات و رئيس محاسبات و رئيس كميسيون تطبيق حوالجات بگويند خير ما عقیده نداريم اكثريت هم با اين ۳ نفر مى شود و يك مأمور ماليه دوفلان محل ميدانند برخلاف راي وزير ماليه و رئيس خزانه دارى و رئيس تشخيص عايدات و اين يك چيز فريرى ميشود پس امر دائر ميشود بين دو شك كه در تعيين مأمورين ماليه خزانه دارى نظر داشته باشد زيرا اداره خزانه مسئوليت جمع آورى و نمرگز عايدات را دارد و بنا بر اين حق را از او سلب كرد من نميدانم چرا آقاىان از (خ ز ان) ميترسند در صورتيكه در قانون نوسى نبايد فقط بوقايع آن دوره نظر داشت بلکه بايد يكدردى نظر وسيع تر باشد و دورتر را فرا بگيرد زيرا وقايع حاليه مرتفع ميشود و قانون بايد بماند علاوه در اين قانون ماليه هيچ اثرى از اختيارات سابق خزانه دار باقى نمانده است و شك

ثانى اين است كه تمام اختيارات وزير ماليه داده شود بايد يكى از اين دو شك را اختيار كرد مديرك و اساس اين قانون قرارداد والا تا وقتيكه يك اساس معينى در قانون تشكيلات اساسى يك وزارتخانه اتخاذ نشود يك مخالفت هاى در ماده آن ميشود گاهى اين ساده فرغ يك اساس ميشود و گاهى ماده ديگر فرغ اساس ديگر ميشود عرض اينكه ما بين تمام مواد قانون يك رابطه حكاملى پيدا شود و رابطه بر هم هم مى خورد بالاخره وقتيكه بخواهيم اين قانون را اجرا كنيم عرض اينكه يك نتيجه صحيحى از آن بگيريم مى بينيم تمام مواد آن متضاد هستند و مخالفت مى شود و كار بيشرفت نمى كند

نظام السلطان - چون يك مقدار از امراض بنده را آقاى مخبر فرمودند تكرار آنها را لازم نميدانم و موافق با پيشنهاده دولت وزير ماليه بنده عرض ميكنم نظريات دولت در اين مواد به بعضى ملاحظات بوده است كذا كر آرا در اين موقع صلاح نميدانم و تقاضا ميكنم كه اين ماده را دوباره رجوع كنند بكميسيون قوانين ماليه ميشود و همچو چيزى را در زندگانى ادارى بايد هر كس كه مسئول كار است بهر شكل كه صلاح ميداند آن را بوقع اجرا بگذارد و اگر ما براى هر كار جزئى قائل بيك هيئت مشاوره و جمع كردن مدير ها بشويم اين دو عمل يك چيز فريرى خواهد شد كه بالا خرم بواسطه نايبجه كه از براى هرج و مرج ادارى حاصل خواهد شد تصديق خواهند فرمود كه بدترين پيشنهاده هيئت پيشنهاده است حالا بنده آن ايرادها هم كه خودشان فرمودند تكرار ميكنم كه يكى از وظائف مجلس مشاوره عالي معاكه امناه و پيشكاران ماليه است و قبليه امناه و پيشكاران ماليه از طرف مجلس مشاوره عالي معين شوند ممكن است همان اكثريتى كه اينها را معين كرده همان اكثريت آنها را حفظ كند و آن امناه و پيشكاران ماليه را در تحت حمايت خود قرار دهد و قبليه اين اكثريت عالي مبدل مى شود بيك محكه جزائى نظري يعطرى كه لازمه محكه است منظور نميشود بالاخره يك چيز فريرى ميشود مثلا رئيس خزانه و رئيس تشخيص عايدات با لامل قوه صلاح بدانند كه فلان امين ماليه از براى فلان محل معين شود و رئيس محاكات و رئيس محاسبات و رئيس كميسيون تطبيق حوالجات بگويند خير ما عقیده نداريم اكثريت هم با اين ۳ نفر مى شود و يك مأمور ماليه دوفلان محل ميدانند برخلاف راي وزير ماليه و رئيس خزانه دارى و رئيس تشخيص عايدات و اين يك چيز فريرى ميشود پس امر دائر ميشود بين دو شك كه در تعيين مأمورين ماليه خزانه دارى نظر داشته باشد زيرا اداره خزانه مسئوليت جمع آورى و نمرگز عايدات را دارد و بنا بر اين حق را از او سلب كرد من نميدانم چرا آقاىان از (خ ز ان) ميترسند در صورتيكه در قانون نوسى نبايد فقط بوقايع آن دوره نظر داشت بلکه بايد يكدردى نظر وسيع تر باشد و دورتر را فرا بگيرد زيرا وقايع حاليه مرتفع ميشود و قانون بايد بماند علاوه در اين قانون ماليه هيچ اثرى از اختيارات سابق خزانه دار باقى نمانده است و شك

ثانى اين است كه تمام اختيارات وزير ماليه داده شود بايد يكى از اين دو شك را اختيار كرد مديرك و اساس اين قانون قرارداد والا تا وقتيكه يك اساس معينى در قانون تشكيلات اساسى يك وزارتخانه اتخاذ نشود يك مخالفت هاى در ماده آن ميشود گاهى اين ساده فرغ يك اساس ميشود و گاهى ماده ديگر فرغ اساس ديگر ميشود عرض اينكه ما بين تمام مواد قانون يك رابطه حكاملى پيدا شود و رابطه بر هم هم مى خورد بالاخره وقتيكه بخواهيم اين قانون را اجرا كنيم عرض اينكه يك نتيجه صحيحى از آن بگيريم مى بينيم تمام مواد آن متضاد هستند و مخالفت مى شود و كار بيشرفت نمى كند

داشته باشيم و با آنها اعتقاد داشته باشيم ممكن است وليكن زياد كه نمايم هيچ بلكه بنده متقدم كوزير منحصص ماليه هيچ نداريم تا چه رسد بزياد داشتن پس بايد يك ترتيبى را در نظر بگيريم كه اين اشكالات رفع شود و بايد عرض كنم كه يك قسمت از اصلاحات راجع باجزاء حاضر خزانه است و اين را بايد در نظر بگيريم كه آنها هم تا يك اندازه مهم است بنده بيان نظريه آقاى وزير ماليه تقاضا كردند بنده تقاضا نميكنم و بنظر ديگر تقاضا ميكنم كه اين ماده رجوع شود بكميسيون و اين را محض توضيح عرض ميكنم كه نمايندگان ائتلاف و وسائل خيلى مختصر جمع مى شوند و تبادل نظر مى كنند متاسفانه در اين مسئله باين همى تا كنون نمايندگان ائتلاف جمع نشده و تبادل نظر نكرده اند بنده تقاضا ميكنم راجع باين ماده در صورتيكه مخبر مستر تقاضا را قبول كند كه آقاىان نمايندگان ائتلاف در كميسيون قوانين ماليه حاضر شوند و يك دوجله تبادل افكار كنند و نظريات خودشان را حاضر كنند و بايك نظر اطمينان بخش كه اطراف آن كاملا ملاحظه شده باشد كه صلاح فاسد يافته نشود اين ماده را از مجلس بگذرانند

مخبر - اين پيشنهاده ها كه ميشود چون تقاضاى ارجاع به كميسيون است خوبست نوشته شود و راي گرفته شود

وزير ماليه - بنده موافق با نظريات آقاى ناصر الاسلام چون اين ماده خالى از اهميت نيست دو باره ارجاع به كميسيون شود بهتر است

رئيس - مقصود تقير دستور است كه ميفرمايند بماند براى جلسه ديگر ناصر الاسلام - بلى

مخبر - مقصود بقيه اين قانون است يا پيشنهاده ماده وزير ماليه - بعضى مواد هم هست كه مربوط باين ماده هستند آنها هم اگر بكميسيون ارجاع شود بهتر است

رئيس - آقاىان بكنه اين تقاضاى آقاى ناصر الاسلام را تصويب ميكنند قيام نمايند (عده كزيرى قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد حالا چند دقيقه تنفس است در اين موقع كه يكساعت و نيم از شب گذشته بود عموماً براى تنفس خارج شده و پس از چند دقيقه ختم جلسه اعلان و جلسه آتبه بروز بگشايه و دستور آن مذاكره در بقيه قانون تشكيلات ماليه و اخذ راي و پيشنهاده هاى راجع باجزاء بود چه ها معين گرديد

جلسه ۴۳ صورت مشروح مجلس روز ۱ شنبه ۱۵ شهر رجب ۱۳۲۷ مجلس دوساعت قبل از غروب در تحت رياست آقاى مؤتمن المللك تشكيل و صورت مجلس روزه شنبه دوازدهم قرائت شد

فائدين با اجازه - آقاى آقا سيد اسدالله چهار - سونى - سردار سعيد - حاج شيخ حبيب الله

فائدين با اجازه - آقاىان حاج امام جمعه - حاج سيد اسدالله قزوينى - شريتمدار - حاج شيخ اسماعيل - شريف العلماء رئيس - در صورت مجلس ملاحظاتي هست يا نيست ؟

(اظهارى نشد) ملاحظاتي نيست صورت مجلس تصويب شد - دستور امروز شور در بقيه قانون تشكيلات ماليه و مذاكرات راجع باجزاء بوده است قانون تشكيلات از ماده ۶۹ قرائت ميشود

(ماده مزبور بضمون ذيل قرائت شد) ماده ۶۹ - جمع آورى عايدات دولت و وصول ماليات ها مطابق دستور العمل ها و جزو جمع هاى اداره كل تشخيص عايدات برعهده پيشكاران و امناه ماليه است

رئيس - مخالفتى نيست ؟ (اظهارى نشد) راي ميگيريم بماند (۶۹) آقاىان بكنه تصويب ميفرمايند قيام نمايند

(عده كزيرى قيام نمودند ماده (۷۰) بضمون ذيل قرائت شد) ماده (۷۰) - تأديه مخارج دولتى مطابق حوالجاتى كه در حدود بودجه و اعتبارات مصوبه صادره پس از تصويب كميسيون تطمين حوالجات و امضاء وزير - ماليه توسط اداره خزانه دارى كل فرستاده ميشود برعهده پيشكاران و امناه ماليه است

رئيس - در اين ماده ملاحظاتي هست ؟ (اظهارى نشد) ملاحظاتي نيست راي ميگيريم بماند (۷۰) آقاىان بكنه تصويب ميفرمايند قيام نمايند

(ماده (۷۰) تأديه مخارج دولتى مطابق حوالجاتى كه در حدود بودجه و اعتبارات مصوبه صادره پس از تصويب كميسيون تطمين حوالجات و امضاء وزير - ماليه توسط اداره خزانه دارى كل فرستاده ميشود برعهده پيشكاران و امناه ماليه است

رئيس - در اين ماده ملاحظاتي هست ؟ (اظهارى نشد) ملاحظاتي نيست راي ميگيريم بماند (۷۰) آقاىان بكنه تصويب ميفرمايند قيام نمايند

(ماده (۷۱) پيشكاران و امناه ماليه مكلف هستند در موارد ذيل از تأديه وجه حوالجات امتناع نموده و در لامل رد خود را كتبا بصاحب حواله بدهند (۱) در صورتى كه حواله داواى شراب بماند كوره در ماده ۷۰ نباشد

(۲) در اسناد عيب و نقصى مشاهده نمايند (۳) موضوع مخارج معقود باشد در شك اول حواله بايد قطعاً تأديه شود ولى در ۲ شك اخير مراتب را باسرع وسائل لرئيس مستقيم خود اطلاع داده كسب تكليف نمايند و در صورت عدم مراعات هريك از شقوق سه گانه خود آنها مشمول خواهند بود

رئيس - در فقره اول ماده (۷۱) مخالفتى نيست ؟ حاج شيخ اسدالله - در اينجا كه مينويسد مراتب را باسرع وسائل... رئيس - در فقره اول عرض كردم

حاج شيخ اسدالله - بلى اشتباه كردم رئيس - در فقره دوم مخالفتى نيست ؟ (اظهارى نشد) در فقره سوم هم ايرادى نيست ؟ در تمامه اين ماده مخالفتى هست ؟

حاج شيخ اسدالله - در اينجا كه مينويسد (مراتب را باسرع وسائل لرئيس مستقيم خود اطلاع و كسب تكليف نمايند)

بنده ميخواستم عرض كنم با اين كه به ترتيب تعيين پيشكاران و امناه ماليه داده نشده است معلوم نيست رئيس مستقيم آنها كيست آيا اداره تشخيص عايدات است يا اداره محاسبات يا اداره ديگر است اين مطلب بنظر بنده خيلى مجهول مى آيد و هيچ معلوم نيست كه رئيس مستقيم آنها كيست و از كى بايد كسب تكليف بكنند

مخبر - اين مسئله فقط منحصر باين نيست كه رئيس مستقيم وزير ماليه يا اداره تشخيص عايدات يا اداره محاسبات باشد كه پيشكاران ماليه با آنها رجوع نمايند ممكن است وزير ماليه مملكت را بچند قسمت تقسيم كند و در هر قسمت يك پيشكار و چند امين ماليه بفرستد مقصود از اين ماده اين است كه اگر يك حواله مأمور جره رسيد مكلف نيست شخصاً با وزير ماليه طرف شود البته اين ماليه لرئيس مستقيم خودش كه پيشكار ماليه است مراجعه مى كند ولى اگر حواله پيشكار ماليه رسيد او با وزير ماليه طرف مى شود و به وزير ماليه اطلاع بدهد

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود

حاج شيخ اسدالله - حوالجاتى كه از طرف خزانه فرستاده مى شود بامورين جزمى بوطى است طرف حواله پيشكاران و امناه ماليه هستند كه از طرف ادارات مركزى معين شده باشند و اين مثل را كه نسبت بامورين جزمى مى آورند كه بايد از رئيس مستقيم خود كسب تكليف بكنند موضوع بحث نيست بلكه موضوع بحث حوالجاتى است كه خزانه دارى پراين پيشكاران و امناه ماليه بفرستد و آن ها مى بينند كه موضوع حوالجات منفى است يا بعضى شرائط و ترتيباتى را كه در اينجا نوشته شده دارا نيست آن وقت لرئيس مستقيم و مرجع امر خود رجوع مى كند و از او كسب تكليف مينمايند مقصود عرض بنده اينست كه مرجع امر بكنه بايد باو رجوع نمايند در اينجا معلوم نيست كيست برخلاف سابق كه تعيين پيشكاران و امناه ماليه را ميخواستند باختيار وزير ماليه يا خزانه دارى معين كنند ممنوع بود كه در صورت تعيين آنها از طرف وزير ماليه بوزير رجوع مكرند بااگر از طرف خزانه دارى تعيين شده بودند بخزانه دار مراجعه مينمودند ولى در آنجا رئيس مستقیمی كه نوشته شده بنظر بنده نبايد و نميدانم كيست آيا بايد بكميسيون تطبيق حوالجات رجوع كنند يا بخزانه دارى رجوع نمايند و در هر صورت هر كس كه مرجع امر است و بايد باو رجوع و كسب تكليف نمايند در اينجا بايد تصريح شود كه مطلب معلوم باشد و اسباب اشكال نشود